نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ،اقتصادی ورزشی

شماره بیست و هشتم - یکشنبه ۴ بهمن ماه ۱۳۷۷

۱۲ صفحه ۵۰ تومان

گفتگو با دکتر محمد مهدی جعفری یار دیرین مهندس بازرگان

بازرگان یکی از پیشکسوتان نواندیشی دینی در شصت سال اخیر بوده است

صفحه ۵

مهندس مهدی بازرگان، فعّالِ عرصه دانش، دین و سیاست

مصاحبه با رضا نیکخواه بازیگر توانمند بوشهری در برنامه طنز ۷۷ :

جوانان بوشهری سرشار از جوانه‌های نبوغ و خلاقیتند

صفحه ۳

تریلوژی فاجعه

به مناسبت چهلمین روز درگذشت «محمد مختاری» و «محمد جعفر پوینده»

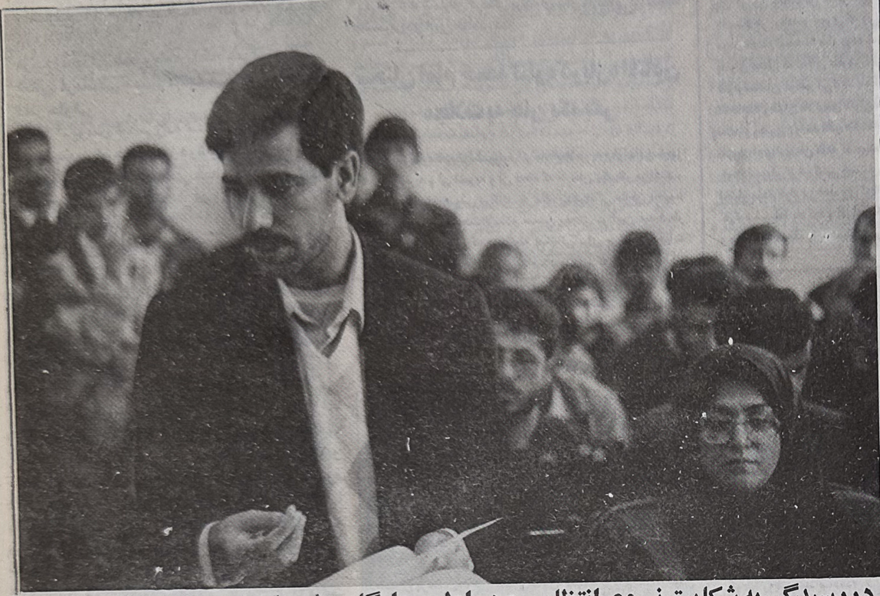
فلسفه وجودی و وظایف شوراها اسلامی

«در اثر بی توجهی آموزش وپرورش استان بوشهر

تاتر سوغات دریا از شرکت در جشنواره بین‌المللی فجر بازماند

همگام با انقلاب در بوشهر

خاطرات علیرضا مظفری‌زاده از مبارزات و فعالیتهای سیاسی ـ مذهبی قبل از انقلاب در بوشهر



دررسیدگی به شکایت نیروی انتظامی و در اولین دادگاه مطبوعات در حضور هیئت منصفه

مدیر مسئول نسیم جنوب تبرئه شد

صفحه ۶

رای دادگاه مطبوعاتی رسیدگی به شکایت فرماندهی ناحیه انتظامی بوشهر از مدیر مسئول هفته نامه نسیم جنوب

تاریخ: ۷۷/۱۰/۲۹ کلاسه: ۷/۷۷/۵۳۱ شماره ۷/۷۷/۱۰۲۸

مرجع رسیدگی: شعبه هفتم دادگاه عمومی بوشهر

شاکی: فرماندهی محترم ناحیه انتظامی بوشهر - دفتر حقوقی

متهم: ۱- یونس قیصی‌زاده مدیرمسئول هفته‌نامه نسیم‌جنوب ۲- خانم زیبا هوشیار وکیل پایه یک دادگستری به نشانی بوشهر خیابان سنگی روبروی بسیج مرکزی دفتر وکالت از طرف متهم.

اتهام: نشر اکاذیب

گردشکار: پرونده پس از وصول و ثبت آن به کلاسه فوق و تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ به طرفین و انجام سایر اقدامات قانونی سرانجام دادگاه به تصدی امضاءکننده ذیل تشکیل شد و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی اعلام و به شرح زیر انشاء رأی گردید:

«رأی دادگاه»

درخصوص اتهام آقای یونس قیصی‌زاده مدیرمسئول هفته‌نامه نسیم جنوب موضوع شکایت ناحیه انتظامی بوشهر دایر بر چاپ مقاله وهن‌آمیز و افترا و تشویش اذهان عمومی در هفته‌نامه شماره ۱۴ مورخ ۷۷/۳/۱۸ مبنی بر «آقایان یگان ویژه با جوانان خوش‌برخوردتر باشید» دادگاه با توجه به دفاعیات متهم و وکیل ایشان و نظر اعضای محترم هیئت منصفه مطبوعات بوشهر و بر اساس اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رأی بر برائت متهم صادر و اعلام گردید رأی صادره حضوری و قطعی می‌باشد.

رئیس شعبه هفتم دادگاه عمومی بوشهر - سیدسلیمان رضوی

مدیردفتردادگاه‌شعبه هفتم عمومی‌بوشهر- رضا افهمی

«ثبت دو اثر تاریخی در فهرست آثار ملی»

دواثر تاریخی بوشهر در آثار ملی به ثبت رسید.
امامزاده عبدالمهیمن و عمارت ملک دو اثر بوشهر هستند که به تازگی جزء آثار ملی به ثبت رسیده‌اند.
متأسفانه عمارت ملک در حال تخریب است، این عمارت که در دوران قاجاریه و توسط تاجر بوشهری به نام محمدمهدی ملک مشهور به ملک‌التجار احداث شده است، هم‌اکنون نیمه مخروبه بوده و درصورتیکه مسئولان فرهنگی برنامه‌ای برای بازسازی آن نداشته باشند، بزودی ازبین خواهد رفت.

سخنان امام جمعه گناوه درباره افتادن مجلات به جان یکدیگر

امام جمعه گناوه گفته است: وزارت ارشاد اسلامی به جای دادن مجوز به این نشریه و آن نشریه و آن مجله که به جان یکدیگر می‌افتند و وحدت مردم را مخدوش می‌کنند، به امکانات فرهنگی مناطق محروم هم توجهی بکند.» حجت‌الاسلام حسین بهجتی در آیین عید فطر اضافه کرده: «در حالی که هیچگونه امکاناتی برای پر کردن اوقات فراغت جوانان فراهم نکرده‌ایم، مدام داد می‌زنیم که جوانان، گناهکار و خلافکار نباشید. در شهر مرزی و حساس گناوه که در معرض امواج ماهواره‌ای دیگران قرار دارد، از وجود یک سینما برای ارائه برنامه‌های مناسب و یا کتابخانه‌ای که جوانان منطقه را اقناع کند، خبری نیست.» وی این را هم گفت که: «هر فرد و یا روزنامه‌ای که بخواهد کوچکترین اختلافی بین مردم ایجاد کند خائن به اسلام، قرآن، انقلاب و شهدا است.»
البته ایشان اظهار نظر ننموده‌اند که چگونه مطبوعات باافتادن به جا یکدیگر، وحدت مردم را مخدوش می‌کنند. همچنین بجاست که ام جمعه محترم نظرات خود را درباره برنامه‌های صدا و سیما نیز ابر نماید که آیا این سازمان عریض و طویل با بودجه ۱۰۰ میلیارد تومانی سالانه توانسته جلوی امواج! ماهواره را بگیرد یا خیر؟

کشفیات مأموران ناحیه انتظامی

مأموران پرتلاش مناطق انتظامی کنگان، گناوه، دیر و تنگستان موفق شدند کالاهای قاچاق فراوانی را کشف و ضبط نمایند.
برخی از کالاهای کشف شه عبارتند از: چتربارانی ۳۴۹۶ عدد، سیگارت خارجی ۲۱۲۷۴ پاکت، پارچه خارجی ۴۶۰ طاقه، کولر گازی ۱۷ دستگاه، ساعت ۳۶۰۲ عدد، گوشی موبایل ۴۸ عدد، فاکس ۱۰ دستگاه، پیراهن و شلوار ۱۱۵۳ توپ، ماشین اصلاح ۴۴۰ دستگاه، انواع مواد مخدر ۱۷ کیلوگرم، چاپگر کامپیوتر ۴ دستگاه.

نماینده مردم بوشهر، گناوه، دیلم: مردم برای پیشبرد و برنامه‌ریزی امور خود دلسوزتر از هرکسی هستند

در جمعه قبل، پیش از خطبه‌های نماز جمعه، مهندس خواجه‌پور، نماینده مردم شهرستانهای بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی سخنرانی نمود.
وی در این سخنرانی که درخصوص شوراهای اسلامی بود اظهار داشت: هر برنامه و اموری که طی سالیان گذشته با دخالت مستقیم مردم انجام شده کارساز بوده است. مهندس خواجه‌پور از شوراها بعنوان محلی که امکان حضور، اظهارنظر و دخالت مردم را در تعیین سرنوشتشان فراهم می‌کند، یاد نمود. وی از مردم خواست که در انتخاب داوطلبان ملاکهای «توان مدیریت»، «کاردانی» و «وفاداری به نظام و رهبری» را مد نظر داشته باشند. خواجه‌پور در این سخنرانی افزود: تجربه نشان داده که مردم برای پیشبرد و برنامه‌ریزی امور خود دلسوزتر از هر کسی هستند و تشکیل شوراها این فرصت را در اختیار مردم قرار می‌دهد. وی از انتخاب شهردار به عنوان مهمترین کارکرد شوراها یاد کرد و افزود: یک شورای مقتدر بسیاری از مسائل و مشکلات منطقه را با همیاری مردم برطرف خواهد کرد.

۶۵۱ شعبه برای برگزاری انتخاب شوراها شهر و روستا در استان بوشهر

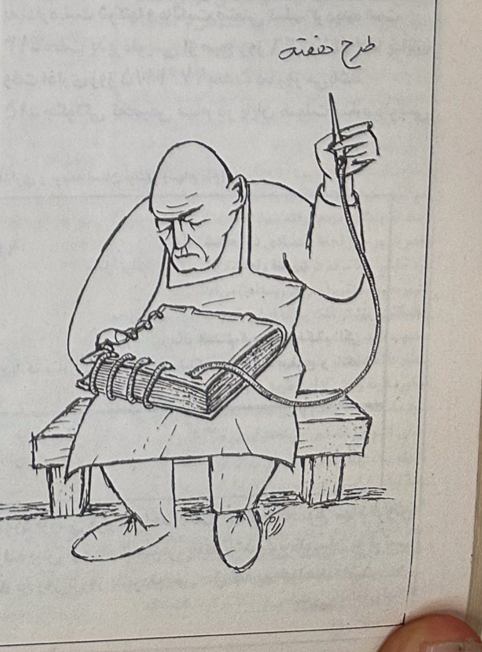
انتخاب شوراها شهر و روستا در ۶۵۱ شعبه در استان بوشهر برگزار می‌شود.
رئیس ستاد انتخابات استان بوشهر در گفتگو با خبرنگار ما ضمن بیان این مطلب افزود: ۷۸۱۲ نفر در ۶۵۱ شعبه در سراسر استان وظیفه برگزاری انتخابات شوراهای شهر و روستا را بعهده دارند.
اردشیر محمدی گفت: آن دسته از داوطلبان عضویت در شوراهای اسلامی که موفق به ثبت‌نام شده‌اند می‌توانند از هم اکنون با مراجعه به فرمانداریها و بخشداریها، برگهای تأیید یا عدم تأیید صلاحیت خود را رویت کنند. محمدی باغملائی یادآور شد: داوطلبین رد صلاحیت شده می‌توانند شکایت خود را برای تجدید نظر تسلیم هیئتهای نظارت، مستقر در فرمانداریها، بخشداریها و استانداری کنند. سرپرست ستاد انتخابات استان بوشهر افزود: چهار هزار و ۴۳۷ نفر داوطلب زن و مرد جهت عضویت در شوراهای شهر و روستا در این استان نام‌نویسی کرده‌اند.

پیام حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب سیدمحمد خاتمی به مقام معظم ریاست جمهوری درباره وقایع اخیر

سلام‌علیکم، احتراماً به شرف عرض می‌رساند: سپاس پروردگار بر زبان ملت عزیز ایران جاری است که هر از چندی یکی از عنایات و الطاف خفیفه خویش را بر آنان مبذول و معطوف می‌فرماید و مکرها و سوءنیات بدبینان کج‌اندیش را به خودشان برمی‌گرداند چرا که مهمترین و حساسترین پایگاه این دامان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نفوذ می‌کنند و به اهداف شوم و پلید و شرم‌آوری دست می‌آلایند، و به قصد خدشه‌دار کردن سیمای زیبای ملت دولت شریف چه خدعه‌ها که به کار نمی‌بندند؟! اما با پیگیری داهیانه ریاست محبوب جمهوری آن همه مکر و دغل برملا می‌شود و چهره کریه بومان خون‌آشام را از لابه‌لای پوسته و پوشش نفرت بیرون می‌افتد. دعای خیر مردم استان بوشهر، دوستداران مخلص حضرتعالی در نیل به توفیقات عالیه تقدیم عتبه معززه می‌آدارد و از خدای منان خواستار تأییدات روافزون برای دولت کریمه می‌باشد.

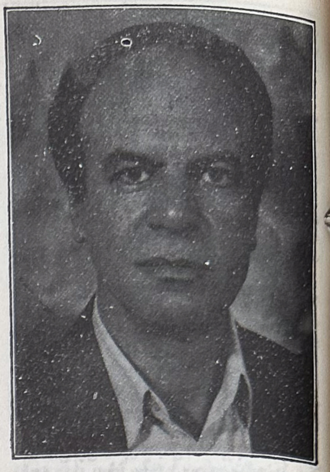
در اثر بی‌توجهی آموزش و پرورش استان بوشهر تئاتر سوغات دریا از شرکت در جشنواره بین‌المللی فجر بازماند

تئاتر سوغات دریا به کارگردانی محسن قیصی‌زاده که به عنوان تنها نماینده تئاتر دانش‌آموزی کشور قرار بود در جشنواره بین‌المللی فجر در قسمت جشنواره جشنواره‌ها شرکت کند به علت تهیه نکردن بلیت رفت و برگشت توسط آموزش و پرورش استان بوشهر، موفق نشد که در این جشنوار بین‌المللی شرکت نماید و این در صورتی بود که اجرای این تئاتر در برنامه‌های جشنواره بود بهمن در نشریات کثیرالانتشار اعلام شده و مکان آن نیز مشخص گردیده بود، اما اداره آموزش و پرورش استان که می‌باید هزینهٔ ۵۰٪ بلیت را پرداخت می‌کرد به علت کمبود بودجه از تهیه بلیط صرف‌نظر کرد



مصاحبه با رضا نیکخواه بازیگر توانمند بوشهری در برنامه طنز ۷۷:

جوانان بوشهری سرشار از جوانه‌های نبوغ و خلاقیتند



□ لطفاً ضمن معرفی خودتان خلاصه‌ای از فعالیتهای هنریتان را برایمان شرح دهید.

● با نام خدا و سپاس فراوان از شما، اجازه می‌خواهم صمیمانه‌ترین درودها را از طریق نسیم جنوب به خوانندگان این هفته نامه مخصوصاً همشهریهای خوبم، تقدیم کنم. در سال ۱۳۲۷ در بوشهر متولد شدم تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در بوشهر گذراندم. نیمی از دوران خدمت وظیفه را در تهران و نیم دیگر را در بوشهر پشت سر گذاشتم. از سال ۴۹ بخاطر عزیمت خانواده به خوزستان، راهی خرمشهر شدم و با شروع کار اداری حدود ۴ سال در خرمشهر بودم.

از سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل به تهران آمدم و تا الان که با شما هم صحبتم همچنان در تهران زندگی می‌کنم. کار هنری من در زمینه فعالیتهای تلویزیونی و بازیگری از سال ۶۷ با شبکه دو سیما شروع شد که کاری بود به کارگردانی دوست ارجمندم آقای اسماعیل پوررضا. بعد از آن چند کار تلویزیونی دیگر هم داشتم تا اینکه از سال ۱۳۷۳ رسماً وارد مقوله طنز شدم. کار تلویزیونی نوروز ۷۲ شروع خوبی بود برای همکاری با اساتید ارجمندم آقایان: مهران مدیری، داریوش کاردان، علی عمرانی و دیگر دوستان باذوق و خوش قریحه و در حقیقت آغازی نویدبخش برای شروع طنز با برداشت و شیوه‌ای جدید. کارهای طنز بعدی من شامل: شبکه کابلی به کارگردانی آقا علی عمرانی، پرواز ۵۷، نوروز ۷۷ به کارگردانی آقای مهران مدیری و در حال حاضر هم مشغول بازی در مجموعه طنز ۷۷ هستم که احتمالاً تا آخر سال ۱۳۷۷ ادامه خواهد یافت.

□ پیشینه فعالیتهای هنری و نمایشی‌تان به کی و کجا برمی‌گردد؟

● سؤال خوبی است. سؤالی که آدم را به گذشته‌ها و خاطره‌های تلخ و شیرین دور پیوند می‌دهد.

من در زادگاهم بوشهر با هنر آشنا شدم و با هنر پیوند خوردم. اولین کار صحنه را در سال ۱۳۴۵ در خانه فرهنگ بوشهر اجرا کردیم. کاری بود به کارگردانی آقای سرباز وطن‌دوست خوب شیرازیم و نویسنده نمایش هم آقای عباسی بودند. دوستانی که در این نمایش بنده افتخار همکاری با آنها را داشتم از بچه‌های پیشکسوت تئاتر بوشهر بودند: آقایان علی‌اکبرفرجی، محمد عبادی، رضا پوردرویش، و دیگر سرورانی که نامشان را بخاطر نمی‌آورم امید که پوزش مرا بپذیرند و اگر خواننده این مصاحبه هستند، ترتیبی دهند تا انشاءاله از افتخار آشنائی و هم‌صحبتی مجددشان برخوردار شوم. سال ۴۶ نوشته‌ای بود از استاد ارجمندم منوچهر آتشی بنام طلسم که جهت اجرا در اردوی رامسر حدود یکماه در بوشهر تمرین شد ولی به دلائلی در رامسر موفق به اجرای نوشته خوب آقای آتشی نشدیم، نوشته‌ای که بخاطر زیبائی دیالوگهایش هر وقت دست دهد، در خلوت خود،

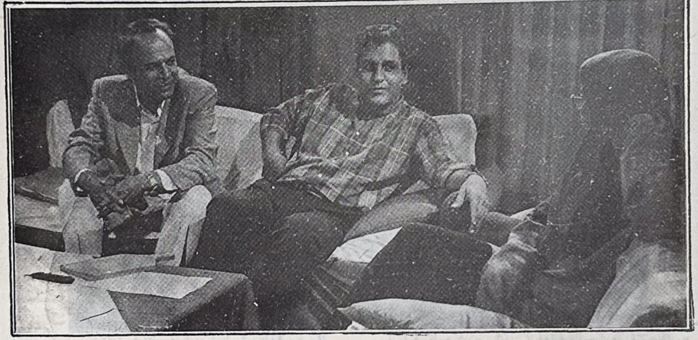
هنوز آنها را زمزمه می‌کنم.

کار بعدی من سال ۴۷ بود. نوشته‌ای از آقای رمضان امیری بکارگردانی جناب آقای سرخوش. فکر می‌کنم در این اجرا با دوستان هنرمندم آقایان، حسین دهقان، آقای عباسی و دکتر مرسای افتخار همکاری داشته‌ام.

جا دارد که در این فرصت مغتنم از اساتید ارجمندم اقایان منوچهر آتشی، شادروان نعمتی‌زاده، دکتر جعفر حمیدی، حسن برازجانی، علی گلی‌زاده و آقای سرخوش که مشوق خوبی برای بچه‌های علاقمند به فعالیتهای هنری بودند تشکر کنم و همچنین از دوست خوبم آقای ایرج صغیری بخاطر زحمات فراوانشان در عرصه تئاتر بخصوص شناساندن تئاتر سنتی بوشهر قدردانی بنمایم.

□ دیدگاه خود را نسبت به شرایط و وضعیت نمایش در استان بوشهر با توجه به اینکه شما شرایط قبلی نمایش را تجربه کرده‌اید بگوئید.

● راستش را بخواهید من بخاطر دوری سالیان دراز از بوشهر، آشنائی دقیقی از تئاتر بوشهر ندارم. فقط بعضی اوقات معضلات تئاتر بوشهر را در قالب دردلهائی از هنرمندان بوشهر در هفته‌نامه نسیم‌جنوب می‌خوانم که آن هم چندان نویدبخش نیست. به نظر می‌رسد در بوشهر امکانات لازم برای فعالیت در زمینه هنر تئاتر از نظر فضا، امکانات آموزشی و اجرائی و از همه مهمتر همدلی



علاقمندان به این هنر وجود نداشته باشد یا اگر هست خیلی کمرنگ به نظر می‌رسد. بنده از این طریق از مسئولین محترم تئاتر بوشهر اعم از مسئولین دولتی و یا احیاناً دست‌اندرکاران غیردولتی استدعا می‌کنم به این مهم توجه بیشتری مبذول بفرمایند. چرا که بوشهریها علیرغم‌همه کاستی‌ها در هر فرصتی که پیش آمده چه در زمینه تئاتر و چه در سایر زمینه‌های هنری، خلاقیت و نبوغ فوق‌العاده‌ای را از خود نشان داده‌اند. نمونه اینگونه استعدادهای سرشار را در کارهائی که هر سال به مناسبت دهه مبارک فجر در تهران به روی صحنه می‌آید می‌توان مشاهده کرد. سرزمین بوشهر از غنای فرهنگی گسترده‌ای برخوردار است و جوانهای بوشهری سرشار از جوانه‌های نبوغ و خلاقیت، می‌ماند بستری که زمینهٔ لازم را رای رشد این جوانه‌ها فراهم سازد.

□ آیا پیشنهاد مشارکت در گروه جدید و یا همین گروه تلویزیونی دارید یا خیر؟

● چند مورد کار پیشنهاد شد. اما راستش بخاطر علاقه‌ای که به بچه‌های ۷۷ دارم و همچنین بخاطر حفظ انسجام و یکپارچگی گروه ترجیح می‌دهم تا زمانی که در خدمت گروه ۷۷ هستم فعلاً کار دیگری انجام ندهم.

□ چه تفاوتهائی بین فعالیتهای نمایشی در تلویزیون و صحنه تئاتر قائل هستید؟

● به نظر من کار در صحنه معمولاً بخاطر ارتباط با مخاطب و اینکه بازیگر وجود بیننده را در کنار خود لمس می‌کند دارای ویژگی و جاذبه خاصی است.

حس بازیگر در کار صحنه حسی است واقعی، مداوم و یکپارچه. بالعکس در کار تلویزیونی یکپارچگی لازم در حس بازیگر کمتر دیده می‌شود دلیل آن هم عمدتاً قطع مکرر قطعات نمایش است به لحاظ اشکالات گوناگون. همچنین درکار تلویزیون بخاطر استفاده از تکنیکهای خاص تأثیرپذیری بیننده را تا حد زیادی میتوان افزایش داد و نهایتاً کار تلویزیونی معمولاً بردی وسیعتر از کار صحنه دارد. با این همه فکر می‌کنم در صحنه صمیمیت بیشتری بین عوامل وجود داشته باشد.

□ از زندگی خصوصیتان نیز بگوئید.

● من همسری دارم که درکارهای هنری همیشه در کنار من است و مشوق من، حضور در کار هنری معمولاً باعث می‌شود که انسان در زندگی خصوصی یعنی ارتباط با همسر و فرزند حضوری کمرنگ داشته باشد خلاء حضور مرا همسرم همیشه به شایستگی در خانه پر نموده و باعث شده در زمانهایی که به بازیگری مشغولم از لحاظ مسائل خانوادگی دغدغه فکری نداشته باشم. جا دارد که از این بابت قدردان ایشان باشم.

ثمرهٔ ازدواج من دختری است ۹ ساله بنام نیلوفر، دختری نیلوفری که انگیزه قدرتمندی است برای من در همه عرصه‌های زندگی.

□ چه پیامی برای هنردوستان و هنرمندان همشهری خود دارید؟

● من دست همه هنرمندان بوشهری را می‌بوسم و بر آستانشان سر تعظیم فرود می‌آورم چراکه علیرغم همه مشکلات در تلاشند و تکاپو تا ناگفته‌ها را بگویند. پیام این است آن هم نه از جانب من که از جانب ایشان به من.

با آرزوی موفقیت برای یکایک همشهریهای خوبم و تشکر از شما که حوصله به خرج دادید.

سینمای مطلوب، سینمای آرمانی

نقد فیلم مرد عوضی

مهدی غضنفری

تحلیل درون متنی اثر: فیلم مرد عوضی پرفروشترین فیلم سینمای ایران درسال گذشته و شاید در تمام سالهای گذشتهٔ سینمای ایران حداقل در بعد از انقلاب باشد. محمدرضا هنرمند کارگردان اثر، در سالهای اخیر تلاش نموده است همه ژانرهای سینمایی را تجربه کند که کم و بیش نیز موفق بوده است. فیلم مرد عوضی فیلمی به تمام معنا حرفه‌ای است و همین عامل نیز باعث موفقیت عظیم اثر شده است. نگاه کنید به فیلنامه اثر که کاری از کارگاه فیلمنامه‌نویس حوزه است که بهترین فیلمنامه‌نویسهای کشور عضو آن هستند، بازیگرهای مطرح کشور ایفاگر نقشها می‌باشند و همچنین تهیه‌کننده پرقدرتی مثل حوزه هنری سازمان تبلیغات پشت فیلم است. کارگردان فیلم می‌داند در چه ژانری فیلم می‌سازد و تماشاگر اثر از ژانر کمدی چه توقعی دارد. شوخیهای فیلم چه کلامی و چه موقعیت کم وبیش درمی‌آیند و هیچگاه متوقف نمی‌شوند، فیلم برای اینکه بتواند تکلیف خود را با تماشاگرش روشن نماید، کیفیتی فانتزی‌گونه دارد تا تماشاگر با خیالی راحت و به دور از حقیقت بیرونی به واقعیت سینمایی دل ببندد و راحت آن را تحمل و حتی بپذیرد. نگاه کنید به (شروع فیلم که پروفسور با آن وضع عجیب مشغول به کار است و یا در سکانس بعدی که صدای بلند زن باعث پرت شدن پروفسور می‌گردد) فیلم گاهی تلاش دارد وارد حیطهٔ طنز شود و نیش کنایه‌ای به وضع موجود بزند(نگاه کنید به استفاده زیاد منشی از لوازم آرایش، دادن رشوه به مسئول ثبت و مونولوگ کلیشه‌ای مرد نظامی به افسر مافوق در رابطه با وضعیت پرویز پرستونی). فیلم مرد عوضی وارد خط قرمز سینمای ایران می‌شود و با سلامتی نسبی از آن می‌گذرد هرچند داستان مردی که دو زن دارد قبلاً در سینمای ما تجربه شده است (نگاه کنید به فیلم هنرپیشه و لیلا) اما شیوهٔ نگاه و لحن سکانسهای فیلم و حتی دیالوگهای به کار رفته بسیار جالب و کمی باعث تعجب است. هرچند کلمهٔ «پروژه» از جانب پرویز پرستونی برای کتمان حقیقتی که تماشاگر از اصل موضوع خبر دارد کمی نامانوس است، اما در منطق درون اثر جا می‌افتد و برای پیشبرد نمایش اثر بکار می‌آید. فیلم مرد عوضی متکی به کمدین نیست، هیچکدام از بازیگران کمدین نیستند بلکه کمدی اثر به واسطه دیالوگها و موقعیتی است که کاراکترهای در آن قرار می‌گیرند و این برای یک اثر کمدی امتیاز قابل توجهی است فیلم وارد حیطهٔ ملودرام نمی‌گردد و اصلاً سعی نمی‌کند همانطور که خنده‌اور است، اشک‌آور هم باشد، چیزی که قبلاً سینمای کمدی، به شدت از آن لطمه دیده است. شوخی‌های دیگر اثر نیز چه کلامی و چه موقعیت نیز جالب می‌نماید. استفاده از مونولوگ مایکل جاکسون آن هم برای فیلمی از حوزه اگر چه کمی عجیب به نظر می‌رسد اما در اثر جا می‌افتد و حضور دو زن در پله‌ها و تلاش برای قرارگرفتن در موقعیتی بالاتر هر چند تداعی‌کننده فیلم دیکتاتور بزرگ چاپلین است اما جالب می‌نماید.



البته فیلم مرد عوضی در چند مورد از شوخی‌های تکراری استفاده کرده است که چیز جدیدی را برای بیننده پی‌گیر دربر ندارد.(نگاه کنید به استفاده از موبایل، و کل صحنه‌های اجرا شده در اطاق عمل چه قبل و چه بعد از تعویض مغز دو بیمار و سکانسی که پرویز پرستوئی و افسانه بایگان در رستوران هستند و در حال ابراز محبتند در حالیکه پشت سر پرویز پرستوئی آتش گرفته است و همچنین سکانسهای بعد از موفقیت پرویز پرستوئی در ارایه پودر جادویی و همچنین در رفتن لیمو پشت میز ناهارخوری) که همه و همه تکرارنید و یادآور سینمای معاصر و «مستربین» و حتی همین برنامهٔ تلویزیونی ساعت خوش است.

در هر حال حضور فیلنامه‌ای پر و پیمان، کارگردانی مورد قبول، بازیگران اثر مخصوصاً بازی پرویز پرستونی که چرخش ناگهان او از نقش حاج کاظم در آژانس شیشه‌ای به داریوش جم باور نکردنی می‌نماید هرچند هر دو عالیند و حضور پرقدرت تهیه‌کننده اثر حوزه هنری و پایان خیره‌کننده فیلم که شوخی کلامی را با موقعیت ترکیب می‌نماید و پایانی الاکلنگی را خلق می‌کند همه و همه باعث موفقیت اثر در سینمای کمدی ایران می‌گردد (نگاه کنید به گفتگوی دو زن در رابطه با تنگی جا و پرت کردن پرویز پرستوئی از ماشین).

تحلیل فرامتنی اثر: سینمای کمدی، سینمای شکلی است. جز چند کشور خاص معمولاً دیگر کشورها نتوانسته‌اند کاری در خور در این ژانر عرضه بدارند. سینمای ما نیز حتی به اندازهٔ انگشتان یکدست نتوانسته‌اند فیلمی قابل توجه در این ژانر عرضه بدارد و هنوز که هنوز است فیلم «اجاره نشینها» که متعلق به چند سال قبل است جزو بهترینها محسوب می‌گردد.

از طرفی به نظر می‌رسد ساخت قومی و نژادی ما با شوخی و خنده میانهٔ خوبی ندارد و با جریانات اخیر که بر این قوم گذشته اگر هم اندکی بوده دیگر مجالی باقی نمانده است. از طرفی تماشاگر ما شوخی را فقط در حد کلام می‌فهمد و چیزی از شوخی تصویری سردرنمی‌آورد و اصلاً او قبل از اینکه انسان دیداری باشد انسانی شنیداری است و این با ماهیت سینما که تصویری است منافات دارد چیزی که همیشه سینمای کمدی ما را رنج داده و می‌دهد.

فیلم کمدی نیاز به عنصری به نام آزادی هم دارد و تا وقتی این عنصر برای هنرمند و مخصوصاً هنرمند کمدی‌ساز تعریف نشود سینمای کمدی جان نمی‌گیرد. چیزی که به شکل نسبی مرد عوضی از آن بهره‌مند بوده است و موفق هم عمل کرده است. مسئولان حوزه هنری می‌داند که تا چند سال دیگر تلویزیون کشور به دلیل پیشرفت تکنولوژیک و حضور بی‌دردسر ماهواره به عنصری کم توجه و بی‌قابلیت تبدیل می‌گردد. تنها چیزی که نظام می‌تواند به آن دل ببندد و کنترلی روی آن داشته باشد سینما است که اتفاقاً مهمتر هم می‌باشد. چون تماشاگر با میل خود به سینما می‌رود و بابت آن پول می‌پردازد طبعاً تأثیر این رسانه چندصد برابر است. از طرفی مدیریت حوزه به این نتیجه رسیده است که جذابیت در سینما عامل مهمی است و اگر قرار است تماشاگری به سینما بیاید بدون جذابیت این مهم قابل حصول نیست کاری که قبلاً در آدم برفی شده بود اکنون در حیطهٔ دیگر انجام می‌شود و اتفاقاً جواب هم می‌دهد.

یکی دیگر از مشکلات مهم سینمای ما که خود ماهیتی تکنیکی دارد آن است که دوستان توقع دارند سینما علاوه بر ضوابط شرعی تن به عرف هم بدهد آن هم در ساحت جدید که مناسبتهای عرفی هر چند به شکل نهان روشانه بعضاً عوض شده است اما از سینما که خود ماهیتی برون روش دارد نمی‌توان توقع زیاد داشت و از او خواست که ریاکارانه به مناسباتی که فقط در ذهنها وجود دارد و در عمل به گونه‌ای دیگر اعمال می‌شود تن دهد که قبلاً نیز تجربه شده که سینمای ریاکار سینمای خنثی و بی‌اثر خواهد بود و جواب نمی‌دهد. مدیریت حوزه که خود نهادی انقلابی و از بطن نظام است تلاش کرده است فقط بر مبانی شرعی توجه نماید و کار زیادی به عرف آن هم از طرف کسانی که در ساحت ذکر متوقف شده و دچار فروبستگی‌اند نداشته باشد که هم فیلم آدم برفی و هم مرد عوضی با استقبال جمهور مسلمانان روبرو شده و ایشان فیلم را پذیرفته‌اند و با فیلم مشکلی ندارد.

صدالبته شکی نیست که فیلم آرمانی ما مرد عوضی نیست اما مرد عوضی فیلم مطلوبی است که راه را برای تجربه کردن بچه‌های انقلاب باز می‌نماید تا بتوانند در مقابل غول عظیم سینمای جهانی و مخصوصاً آمریکا که حتی اروپائیان را کلافه کرده است بایستند.

باید یادمان باشد مهمترین ارزشهای انقلاب و جنگ، استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی بوده است و سینمای آرمانی ما آن است که علاوه بر اینکه استقلال سینمای ما را از سینمای دنیا و به خصوص آمریکا حفظ کند طبق ضوابط اسلامی و شرعی هم باشد و جمهور مسلمان نیز به آن توجهی نشان دهد و این حاصل نمی‌شود مگر اینکه عنصر آزادی در این موضوع دخیل باشد. چیزی که مدیریت حوزه تلاش دارد به آن برسد هر چند برای رسیدن به آن سالهای بیشتری را مجبور به تجربه کردن باشیم.

لایستوی منکم من انفق من قبل الفتح و قاتل اولئک اعظم درجة من الذین انفقوا من بعد و قاتلوا وکلا وعد الله الحسنی والله بما تعملون خبیر(آیه ۱۰ سوره حدید). آن مسلمانانی که پیش از فتح (زمان ضعف اسلام) در راه دین انفاق و جهاد کردند، آنها اجر و مقامشان بسیار عظیم‌تر از کسانی است که بعد از فتح مکه (در دوره اقتدار اسلام) انفاق و جهاد کردند ولی خدا به همه وعده نیکوترین پاداش را داده است و خدا به هر چه کنید آگاه است.»

سی‌ام دی ماه، مصادف با چهارمین سالگرد درگذشت مرد کم‌نظیر عرصه‌های دین، دانش و سیاست، پدر نوگرایان دینی و از پیشتازان جریان روشنفکری دینی ایران، شادروان، مرحوم مهندس مهدی بازرگان است.

نگاهی حتی کلی و اجمالی به فهرستی از مجموعه فعالیتهای فرهنگی (دینی) سیاسی و علمی (علوم تجربی و ریاضی) بازرگان در حداقل ۶۰ سال از زندگی ۸۸ ساله او این نکته را به اثبات می‌رساند که بازرگان در میان کلیه نام‌آوران میادین گوناگون فعالیتهای اجتماعی از موقعیتی تقریباً انحصاری برخوردار است و گرچه در میان طیف وسیع روشنفکران دینی، چهره‌های شاخص دیگری نیز همزمان در قلمروهای پژوهشهای علمی، تحقیقات دینی و مبارزات سیاسی فعال بوده‌اند ولی به نظر می‌رسد کمترکسی کم و کیف برآیند مجاهدتشان به پاس بازرگان نمی‌رسد، زیرا بازرگان به عنوان یک متخصص در علوم جدید (فیزیک) و استاد دانشگاه، سالها در کار تعلیم و تربیت هزاران نفر دانشجوی مهندس و تکنوکرات، نیز تألیف و تصنیف مقالات علمی و تخصصی، راه‌اندازی بسیاری از تأسیسات صنعتی، تولیدی و ساختمانی و حتی چندین اختراع ثبت شده بود و در کسوت یک صاحب‌نظر و محقق در تبیین اثبات و حقایق دینی و عرضه چهره‌ای انسانی، اجتماعی و. مسئولیت‌آفرین از آموزشهای دین، آثاری بسیار ارزشمند از خود بجای گذاشت، علاوه بر اینها بازرگان در طول چهار دهه در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران عمدتاً در قالب یک مخالف و منتقد اصلاحگر، حضوری فعال داشت و در راه تحقق آرمانهای دینی، ملی و مردمی خود، رنج زندان، محرومیت، توهین، افتراء و حتی ضرب و شتم فیزیکی را به جان خرید، ضمن اینکه او در تأسیس و یا همکاری همه جانبه با نهادهای مدنی دینی و اجتماعی مانند تشکیل انجمنهای اسلامی مهندسان، پزشکان معلمان و غیره در صف پیش فراوان بود.

بازرگان، در هنگامه‌ای، آموزشهای اسلام را وارد فضای دانشگاه و محافل علمی و آکادمیکی کرد که محیطهای دانشگاهی، در تیول تفکرات و جهان‌بینی‌های غیرالهی اعم از ماتریالیسم در قالب تشکیلات منسجم و کارآمد حزب توده، بهائیگری و نیز ظهور برخی نظریات غرب ستایانه افراطی بود و به همین دلیل دین و دینداری سخت مورد بی‌مهری قرار گرفته و از مقوله خرافات و کهنه‌گرائی محسوب می‌گردید.

در چنین شرایط سخت و مردافکنی، بازرگان، دکتر یدالله سحابی و مرحوم آیت‌الله طالقانی، مسئولیت آموزش جهان‌بینی و تبیین ایدئولوژی اسلامی را در دانشگاه و در بین دانشجویان به عهده گرفتند و به عنوان اولین واردکنندگان دین در دانشگاه و در بین طبقات تحصیل‌کرده جامعه که در محاصره تفکرات غیراسلامی و دینی قرار گرفته بودند، مصداق این شعر فارسی شدند که:

بودم آن روز من از طایفه دردکشان
که نه از تاک، نشان بود نه از تاکنشان

و این حقیقت مورد تأیید مرحوم استاد مطهری نیز بود. محمد بسته‌نگار (داماد آیت‌الله طالقانی و از فعالان ساسی، مذهبی چند دهه اخیر) در این مورد می‌گوید: «در سال ۱۳۵۴ در محفلی که مرحوم شهید مطهری و مرحوم شهید شریعتی حضور داشتند، گروهی می‌گفتند کسی که نسل جوان را با دین آشنا کرد معرف اسلام واقعی شد شریعتی است، گروه دیگری می‌گفتند که خیر بلکه آقای مطهری است، در این میان، مرحوم مطهری، صریحاً می‌گوید: پایه‌گذار طالقانی و بازرگان هستند که این راه را باز کردند ما بعد به دنبال آنها حرکت کردیم راقم این سطور (بسته نگار) این سخن را شخصاً از مرحوم مطهری پرسید و ایشان تأیید کردند که چنین بیانی را در آن مجلس ایراد کرده‌اند.» (روزنامه اطلاعات ۷۶/۶/۱۹) البته جریان روشنفکری مذهبی، در حرکت رو به رشد خود، افکار و آموزه‌های اولین پیشگامان خود را تکامل بخشیده و در یک روند پویا و دینامیک و باظهور خورشید شریعتی در آسمان پرستاره‌اش وارد مرحله‌ای نوین از حیات سراسر آگاهی عدالتخواهانه خود گردید و شریعتی توانست با دم مسیحایی خود، چنان روحی تازه در کالبد کم جان دانشگاهیان و خصوصاً دانشجویان تشنه آزادی عدالت، استقلال و معارف زلال و رهایی‌بخش اسلام بدمد که در برپایی انقلاب در افکار و اندیشه‌های بخش قابل ملاحظه‌ای از جوانان و حتی غیرجوانان کشور، بر اسلاف و اساتید خود نیز پیشی گیرد.

حال با توجه به اینکه، بیان تاریخچه و سیر تحولات و بیان دیدگاهها و عملکرد همه روشنفکران دینی و غیردینی خارج از اغراض این مقاله است، تنها به ذکر فهرستی بسیار اجمالی از فعالیتهای حداقل ۶۰ ساله بازرگان در ابعاد گوناگون پرداخته، و فعلاً به علت محدودیت صفحات فقط مجموعه عملکرد بازرگان را در دو بعد علمی فنی، و فرهنگی و فکری (دینی)گزارش می‌کنیم با ذکر این نکته که حداقل در برخی موارد بین مسائل مذکور حد و مرز صددرصد دقیقی ممکن است وجود نداشته باشد: الف ـ بازرگان در عرصه علم و دانش.

بازرگان در سال ۱۲۸۶ شمسی در تهران متولد شد، تحصیلات دوره ابتدائی خود را در مدرسه «ثروت» و سپس مدرسه «سلطانی» گذراند و پس از اتمام دوره اول متوسطه در همان مدرسه «سلطانی» روانه دبیرستان «دارلمعلمین مرکزی» گردید پس از پایان تحصیلات دوره متوسطه، در سال ۱۳۰۷ به همراه اولین گروه دانشجویان ایرانی به فرانسه رفت، او در امتحان اعزام به خارج که یکی توسط وزارت عامه برای راه‌آهن و ذوب اهن و دیگری وزارت معارف برای رشته‌های دیگر برگزار گردید رتبه پنجم را کسب کرد و از میان رشته‌های مختلف، رشته مهندسی برق را انتخاب کرد.

در فرانسه، بازرگان، ابتدا یک دوره دو ساله آمادگی را در مدرسه «لیسه کلمانو» در شهر نانت طی نمود، سپس در اولین کنکور ورودی مدرسه سانترال (مدرسه مرکزی هنر و صنایع پاریس) به عنوان اولین مهندس ایرانی قبول گردید و از میان ۱۰۰۰ نفر شرکت‌کننده رتبه ۲۴۷ را کسب کرد و سه سال از دوران تحصیل خود را در آن مدرسه گذراند، یک سال در کارخانجات فرانسه کارآموزی نموده و سال آخر را نیز در مدرسه نساجی گذراند و به گفته فرزندش، مهندس عبدالعلی بازرگان: «او در آخرین سال تحصیلی خود در میان فرانسویان و دانشجویان سایر ملیتها، رتبه اول را کسب کرد ولی به خاطر تعصب نژادی و ملی او را که بیگانه بود دوم اعلام کردند.»

بازرگان، زمانی که در فرانسه بود، دو مقاله علمی، یکی در روزنامه اطلاعات تحت عنوان «فکر مهندس» و دیگری تحت عنوان «وصف صنعت» در مجله شفق سرخ در دی ماه سال ۱۳۱۱ به چاپ رساند.

بازرگان بعد از هفت سال تحصیل در فرانسه، در سال ۱۳۱۳، با اخذ مدرک دکتری در ماشینهای حرارتی، ترمودینامیک و نساجی، به همراه دکتر یدالله سحابی (کسی که تا آخر عمر همفکر و هم رأی و همکار او بود) به کشور بازگشت.

ورود به دانشگاه و سایر مراکز آموزش عالی

بازرگان بعد از یکسال خدمت داوطلبانه سربازی، به دعوت علی‌اصغر حکمت (وزیر فرهنگ وقت) کار تدریس، ماشینهای حرارتی و ترمودینامیک را بصورت حق‌التدریس در دانشکده فنی دانشگاه تهران آغاز کرد، و همزمان در یک شرکت ساختمانی که توسط وزیر دارایی وقت، تأسیس گردیده بود استخدام شد، علاوه بر این، به اتفاق شش نفر (اتحاد مهندسین ایران) تأسیس کرد که احتمالاً اولین شرکت مهندسی مشاور در ایران بود. از هم دوره‌هایش، به قول خودش یک شرکت ساختمانی «همه فن حریف» به نام اختصاری «اما» هر دو شرکت مذکور گرچه در عمر خود، خدمات فنی، تأسیساتی و ساختمانی قابل ملاحظه‌ای انجام دادند ولی به علت توسعه فعالیتهای فرهنگی و مسئولیتها در دانشکده فنی، پس از

مهندس مهدی بازرگان، فعالِ عرصه دانش، دین و سیاست

● خلیل موحد



شهریور ۲۰ تعطیل شدند، البته شرکت «اما» نسبت به شرکت ساختمانی دولتی فعالیت بیشتری داشت. در سال ۱۳۱۵، هنگام بازدید محمدرضا پهلوی (ولیعهد وقت) از کلاس درس بازرگان در دانشکده فنی کرج، او نظریه علمی خود را در مورد باصرفه‌تر بودن تهیه برق از طریق استفاده از رودخانه و سد و توربین آبی در مقایسه با استفاده از سوخت و نفت با گازوئیل و ذغال‌سنگ، برای ولیعهد وقت تشریح کرد، ولی او نظر به بازرگان را به این دلیل که کشور ما کشور زراعتی و کم آب است رد کرد، در حالیکه در زمان پادشاهی‌اش به ساختن سدهای بزرگ افتخار می‌کرد.

در سال ۱۳۱۹، برای کار در امور ساختمانی بانک ملی ایران دعوت شد و به عنوان متصدی دایره تأسیسات بانک، خدمات فنی مهمی (بقول خودش باقیات الصالحات) انجام داد، در همین سال، معلم کلاس کمک مهندسی وزارت کشور بود و کتابچه‌ای به نام «چند یادداشت در ترمودینامیک» منتشر کرد و یک سخنرانی نیز در کانون پرورش افکار درباره نساجی ایراد نمود، همچنین از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰ در مدرسه قررخانه» که مدرسه‌ای فنی برای تربیت افسران فنی اداره مستلحیات ارتش بود، تدریس کرد. بازرگان در طول ۲۵ سال خدمت و تدریس در دانشکده فنی، دوبار پیاپی از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۹، از طرف اساتید دانشکده به عنوان رئیس دانشکده فنی برگزیده شد و توانست آن دانشکده را از جنبه‌های مختلف در خاورمیانه ممتاز و حتی از برخی جهات به حد مدارس مهندسی اروپا و آمریکا برساند. بازرگان در طول دهه بیست در «هنرسرای عالی» در تهران و نیز در مدرسه عالی فلاحت کرج (دانشکده کشاورزی) تدریس می‌کرد.

مأموریت خلع ید

در سال ۱۳۳۰، در گرماگرم جنبش ملی شدن صنعت نفت، یکی از مهمترین مأموریتهای فنی و اداری بازرگان به وقوع پیوست و آن انتخاب او از طرف دکتر مصدق به عنوان رئیس هیئت مدیره شرکت نفت بود، بازرگان در طول نه ماه مأموریت خود به همراه سایر اعضاء هیئت کار خلع ید از شرکت انگلیسی را با موفقیت به پایان رساند و به کمک متخصصین ایرانی، پالایشگاه آبادان مجدداً شروع به کار نمود. گفتنی است بازرگان، قبل از پذیرفتن مسئولیت خلع ید، (مدت کوتاهی گویا در حدود سه هفته) معاون مرحوم دکتر کریم سنجابی در وزارت فرهنگ بود.

مدیریت لوله‌کشی آب تهران

بازرگان علیرغم اصرار مصدق به ادامه کار در هیئت مدیره شرکت نفت، از مأموریت خود استعفا داده به دانشگاه تهران بازگشت، قبل از بازگشت به تهران و زمانی که تصمیم قطعی برای استعفاء از شرکت نفت گرفته بود، مصدق از وی خواست که برای تصدی پست وزارت کشاورزی خود را معرفی نماید ولی بازرگان تدریس در دانشگاه را بر وزارت کشاورزی و یا پست و تلگراف ترجیح داد، زیرا فکر می‌کند در این مورد فاقد تخصص کافی است.

ولی مرحله جدید تدریس در دانشگاه دیری نپائید و بازرگان برای راه‌اندازی شبکه لوله‌کشی آب تهران که سالها علیرغم هزینه زیاد، راه‌اندازی نشده و سروصدای مردم را بلند کرده بود، با تحقق برخی پیش شرطهایش مسئولیت آب تهران را پذیرفت و توانست بعد از چند ماه، آب را بین مردم توزیع کرده و کار انشعاب آب، بدون احتیاج به مهندسین مشاور خارجی و بدون اخذ وام از بانک را آغاز نماید.

بازرگان پس از اجبار به استعفا از مدیریت لوله‌کشی آب تهران در بهمن سال ۳۲، بار دیگر به دانشگاه تهران بازگشت، و جالب اینکه، آرم فعلی سازمان آب که هنوز آیه قرآن من الماء لکلّ شیء حیّ، بر آن است» یادگار اوست. از دیگر فعالیتهای علمی بازرگان، اداره مجله صنعت، ارگان کانون مهندسین ایران بود که در کلیه شماره‌های یک مقاله فنی ابتکاری، تحقیقاتی داشت و علیرغم اینکه در سال ۴۳ (دوره زندان) او مسئولیتی در مجله نداشت، دوستانش، نام او را به عنوان مؤسس بر پشت مجله ثبت می‌کردند و همین باعث تعطیلی آن مجله از طرف دولت گردید.

بازرگان در سال ۳۳ و به اتفاق ده نفر دیگر از اساتید اخراجی دانشگاه شرکت «یاد» (اختصاری یازده استاد دانشگاه) را تأسیس نمود ولی بعد از شش، هفت ماه انتظار خدمت، دولت به ناچار آنها را به دانشگاه بازگرداند.

اختراعات بازرگان

بازرگان، پس از آزادی از مرحله دیگر از دوره‌های زندان خود در آبان ۴۶، شرکت صنعتی جدیدی به نام «سافیاد» که سازنده لوازم انتقال حرارت و تهویه مطبوع بود با مدیریت مهندس سحابی و همکاری مهندس ستوده تأسیس و راه‌اندازی کرد.

به گفته مهندس سحابی «... بازرگان یک طرح جدید ابتکاری داشت به نام «زِنت» (زمستانی، نیمه تابستانی) و آن را به ثبت رساند (...) این طرح، ترکیبی است از کولر آبی، با وسایل گرم‌کننده، که در زمستان هوای گرم و مرطوب و در تابستان هوای خنک خارج می‌کند، دستگاه (...) ارزان با مصرف خیلی کم.

عبدالعلی بازرگان نیز می‌گوید: «که پدرش در سالهای اخیر چندین اختراع ثبت شده داشته است.» علاوه بر این، بازرگان در سالهای قبل از درگذشتش، یک اختراع دیگر کرده بود که به گفته سحابی اگر تکمیل شود، در جهان صدا می‌کند، یک کولر آبی بسیار جالب، که مصرف برق آن خیلی کم و مقرون به صرفه است و همه چیز آن را هم در ایران، می‌توان ساخت.»

بازرگان، با وجود کبرسن، در سالهای پایانی عمر خود نیز شخصاً در شرکت «سافیاد» کار می‌کرد.

ب ـ بازرگان در عرصه دین و تأسیس نهادهای مدنی و اجتماعی و دینی

همانطور که قبلاً اشاره گردید بازرگان در حدود ۶۰ سال در عرصه فعالیتهای دینی و اجتماعی فعال بوده است در نتیجه حتی ارائه گزارشی اجمالی از عملکرد او در چهارچوب یک مقاله بسیار دشوار است، در عین حال می‌کوشیم به عمده‌ترین تلاشهای فکری، فرهنگی او اشاره کنیم، این فعالیتها عبارتند از:

۱ـ شرکت در کنفرانسهای فارغ‌التحصیلان کانون مهندسین فرانسه و شرکت در جلسات سخنرانی مختلف از جمله حضور در جلسات سخنرانی پرفسور لوئی ماسینوین، شرق‌شناسی شهر فرانسوی (۱۸۸۳ ـ ۱۹۶۲م) و همکاری با انجمن کاتولیک فرانسه.

۲ـ سخنرانی در سفارت ایران در پاریس تحت عنوان «ارمغان فرهنگ» و یا احتمالاً مقلد نباشیم» در سال ۱۳۱۲ در جمع فارغ‌التحصیلان ایرانی دانشگاههای فرانسه، بازرگان در آن سخنرانی ضمن نفی تقلید از فرنگ، گفت که نمی‌توانیم از تجارب دیگران (غربیها) استفاده نکنیم.

۳ـ نوشتن مقاله در دفاع از اسلام در پاسخ به مقاله‌ای در انتقاد از اسلام، چاپ شده در مجله «مستعمراتی افریقای سیاه» بازرگان تقریباً ۷۰ سال پیش در غرب (فرانسه) در دفاع از اسلام مطلب نوشت.

۴ ـ مطالعه و تلخیص کتاب «زندگانی محمد(ص) نوشته «امیل در منگهام» و ارائه آن بصورت یک سخنرانی در کانون اسلام که موجب شگفتی طالقانی شد.

۵ـ ایراد ده‌ها سخنرانی درباره آموزشهای دینی و مسائل اجتماعی در مراکز مختلف علمی و فرهنگی و حزبی مانند: «کانون اسلام»، «مسجد هدایت»، جلسات «انجمن‌های اسلامی» و «حزب ایران» او در سال ۱۳۱۹ با «کانون اسلام» و طالقانی آشنا شد و فعالیتهای عمده فرهنگی و دینی خود را از آنجا آغاز کرد و با طالقانی تا آخر عمر همرزم و همراه بود.

۶ـ نوشتن ده‌ها مقاله و کتاب در مورد معارف دینی و به زبان روز، برخی از این مقالات در مجله «دانش‌آموز» ارگان کانون اسلام، و مجله مکتب تشیع (منتشره در قم)، تألیف و تصنیف کتاب توسط بازرگان تا آخر او ادامه یافت. برخی از این کتابها در زندان تألیف گردید، گرچه ارائه فهرستی از این کتب و اظهار نظر درباره همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد ولی ذکر چند اظهارنظر در مورد برخی کتب بازرگان احتمالاً شنیدنی است.

با وجود اینکه مطهری به روش‌شناسی بازرگان انتقاد داشت و در مقدمه کتاب اصول فلسفه (جلد ۵) نقدی بر کتاب «راه طی شده» بازرگان نوشت ولی به گفته مهندس لطف‌الله میثمی (از روشنفکرا[ن] دینی مبارز) «مرحوم دکتر بهشتی معتقد بود که بازرگان، بهترین کتا[ب] اصول اعتقادی به زبان فارسی را نوشته و یک تنه کار یک دایرة‌المعارف را انجام داده است.»

در مورد کتاب «ذره بی‌انتها»، به گفته عزت‌الله سحابی، «مطهری آن را شاهکار مهندس می‌نامید و از آن بار لذت می‌برد» مطهری همچنین از کتاب «سیر تحول قرآن» بازرگان، به عنوان یک کتاب بسیار ارزنده یاد کرده و آن را کشف باارزش مؤلف دانشمند آن می‌نامد. (کتاب وحی و نبوت صفحه ۵۶)

دکتر شریعتی نیز کتاب «سیر تحول قرآن» را شاهکار معجزه‌نما[ی] کار درباره قرآن می‌دانست و اینکه این کشف شبیه کار گالیله درباره منظومه شمسی و نیوتن درباره جاذبه و پاستور درباره بیماری است (مجموعه آثار ۳۳، نامه‌ها، صفحه ۴۵ و ۴۶)

مرحوم استاد محمدتقی شریعتی (پدر دکتر شریعتی) نیز درمورد کتاب «مطهرات در اسلام» بازرگان با استفاده از قول مرحوم اقبال لاهوری می‌گوید: «حقاً، این کتابی نیست، چیزی دیگر است. (وحی و نبوت، استاد شریعتی، صفحه ۴۳۵)

۷ـ عضویت در هیئت مدیره «دانشسرای مقدماتی تعلیمات دینی» [...] تدریس درسی دینداری در آن مؤسسه، مؤسسه مذکور که در سال ۲۹ با همت دکتر سحابی و عده‌ای دیگر تأسیس شد و کارش تربیت معلم دینی بود در اواسط دهه چهل بوسیله دولت تعطیل گردید.

۸ـ تلاش برای تشکیل همایشی با حضور چند نفر از متفکران اسلامی برای بحث درباره وضعیت مرجعیت بعد از درگذشت مرحوم آیت‌الله بروجردی، نتیجه این سمینار و تبادل‌نظرها، نوشتن کتابی به نام «بحثی درباره مرجعیت و روحانیت در سال ۴۱ بود که [...] نویسندگان مقالات آن، غیر از بازرگان همگی علمای حوزه بودند، این خود بیانگر جایگاه مهم بازرگان در میان روشنفکران دینی بود.

۹ـ مشارکت فعال در جلسات تحقیقی درباره مسائل فقهی زنده [...] مورد احتیاج روز با حضور کسانی مانند مطهری و مرحوم استاد محمدتقی جعفری ونیز مشارکت فعال در کار تدوین و تنظیم جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی در سال ۴۹ با حضور برخی صاحب‌نظران، بازرگان درباره ترکیب این گروه می‌گوید: «در اوایل سال ۴۹ بنا به پیشنهاد آقایان طاهر احمدزاده و (مرحوم) احمد [...] بابایی، گروهی را از خود آن بزرگوار و آقایان طالقانی، دکتر سحابی، مطهری، دکتر شیبانی، خامنه‌ای (رهبر کشور) و حجتی (ظاهراً در [...] گروه عضویت نداشته است) تشکیل دادیم تا به تدوین [...] جهان‌بینی اسلامی بپردازیم...» البته در گروه تدوین جهان‌بینی اسلامی، افرادی دیگری مانند مرحوم حاج سیدابوالفضل زنجانی، مرحوم دکتر کاظم سامی، مرحوم دکتر باهنر، آقای هاشمی رفسنجانی، دکتر پیمان و آقای امیرحسین فولادی نیز شرکت داشتند.

نقش بازرگان در تأسیس نهادها مدنی اجتماعی و مدنی مستقل

۱ـ شرکت در تأسیس کانون مهندسین ایران در اوایل دهه بیست [...] این کانون، اعتصاب موفقیت‌آمیزی را تحت عنوان «سپردن کار به کاردان» انجام داد و مبدأ یک حرکت اداری، صنفی و اجتماعی [...] سیاسی نسل تحصیل‌کرده گردید.

۲ـ همکار و پشتیبانی فکری و فرهنگی و اداری از انجمن اسلامی دانشجویان که در سال ۲۱ در دانشگاه تأسیس گردید بازرگان، طالقانی و سحابی، گرچه در اصل تشکیل انجمن نقشی نداشتند [...] بلافاصله بصورت پشتیبان و مشوق اصلی دانشجویان درآمدند [...] بازرگان برای اولین بار در تاریخ دانشگاه در ایران، اتاقی جهت [...] و سالنی برای سخنرانی، در دانشکده فنی در اختیار دانشجویان [...] داد و درحقیقت نماز خواندن در دانشگاه را علنی کرد.

۳ـ تأسیس انجمن فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی به عنوان اولین انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه در ایران.

۴ـ تأسیس مکتب تربیتی، اجتماعی عملی (متاع) برای تمرین دمکراسی و انجام کار جمعی در قلمروهای مختلف اجتماعی [...] جمعیت که در سال ۳۴ تأسیس گردید دارای یک اصول [...] اساسنامه‌ای در ۲۵ ماده بود. افرادی مانند بازرگان، یدالله و عزت‌الله سحابی، دکتر کاظم یزدی، دکتر ابراهیم یزدی، استاد مطهری، مرحوم سیدغلامرضا سعیدی، مرحوم احمد آرام، دکتر مهدی یزدی، کاظم حاج‌طرفانی، مهندس مصطفی کتیرایی و کاظم [...] از بانیان آن بودند. متاع به عنوان یک نهاد اجتماعی [...] دستاوردهای فراوانی در قلمرو علم و اجتماع و فرهنگ و فعالیتهای تولیدی و اقتصادی داشت که در همه موارد آن بازرگان نقش [...] داشت. تأسیس شرکت و کارخانه صنعتی «ایرفو» تشکیل [...] فرهنگی «اخلاقی» تأسیس دبیرستان «کمال» تأسیس انجمن اسلامی مهندسین در سال ۳۶ (از جمله کارهای این انجمن تأسیس هنرستان کارآموز در سال ۴۱ بود)، تأسیس انجمن اسلامی پزشکان در سال ۳۷، تأسیس شرکت سهامی انتشار برای چاپ و ترویج کتابهای دینی و علمی مورد نیاز نسل جوان، شرکت مذکور در [سال] ۵۳ به دستور ساواک تعطیل شد و بعد از پیروزی انقلاب کار خود را [در] بازارچه کتاب تهران از سرگرفت، تأسیس انجمن اسلامی بانوان [در] سال ۳۸، اولین جلسه این انجمن، به همت خانم پوران بنی‌هاشمی همسر کاظم یزدی، در زادروز تولد فاطمه(س) در منزل ایشان تشکیل و طالقانی در آن سخنرانی کرد. تأسیس «انجمن اسلامی معلمان» در سال ۳۸، مؤسسین آن از جمله عبارت بودند از: بازرگان، مطهری، طالقانی، یدالله سحابی و دکتر غلام‌عباس توسلی (استاد دانشگاه و رئیس فعلی انجمن جامعه‌شناسان ایران)، تشکیل مؤسسه اسلامی نارمک و ساختن مسجد نارمک، که تا دوران انقلاب یکی از مراکز مهم انتشار تفکرات نوین مذهبی بود.

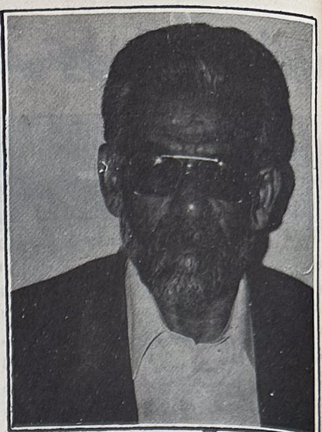
از دیگر اقدامات دینی، اجتماعی بازرگان، تشکیل کنگره انجمنهای اسلامی سراسر کشور در سالهای ۴۰ و ۴۱ در تهران بود که طالقانی و مرحوم طباطبائی نیز در آن شرکت داشتند.

در سال ۴۱ و به دنبال زلزله شدید «بوئین‌زهراء»، با همکاری مشترک انجمنهای اسلامی و نهضت آزادی، ۱۸ باب ساختمان در قریهٔ «حسن‌آباد»، مجاور «بوئین‌زهراء»، احداث گردید، در قریه «باریک» نیز یک حمام و ده باب خانه ساخته شد.

منابع : ۱ـ برزین، سعید: زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، نشر مرکز، تهران، چاپ اول ، ۱۳۷۴.// ۲ـ دکتر ترکمان، محمد: نامه‌های مصدق ج ۲، نشر هزاران، تهران، چاپ اول ۱۳۷۷.// ۳ـ مجله ایران فردا، ضمیمه شماره ۱۶، اسفند ۷۳ و شماره ۲۳، دی ۷۴.// ۴ـ نجاتی، غلامرضا: شصت سال خدمت و مقاومت، خاطرات مهندس مهدی بازرگان، ج ۱ و ۲، انتشارات رسا، چاپ اول ۱۳۷۵ و ۱۳۷۷.// ۵ـ یوسفی اشکوری، حسن: در تکاپوی آزادی، سیری در زندگی، آثار و اندیشه مهندس مهدی بازرگان، جلد اول قسمت نخست، انتشارات قلم، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.
و چند منبع و مأخذ دیگر که در خود مقاله، نام آنها ذکر گردیده است.

گفتگو با دکتر محمد مهدی جعفری یار دیرین مهندس بازرگان

بازرگان یکی از پیشکسوتان نواندیشی دینی در شصت سال اخیر بوده است



□ به نظر می‌رسد اکثریت روشنفکران، صاحبنظران و کسانی که تحولات سیاسی، فرهنگی کشور را در دوران معاصر با نگاهی منصفانه تعقیب کرده‌اند، مرحوم مهندس را به عنوان پدر جریان روشنفکری دینی و پیشتاز نوگرائی دینی معرفی می‌کنند و حتماً جنابعالی نیز به همین باور هستید، اگر اینطور هست، برای اثبات ادعای پیشتازی مهندس، چه دلایلی می‌توان ارائه داد؟

● شادروان مهندس بازرگان با توشه گرفتن از محیط اسلامی ایران و خانواده‌ای اهل فکر و دیانت سنتی اسلامی در سال ۱۳۰۷ همراه با نخستین گروه دانشجویان اعزامی به خارج از کشور به فرانسه رفت و در آنجا نه تنها در «اکول سانترال پاریس» در رشته ترمودینامیک صنعتی تحصیل کرد بلکه به مطالعات دینی در جامعه اروپائی و به بررسیهای عمیق در زمینه مطالعات اسلامی پرداخت و به شکل مقایسه و تطبیق به نتایج تازه‌ای دست یافت و با کوله‌باری از دانش تجربی و تجربیات دینی و تحقیقات اجتماعی به ایران بازگشت. از آغاز تدریس در دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران از سال ۱۳۱۴ به شیوهٔ علوم ریاضی و تجربی و تا اندازه‌ای علوم اجتماعی به تحقیق در مسائل مذهبی پرداخت و یافته‌های خود را در کلاس درس و در اجتماع در اختیار دانشجویان و دیگران گذاشت. حاصل آن نوآوریها و نواندیشیهائی است که به گواهی آثار مکتوب آن شادروان از سال ۱۳۲۰ به بعد در اختیار جامعه مسلمان ایران گذاشت و لذا بدون شک ایشان یکی از پیشکسوتان نواندیش دینی در شصت سال اخیر بوده است. آیت‌الله طالقانی و شهید مطهری و شهید دکتر شریعتی در سخنان و نوشته‌های خود بارها به پیشگامی وی گواهی داده‌اند.

□ شاید بتوان کمتر کسی را یافت که همزمان در سه صحنه علم به مفهوم اخص آن (علوم پایه) و تحقیقات و پژوهشهای دینی در حد یک صاحبنظر و نیز در صحنه پرمخاطره اجتماع و سیاست و مبارزه در طول زندگی‌اش درگیر باشد و این کارها محتاج به اراده و عزمی قوی است، سؤال این است انگیزه و محرک این همه تلاش و سخت‌کوشی و خطرپذیری در نزد مهندس بازرگان چه بوده است؟

● مهندس بازرگان در نوجوانی و جوانی به اندازهٔ کافی از تربیت دینی پویائی برخوردار شده و پس از اینکه برای تحصیل در رشته فنی - مهندسی به فرانسه رفت و با عشق و علاقه برای خدمت به میهن، به فراگرفتن دانش نوین و تکنولوژی پرداخت.

ایشان به شهادت شاگردانش در دانشکده فنی از همان آغاز تدریس تا پایان دارای ابتکار عمل و بسیار شگفت‌انگیزی جهت انتقال دانش به دانشجویان بود و تا سال ۱۳۳۲ همهٔ فعالیتهای علمی و دینی وی دارای انگیزهٔ نیرومند عشق به خدا، خدمت به مردم و اصلاح نابسامانیهای اجتماعی از راه دین و دانش بود. سال ۱۳۳۲ که کودتای نامردمی انگلیس، امریکا دربار و نوکران اجانب را می‌بیند، از روی اضطرار و بعنوان یک وظیفه انسانی، میهنی، مذهبی به سیاست و کار سیاسی کشیده می‌شود و چون خود معترف بود در این زمینه تخصصی ندارد باصداقت و اخلاص و از روی تقوی و درستکاری هر جا وظیفه‌ای احساس می‌کرد به آن دست می‌یازید و در برابر خطرها از هیچ چیز نمی‌هراسید و تنها خدا را در نظر داشت و سراسر عمر ثابت کرد هیچگاه حقیقت را فدای مصلحت نمی‌کند و به همین علل و انگیزه‌ها بود که کارنامهٔ درخشان «شصت سال خدمت و مقاومت» را به ملت ایران و جهان ارائه داد.

□ در قلمرو علوم انسانی و در عالم اسلامی، علوم زیادی مانند فلسفه، عرفان، فقه، اصول و غیره وجود داشته، چه علومی که ریشه در خارج داشتند مانند فلسفه و چه علومی که بیشتر در جهان اسلام متولد شده‌اند مانند علم اصول و علوم قرآنی، عمدتاً در این علوم، به نظر می‌رسد مرحوم بازرگان عنایت خاصی به پژوهشهای قرآنی داشته‌اند، دلیل این عنایت ویژه چیست و در این مورد چه دستاوردهایی داشته است؟

● مهندس بازرگان از فلسفه گریزان بود و آن را در جهت هدف خود - که آگاه سازی و بیدار کردن اجتماع و به حرکت درآوردن مردم در جهت علم و تکنولوژی بر پایه اخلاق و دینداری بود - مفید نمی‌دانست. اگر چه علوم ریاضی به تعریف کلاسیک از فرزندان فلسفه است و اگر چه به گفته دکتر سروش مخالفت با فلسفه خود نوعی تفلسف است لیکن شیوهٔ پژوهش و آموزش او بر پایهٔ علوم ریاضی و تجربی بود و از علوم اسلامی فقه را علمی متورّم می‌دانست و با اینکه در کتاب «مطهرات در اسلام» به فلسفهٔ علمی فقه می‌پردازد لیکن آن را یک دانش فرعی مخصوص به متخصصان می‌دانست که در حد معتدلی هماهنگ با سایر علوم اسلامی مفید و لازم می‌باشد و در حد کنونی غیرلازم. از اینروی برای رسیدن به حقایق دین اسلام و به منظور نشان دادن بی‌پیرایه و شفاف این حقایق به منبع اصلی آن قرآن مراجعه می‌کرد و از این راه دستاوردهای باارزشی چون «باد و باران در قرآن» و «سیر تحول قرآن» را به جوامع اسلامی و مسلمانان نواندیش تقدیم کرد.

□ اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین اندیشه‌ها، روشها و عملکردهای اجتماعی و سیاسی سیدجمال، اقبال و بازرگان به عمل آوریم، مشترکات آنها چیست؟ و تفاوتها در کجاست؟

● مشترکات اندیشه‌های سیدجمال و اقبال و بازرگان در

> **مهندس بازرگان از آغاز روند اصلاحگری خود به مبارزه با استبداد و سپس با استعمار برخاست، لیکن همیشه استبداد را دارای اولویت و اهمیت دانسته و با آن مبارزه کرد.**

رویکرد قرآنی هر سه نفر است. هر سه بزرگوار که در مسیر اصلاح حرکت می‌کردند. (نگاه کنید به مقاله اصلاح و اصلاحگران نوشتهٔ نگارنده در جلد دوم دائرةالمعارف تشیع) بازگشت به قرآن، بیداری مسلمانان، استفاده گزینشی از علوم و تکنولوژی غرب را چارهٔ اصلاح اوضاع نابسامان مسلمانان می‌دانستند. اما متأسفانه: ۱- روش سیدجمال فلسفی و سیاسی، روش اقبال فلسفی و ادبی و تا اندازه‌ای اجتماعی بود و روش بازرگان علمی. ۲- روش سیدجمال واقبال جهانی و بین‌المللی اسلامی بود و روش بازرگان نخست ملی (ملت ایران) و در مرحلهٔ بعد بین‌المللی اسلامی بود. ۳- سیدجمال و اقبال رنگ و تعلق به مذهب و ملیت نداشته و مهندس بازرگان به تشیع و ایران تعلّق بسیار داشت اگر چه از وحدت و حرکت مذاهب اسلامی و حتی وحدت ادیان الهی و حکومت جهانی واحد نیز غفلت نداشت.

□ یکی از چالشهایی که از دوران مشروطیت تاکنون، در جامعه ما وجود داشته، چالش بین سنت‌گرایی و تجددگرایی و یا همان چالش بین سنت و مدرنیته است.

سؤال این است که جایگاه مهندس بازرگان در این کشمکش، کجاست و آیا اندیشه‌های او در این زمینه برای جامعه ما و خصوصاً تحصیل‌کرده‌ها می‌تواند راهنمای عمل باشد؟

● مهندس بازرگان در دوران خودش (۱۳۴۲-۱۳۲۰) نمایندهٔ برجسته روشنفکری دینی و مدرنیته بود و در مقابل سنت قرار داشت لیکن از سال ۱۳۴۲ (ورود به آخرین زندان) به بعد نمی‌توان گفت که سنتگرا شد یا دست از مدرنیته برداشت بلکه به تعریف دقیقتر - از دیدگاه شخصی من - مدرنیسم چنان سرعت و شتابی گرفت که مهندس بازرگان و نسل او از همگامی با مدرنیته به معنای دقیق آن عقب ماند. از سال ۱۳۴۵ به بعد دکتر شریعتی پیشگام و پرچمدار روشنفکری و نواندیشی دینی و کوشا برای آشنا کردن عمیق و صحیح جوانان با مدرنیسم است. مهندس بازرگان از یکسو با سنت مخالفت می‌کند و از سوی دیگر به آن روی خوش نشان می‌دهد. می‌خواهد سنت را از آلودگیها و عناصر بازدارنده شرکت و آگاهی و عقب‌ماندگی از زمان تصفیه کند و شیوه‌ای زدایشی دارد و از سوی دیگر نمی‌تواند از عناصر مثبت و اصیل سنت ببرد. از جهتی سخت دغدغه دارد که مبادا عناصر منفی و آلودهٔ مدرنیسم جوانان را به کلی از دین و ارزشهای اخلاقی ببرد و از اینروی کتاب «علمی بودن مارکسیسم» و «بررسی نظریهٔ اریک فروم» را می‌نویسد. در نزاع میان دکتر شریعتی با روحانیت سنتی و دکاندار که خود را تنها متولی دین به شمار می‌آورند، جانب دکتر شریعتی را می‌گیرد و از طرفی دیگر آنجا که اختلاف علمی و شیوه‌ای و تا اندازه‌ای ساختاری است به جانب شهید مطهری بیشتر گرایش دارد تا شریعتی. به شریعتی مانند یک فرزند برومند عشق می‌ورزد اما پیوسته سفارش می‌کند مبادا در این میان از وجود مرحوم مطهری و تعالیم عمیق او دور یا رویگردان شود. اینها بدان معنا نیست که مهندس بازرگان در این جایگاه متزلزل و مردد است بلکه او جایگاه خود را از ابتدا با قاطعیت یافته و روی آن ایستاده است لیکن به تناسب زمان چنانکه خود به صلاح جامعهٔ اسلامی جوانان ایران می‌داند، موضع می‌گیرد.

□ اگر ما وجود آشکال مختلف استضعاف یعنی استحمار، استعباد، استبداد، استثمار و استعمار در باورهای ذهنی و فکری و نیز در قلمرو اجتماع، از نمادها و مظاهر شرک بشمار آوریم و مسئولیت اصلی یک روشنفکر و مصلح اجتماعی و دینی را حرکت در جهت محو آنها و برپائی جامعه عاری از استضعاف بدانیم، به عقیده شما، تئوریها و عملکردهای مهندس تا چه حد توانسته است به تحقق این آرمان کمک نماید؟

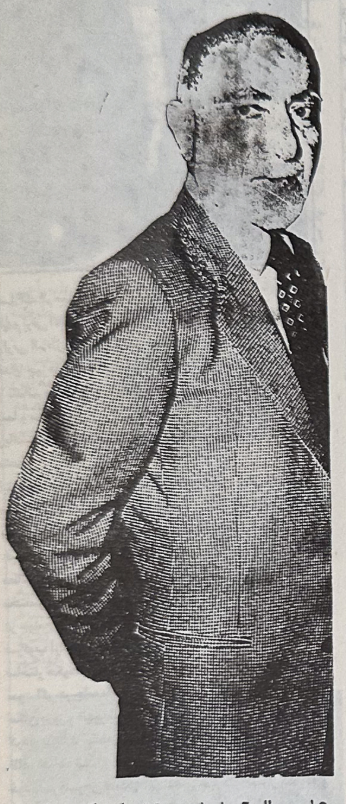
● مهندس بازرگان از آغاز روند اصلاحگری خود به مبارزه با استبداد و سپس با استعمار برخاسته است لیکن از میان این دو شکل استضعاف همیشه استبداد را اصل و دارای اولویت و اهمیت دانسته و در تئوری و عمل، در کلاس درس و در اجتماع، در خانواده، در جهان، در دادگاه نظامی، در رژیم شاهنشاهی، در نظام اسلامی و در همه جای دیگر با آن مبارزه کرده است و دانشجویان آن شادروان در دههٔ چهل تعریف می‌کردند که وقتی شعار «خدا، شاه، میهن» را در کلاس می‌دید، در حین درس گفتن زیر آن شعار نمی‌ایستاد و به صراحت به دانشجویان اعلام می‌کرد که این جمله تثلیث و شرک است و نباید آن را پذیرفت و پیوسته آزادی را شرط آگاهی می‌دانست و با انواع خودکامگی مبارزه می‌کرد. در محیط کار، زندان و اجتماعات و شرکتها و هر کجا که حضور داشت به شیوهٔ دموکراتیک عمل می‌کرد و از دیگران نیز می‌خواست که به آزادی و اندیشه غیر خود احترام بگذارند. ایشان استعمار را با تعریفی که خود از آن داشت سلطه می‌نامید و معتقد بود که زمینه‌ساز سلطه خارجی از روزگار کهن تا امروز استبداد داخلی بوده است و باید با استبداد مبارزه کرد. وقتی ستون و پایه فرو ریخت، سلطهٔ خارجی دیگر تکیه‌گاهی ندارد و از میان می‌رود. البته این تصور از استعمار کهن درست بود لیکن نئوکلینیالیزم یا استعمار نو پیچیده‌تر از آن است که بتوان پایه و ستون و تکیه‌گاه آن را شناخت و در یکجا یافت. از اینرو برخی از افراد مهندس بازرگان را متهم می‌کردند که نسبت به استعمار حساسیت ندارد که اتهام ناواردی است. می‌توان شناخت آن شادروان را نارسا و کهنه بشمار آورد لیکن اتهام نداشتن حساسیت به دامان پاک او نمی‌چسبید. شادروان مهندس بازرگان به استثمار نیز به اندازه استبداد حساسیت نداشت و به اقتصاد آزاد بیشتر معتقد بود از اینرو در هر کارخانه یا شرکتی مسئولیت داشت انسانی‌ترین روابط را میان کارفرما و کارخانه‌دار و کارگر و کارمند ایجاد می‌کرد.

□ می‌دانیم که مرحوم مهندس، یکی از پیشتازان ایدئولوژیک کردن (ساختن) دین است و اینکه دین تنها جنبه فردی و شخصی نداشته و یا حتی در احکام فرعی و فقه و اصول خلاصه نمی‌شود بلکه کارکردهای اجتماعی و سیاسی هم دارد، این موضوع تقریباً در کلیه سخنرانیها و نوشته‌ها و مشخصاً در کتاب بعثت و ایدئولوژی او به وضوح منعکس شده و عملکردش نیز آن را تأیید کند ولی ایشان قبل از رحلت، سخنانی ایراد می‌کند تحت عنوان «خدا و آخرت، هدف بعثت انبیاء»، که محتوای این سخنرانی با اظهارنظرها و عکس‌العملهای متفاوتی مواجه می‌گردد. از جمله برخی از روشنفکران دینی نتیجه‌گیری کردند که ایشان اساساً نظرات قبلی خود را در مورد رسالت دین یعنی دنیوی و اخروی بودن آن ترک گفته و ایدئولوژی را رها کرده، برخی دیگر هم مدعیات و استدلالهای جدید مهندس را وافی به مقصود و محکم نمی‌دانند، برخی هم بر این باورند که این نظریه بازتابی انفعالی و عکس‌العملی در مقابل افکار و روند حوادث و عملکردهای چند ساله اخیر حاکمیت بوده است، شما در این مورد چه می‌اندیشید؟

● شادروان مهندس بازرگان از آغاز فعالیت اصلاح‌گرانه خود و در آثار پس از سالهای ۱۳۳۲ بی‌آنکه از اصطلاح ایدئولوژی نام ببرد عملاً اسلام را یک ایدئولوژی میداند لیکن این اصطلاح را بطور روشن و صریح در همان کتاب «بعثت و ایدئولوژی» سخنرانی مبعث سال ۱۳۳۴ در دژ برازجان را بکار می‌برد و از آن روز به بعد به دین اعتقاد بیشتر گرایش پیدا کرد تا اینکه انقلاب اسلامی به نخست‌وزیری دولت موقت انقلاب منصوب گردید عملکرد گروههای مختلف و افراد مختلف و گرایشهای گوناگون تا سال ۱۳۶۰ و از آن سال تا ۱۳۶۸ پایان جنگ هشت ساله و سپس در دوران زندگی وی را وادار به تجدید نظر در باور ریشه‌دار به کهن خود کرد.

لیکن به نظر اینجانب با مطالعه کتاب «خدا و آخرت» هدف از بعثت انبیاء، ایشان از ایدئولوژی داشتن دین اسلام و وحدت دین و سیاست انصراف حاصل نکرد بلکه از وحدت دین و حکومت و حاکم شدن رجال مذهبی و تشکیل یک حکومت ایدئولوژیک مذهبی رویگردان شد. و تجربه جمهوری اسلامی او را به این واکنش وادار داشت و اصولاً انسان در سنین بالا مرگ‌اندیش و آخرت‌گرا میشود به ویژه آنکه هیچ تعلق خاطر به قدرت و حکومت هم نداشته باشد.

□ از ۲۰ سال پیش از انقلاب و بعد از آن، اندیشه‌های بازرگان مانند قانونگرائی، تشنج‌زدایی، احترام به حقوق همه مردم، احترام به رأی و نظر مردم، نفی خشونت در روابط اجتماعی و سیاسی و عدم اجباری کردن احکام دین و مسایلی از این دست بود که اینک، بر زبان رئیس جمهور محترم جاری است، این مطلب از چه چیزی حکایت می‌کند؟



● این مطلب گویای این حقیقت است که هر کس از آموزشهای اصیل اسلامی اعم از قرآن و سنت و نهج‌البلاغه آگاهی ریشه‌دار و عمیقی داشته باشد با جهان نو و تجربه‌های بشری موفق و مردمی آشنا باشد بدین شعار گرایش پیدا می‌کند و به اجرای آنها معتقد می‌شود و اگر مسئولیتی بدست آورد در جهت عملی ساختن و ترویج آنها می‌کوشد.

□ درباره سیاست و منش تساهل و تسامح مرحوم مهندس در مقابل مخالفانش زیاد شنیده‌ایم، اگر در این مورد خاطراتی دارید بفرمائید.

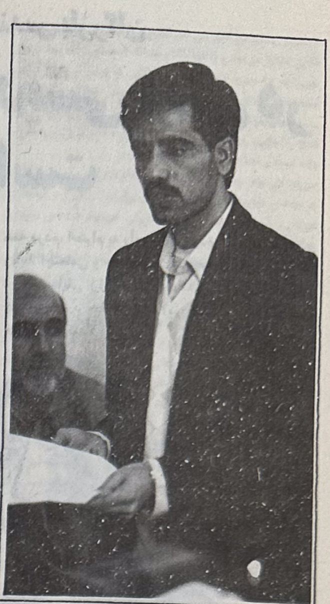
● منش تساهل و تسامح دربارهٔ دشمنان صادق نیست بلکه در برابر دوستان درست است و به حق البته مخالفان نیز اگر از دوستان باشند باید بجا و به هنگام در برابر آنان مدارا و نرمش و گذشت داشت و اگر از دشمنان باشندباید با شدت و خشونت و عدم سازش برخورد کردو البته آن درجای خود و با تشخیص موقعیت. شادروان مهندس بازرگان مصداق کامل سازش‌ناپذیری و خشونت با دشمنان و مخالفان فکری و عقیدتی و البته با رعایت مروت و عدل و انصاف و نرمش و تساهل و تسامح با دوستان چه موافق و چه مخالف بود. در دوستی نیز دچار افراط و بی‌انصافی و ارتکاب به گناه نمی‌شد.

□ جناب آقای دکتر جعفری، شما از یاران دیرینه و باوفای مرحوم بازرگان هستید که سالها با ایشان همرزم بوده‌اید، در پایان این مصاحبه خاطره‌ای از آن مرحوم را برای خوانندگان نسیم جنوب بیان بفرمائید.

● یکی از خاطره‌هائی که نشانگر روح دمکراسی ایشان است در نظرم آمد. شورای انقلاب رأی بر این داده بود که بانک ملی شوند، یعنی همه بانکها بصورت دولت درآیند ولی ایشان موافق نبود من شب در جلسه‌ای ایشان را دیدم و به ایشان تبریک گفتم و گفتم از اینکه شورای انقلاب رأی داد که بانکها باید ملی شود و تبریک می‌گویم که شما باید مجری این تصمیم باشید ایشان گفت: بله اگر کسان دیگری بودند ممکن بود که نخست مخالفت کنند ولی با اینکه من از نظر فکری با این کار مخالف بودم و چون شورای انقلاب رأی داده و تصمیم گرفته تابع رأی اکثریت هستم و آنرا قبول می‌کنم و آنر ا به اجرا درمی‌آورم. حقیقت هم همینطور بود و اعتقاد به دمکراسی و رأی اکثریت داشت و با اینکه نظر خودش را ابراز می‌داشت اما وقتی که اکثریت به چیزی رسیده بود و آن را تصویب می‌کردند ایشان هم با کمال علاقه آن را قبول می‌کردند و به اجرا می‌گذاشتند.

متن دفاعیه مدیر مسئول هفته نامه

هیئت منصفه به اتفاق آراء شکایت ناحیه انتظامی را وارد ندانسته و مدیر مسئول هفته نامه نسیم جنوب را تبرئه نمود



بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم ارنی الاشیاء کما هی، ثم ارنی الحق حقاً و ارزقنی اتباعه و ارنی الباطل باطلاً و ارزقنی اجتنابه.

خدایا چیزها را همانگونه که هستند، به من بنما. پس حقیقت را نشانم بده و آنگاه (توفیق) پیروی از آن و باطل را بر من بنما و سپس دوری از آن را نصیبم کن. «امام سجاد(ع)»

ریاست محترم دادگاه مطبوعات، اعضای محترم هیئت منصفه

ابتدا از حوصلهٔ شما تشکر می‌کنم. اینجانب یونس قیصی‌زاده مدیرمسئول هفته‌نامه نسیم‌جنوب در پاسخ به اتهام وارده از سوی ناحیه انتظامی نکاتی را به استحضار می‌رسانم.

قبل از آنکه به طرح دفاعیات خود بپردازم، لازم می‌دانم مطالبی را راجع به آزادی بیان و اندیشه به نحو موجَز و مختصر به عرض دادگاه برسانم. یکی از نقشهای آزادی فکر در جوامع امروز ایجاد ثبات است. با اعمال فشار و خشونت، سرکوب آزادیها و برقراری سانسور نمی‌توان برای جامعه و ساختار حکومت برای مدت زیادی ثبات و پایداری را تضمین نمود. اگر در جامعه‌ای حقوق و آزادیها از مَجرای طبیعی خود امکان بروز و ظهور نیافته و دائماً با موانع و مقاومتهایی مواجه گردد، یقیناً در مقطعی خاص در شکلی قهرآمیز و خشونت‌بار ظاهر خواهد شد. از رهگذر آزادی بیان است که مردم نظرات خود را درخصوص عملکرد نهادهای حکومتی ابراز نموده و احیاناً در تصحیح و اصلاح آنها مساعدت می‌نمایند. هنگامی که آحاد مردم خود را در ابراز عقاید و نظراتشان آزاد بیابند نوعی وفاق و الفت بین دولت و ملت پیدا می‌شود و در چنین وضعیتی ملت بین خود و دولت، احساس دوگانگی و جدائی نکرده و مشکلات آن را مشکلات خود می‌داند و بنابراین برای آن معضلات و مشکلات راه‌حل ارائه می‌دهد و به قدر توان در حل آن می‌کوشد. در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی که مقدسترین متن قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد به این خواست ملی و منطقی عنایت تام و تمام داشته و در فصل سوم آن طی اصول ۱۹ تا ۴۲ موارد حقوق ملت به تفصیل بیان شده است. به عنوان مثال بر اساس اصل هشتم: در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهدهٔ مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. و نیز اصل بیست چهارم: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشند. این نکته بدیهی است که نفس زندگی اجتماعی و وجود حکومتها و نهادهای مختلف قانونی به منزلهٔ پذیرش نظم و قاعده و چهارچوب از سوی حاکمین و مردم و بالمآل محدود شدن هر دوی آنان می‌باشد. بنابراین همهٔ حکومتها و ملتها واقعیتی را به نام «محدودیت» پذیرفته و تفاوت حکومتها و ملتها در میزان و ظرفیت پذیرش این محدودیتهاست چرا که آزادی از همه چیز و لاقیدی به فساد و هرج و مرج انجامیده و باشخصیت و کرامت انسان نیز ناسازگارست. اصل نهم قانون اساسی دراینباره شنیدنی است: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه و یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.» ارزشها و آثار مفید آزادی عقیده و بیان را نمی‌توان احصاء نمود و بی‌تردید این آثار، بسیار متعدد و گسترده است. «آزادی»، «اندیشه»، «بیان» حلقه‌های حیات جامعه هستند بگونه‌ای که با مفقود شدن یکی، نبض زندگی دیگر نخواهد زد و قید بردگی فکری بر گردن ملتها گذاشته خواهد شد.

باید به این نکته توجه داشت که همانطور که در مطبوعات یک حدود مطبوعاتی وجود دارد که قانون آن را مشخص نموده، یک حقوق مطبوعاتی نیز وجود دارد که یکی از مهمترین موارد آن حق انتقاد برای مطبوعات است. بر اساس ماده سوم از فصل سوم قانون مطبوعات، مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادات، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند. شاید ذکر این نکته لازم نباشد که انتقاد همواره تلخ است اما آنچه آن را قابل تحمل و در نزد انتقادشونده شیرین می‌نماید، به دیده نصیحت به آن نگریستن و مصلحت آینده ملت، مملکت، اسلام و انقلاب رادر آن دیدن است. جناب رئیس و اعضای هیئت منصفه، از شما می‌پرسم که آیا انتقادی که از روی دلسوزی و بخاطر اصلاح امور از طرف یک نشریه صورت می‌گیرد، تضعیف کننده است یا حرکات خشن و غیراصولی عدهٔ محدود که لباس مردان قانون بر تن دارند و حمایت فرمانده آنان از این حرکات غیرمنطقی؟ آیا درخواست یک نوجوان دانش‌آموز از یک نهاد انتظامی را که البته وظیفه حمایت و تأمین امنیت برای همین نوجوانان و جوانان را برعهده دارد، به معنای تضعیف یا توهین باید دانست؟ روشن است که نقد و انتقاد از نیروی انتظامی لازم است و البته باید نقد و انتقاد را از توهین و افترا تفکیک نمود.

مطبوعات علاوه بر حدود و حقوقی که دارند، تعهداتی نیز بر عهده دارند و دست‌اندرکاران هفته‌نامه نسیم‌جنوب نیز تعهدات سنگینی را همواره در برابر مردم، مشکلات و مسائل آنان و اصلاح امور بر دوش خود حس می‌نمایند. از آنجا که اینجانب بعنوان مدیرمسئول و دیگر دست‌اندرکاران هفته نامه جملگی بطور دایم به اینکار اشتغال نداشته و بصورت پاره‌وقت به این کار مشغولیم، آنچه که باعث شد تا علیرغم داشتن جایگاه شغلی مشخص در جامعه به سوی فضا پرمخاطره مطبوعات روی آوریم، همین حس مسئولیتی بود که بر خود فرض نموده و البته با آگاهی از پرمخاطره‌آمیز بودن این حرفه، عافیت طلبی را کنار گذاشته و در فضای مطلوب پس از دوم خرداد و در کنار سایر مطبوعات به نهادینه کردن آزادی برخاستیم. و از اینرو تعهدی که از بابت ورود به این عرصه بر دوش خود حس می‌نمائیم صدچندان برجسته‌تر می‌باشد. انعکاس مشکلات و مسائل مردمی که در سخت‌ترین شرایط انقلاب و دفاع مقدس به حمایت از این نظام برخاستند و زحمات و سختی‌ها را به خاطر حفظ میهن اسلامی بر خود هموار نمودند، از جمله تعهداتی است که نسبت به انعکاس آن هم قسم شده‌ایم.

و البته خدمتگزاران راستین نیروهای انتظامی خود واقفند که چاپ نصیحتها و نشان دادن نقاط ضعفی همانند آنچه که در یک نامه دانش‌آموز ممتاز یک دبیرستان آمده است، به معنی تضعیف، توهین و ندیده انگاشتن زحمات بی‌شائبه و دلسوزانه آنان نیست. بلکه آنچه باعث تضعیف و ضایع شدن خدمات آن عزیزان می‌گردد وجود رفتار غیرمسئولانه تعداد احتمالاً اندکی از این نیرو است که در اذهان عمومی اثری نامطلوب بر جای می‌گذارد و باعث تسری آن به دیگر نیروهای زحمتکش آن ناحیه می‌شود و البته انتظار می‌رود که فرماندهان ناحیه انتظامی با نظر مثبت و خیرخواهانه به اینگونه انتقادات دلسوزانه نگریسته و با تلاش در جهت رفع نقائص، شأن و منزلت نیروی انتظامی را در جامعه بعنوان یک نهاد مولود انقلاب حفظ کرده و با پاسخگو بودن در برابر سؤالات و انتقاداتی که از آنان می‌شود بیش از پیش وجهه مردمی بودن این نیرو را به نمایش بگذارند.

باید به عرض این دادگاه محترم برسانم در پیش‌شماره چهاردهم مورخهٔ ۷۷/۳/۱۸ نامهٔ دانش‌آموز نوجوانی را به چاپ رساندیم که طی آن ضمن تقدیر از عملکرد «گشت قوامین» با حفظ متانت سخن به انتقاد از نحوهٔ برخورد «گشت یگان ویژه» با جوانان پرداخته و از برخورد خشن آن یگان گله می‌کند.

برای روشنتر شدن مسئله باید اشاره نمود که در مطبوعات، برای درج یک مطلب باید فی‌الجمله برای مدیر مسئول و دست‌اندرکاران اطمینانی درخصوص آن مطلب حاصل شود و اطمینانی که فی‌الجمله در تأیید یک مطلب برای مدیرمسئول حاصل می‌شود برای درج آن مطلب کفایت می‌کند و بعبارتی نباید انتظار یقین حاصل نمودن درباره مطلب را داشت و سپس به درج آن اقدام نمود چرا که هیچ مطبوعه‌ای دارای آن قدرت و توان نیست که یک دستگاه اطلاعاتی فراگیر داشته باشد و نسبت به حق و باطل بودن هر مطلبی که به دست آن می‌رسد تحقیق کامل کند و به صحت کامل آن پی ببرد و بعبارتی در عرف کاری مطبوعاتی هر مطلبی که به نشریه رسید چنانچه مقداری اطمینان و اعتماد و آرامش خاطر برای مسئولین آن نشریه نسبت به عدم کذب آن مطلب پیدا شد، می‌تواند نسبت به درج آن اقدام نماید و البته قانونگذار نیز به این امر اهتمام داشته است چرا که بر اساس ماده ۲۳ از فصل ششم قانون مطبوعات، هرگاه مطالبی مشتمل بر توهین و افترا، یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی و یا حقوقی) مشاهده شود، ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یکماه کتباً برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است اینگونه توضیحات را به چاپ برساند.

اما برای چاپ نامه «آقایان یگان ویژه با جوانان خوش‌برخوردتر باشید» در هفته‌نامه، مراحلی طی شد که من‌حیث‌المجموع اطمینان مدیرمسئول را به عدم کذب بودن این مطلب تقویت کرد:

جمعی از جوانان شهر بوشهر در یک اقدام بی‌سابقه قبل از چاپ این نامه، طی طوماری به وزیر کشور از ضرب و شتم جوانان بوشهر توسط یگان ویژه شکایت نموده و خواستار جلوگیری این امر توسط وزیر کشور شدند که رونوشت آن به دفتر هفته‌نامه ارسال شده است. پس از آن نامه‌ای به امضای چندنفر از جوانان شهر بوشهر به دستمان رسید که طی آن از خشونت نیروهای یگان ویژه با جوانان شکوه شده و خواستار درج نامه به منظور توجه مسئولین به این موضوع شده بودند. علاوه بر این چندین نامه از طرف کسانی که مورد ضرب و شتم واقع شده و بصورت خشونت‌بار در معرض رفتار نیروهای یگان ویژه قرار گرفته بودند به هفته‌نامه رسید،



ضمن اینکه چندین نفر نیز بطور مستقیم ضمن مراجعه به دفتر نسیم‌جنوب از رفتار خشن برخی از نیروهای یگان ویژه شکایت نموده و خواستار انعکاس مشکل آنان در هفته‌نامه به منظور جلوگیری از ادامه این رفتار خشونت‌بار گردیدند که عین مدارک کتبی این مراجعات موجود می‌باشد. از آنجا که این هفته‌نامه نسبت به درج مشکلات و بی‌قانونی‌های موجود در جامعه خود را متعهد می‌داند، به نوعی منتظر فرصت مناسبی برای انعکاس این مشکل جوانان بودیم که نامه‌ای محترمانه، مؤدبانه و دلسوزانه از سوی یکی از دانش‌آموزان دبیرستان شهید مطهری نمونه فرهنگیان به هفته‌نامه رسید که در آن نویسنده با لحنی مؤدبانه ضمن تشکر از نیروهای انتظامی و خسته نباشید به آنان، از گشت یگان ویژه انتقاد نموده و از آنان خواسته بود تا از خشونت خود کاسته و برای جوانان ارزش بیشتری قائل شوند. چاپ این مقاله در هفته‌نامه



نسیم‌جنوب جز به منظور جلوگیری از ضایع شدن حقوق عمومی و تضعیف نیروهای خدمتگزار ناحیه‌انتظامی نبوده و در راستای امر به معروف و نهی از منکر و انجام رسالت مطبوعاتی نبوده است. پس از گذشت حدود سه ماه از درج این نامه، ناحیه انتظامی بوشهر در یک اقدام تعجب‌انگیز، شکایتی را به دادگستری بوشهر ارائه داد.

شکایت نیروی انتظامی پس از گذشت سه ماه از تاریخ درج این نامه در نسیم‌جنوب و بدون اینکه در طول این مدت، این ناحیه اقدام به ارسال جوابیه و یا تکذیبیه در این خصوص کرده باشد، حال آنکه طبق ماده ۲۳ فصل ششم قانون مطبوعات این فرصت و مجال برای آن نیرو فراهم بوده، جای شگفتی است.

با توجه به موارد مطروحه، من‌حیث‌المجموع این اطمینان درخصوص خشونت‌آمیز بودن رفتار برخی از نیروهای یگان ویژه با جوانان بوشهری برای اینجانب مسجل گردید و از اینرو نسبت به چاپ این نامه از میان انبوه نامه‌ها و مصاحبه‌ها و مراجعات حضوری و تلفنی در این مورد، اقدام صورت گرفت. ادامه رفتار خشونت‌آمیز برخی از نیروهای انتظامی با جوانان بوشهر در بعد از چاپ این نامه و مراجعه حضوری و نامه‌های کتبی دراین خصوص، اطمینان ما را افزایش داد و به نوعی مؤیّد نظرات نویسنده نامه چاپ شده گردید.

دراینباره می‌توان به حجم نامه‌های ارسالی و کثرت مراجعات حضوری افراد گوناگون اشاره نمود که مدارک تمام آنها در دفتر هفته‌نامه موجود می‌باشد. بنابراین مشاهده می‌شود که مدارک برای درج این نامه به «حد تواتر» رسیده است.

توضیحاً ذکر این نکته بسیار ضروری است که اصولاً «خشونت» یک امر نسبی است و یگان ویژه و نیروهای انتظامی که خود بعنوان مجری برخورد کننده بوده‌اند نمی‌توانند به قضاوت درباره رفتار خود بنشینند و در مورد عدم خشونت‌آمیز بودن رفتار خود داوری کند. آنچه دراین قسمت مورد تأکید است انعکاس رفتار در اذهان مخاطبین این نیروست.

آقای رئیس و اعضای هیئت منصفه! آیا اینکه دانش‌آموزی بیاید و با لحنی آرام و متین (و به دور از هوچی‌گری و آوردن الفاظ و کلمات توهین‌آمیز) و از سر دلسوزی و با احساسات پاک جوانی از برخورد «گشت یگان ویژه» اظهار گله‌مندی کند جرم تلقی می‌شود؟ آیا فرماندهٔ محترم ناحیهٔ انتظامی نیروهای تحت امر خود را عاری از هرگونه خطا و اشتباه می‌داند که اینگونه انتقاد یک نوجوان دانش‌آموز را تاب نمی‌آورد؟ آیا پاسخ حسن نیت و صداقت جوانان را اینگونه می‌دهند؟ اگر قرار باشد هرگونه انتقادی از روش اداری و برخورد سازمانها و ادارمجات دولتی «تشویش اذهان» تلقی شود و هر مدیر مسئولی به بهانهٔ انتشار انتقادات مردم، روانهٔ دادگاه شود، هر روز بایستی شاهد احضار دهها تن از مدیران جرائد به دادگاهها باشیم. متأسفانه از آنجا که فرماندهٔ محترم ناحیهٔ انتظامی بر ضوابط و موازین حاکم بر مطبوعات و مفاهیم رایج در حرفهٔ روزنامه‌نگاری احاطه و اشراف حرفه‌ای ندارند، مطلبی را که نظایر آن در نشریات و سایر رسانه‌های تصویری مختلف هر روزه منتشر می‌گردد و در عرف و فرهنگ مطبوعاتی کشور امر رایج و سابقه‌داری است، «تشویش اذهان» تلقی می‌کند.

آقای رئیس و اعضای محترم هیئت منصفه! هفته‌نامه «نسیم‌جنوب» با بهره‌گیری از شعار دولت و رئیس محترم جمهور در انتقادپذیری سعی کرده است تا حد قابل قبول سطح انتقاد را در استان بوشهر بالا ببرد، دانش اجتماعی و بینش سیاسی مردم را ارتقاء دهد و در یک کلام با مطرح کردن انتقادات و تفکرات و دید انتقادی به افکار و اندیشه‌ها و نیز پوشش خبری مسائل و اتفاقات روزمرهٔ استان، به عنوان چشم و گوش و زبان مردم عمل کند و «آیینهٔ جامعه» باشد و «تصویری زنده» از جامعه را ارائه نماید و لذا چاپ نامهٔ این دانش‌آموز عزیز را از این زاویه باید نگریست.

اما استناد به مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی

نسیم جنوب در دادگاه مطبوعات

دادگاه رسیدگی به شکایت فرمانده ناحیه انتظامی از مدیر مسئول نسیم جنوب، اولین دادگاه مطبوعاتی در استان بوشهر، با حضور هیئت منصفه بود

درخصوص چاپ این نامه فاقد وجاهت قانونی است زیرا اولاً: با اینکه در قوانین موضوعهٔ ایران «تشویش اذهان» تعریف مشخصی ندارد و روشن نیست که حد و مرز این واژه بر اساس موضوع است یا بر اساس عقیده اشخاص (ولی بر فرض هم که بر اساس عقیده اشخاص باشد) آیا فرمانده ناحیهٔ انتظامی دلائل و شواهد محکم و محکمه‌پسندی دال بر تشویش اذهان عمومی که منصرف از مسئولین و ناظر به عموم جامعه است، می‌تواند به آن دادگاه محترم ارائه دهد؟ آیا غیر از این است که فرمانده ناحیهٔ انتظامی احساسات و تمایلات شخصی را جایگزین احساسات و تمایلات جمعی نموده و هفته‌نامهٔ «نسیم‌جنوب» را به ناحق و به ناروا متهم به تشویش آفرینی کرده است؟ ثانیاً: اینکه فرمانده ناحیهٔ انتظامی در دادنامهٔ خود با استناد به مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قصد بنده را از چاپ نامهٔ مذکور اضرار به غیر و تشویش اذهان

> **مدیر مسئول نسیم جنوب در دادگاه:**
> آیا انتقادی که از روی دلسوزی و به خاطر اصلاح امور از طرف یک نشریه صورت می‌گیرد، تضعیف کننده است یا حرکات خشن و غیر اصولی عدهٔ محدود که لباس مردان قانون بر تن دارند و حمایت فرمانده آنان از این حرکات غیر منطقی؟!

معرفی نموده، مدعائی بدون دلیل است که معلوم نیست آن فرماندهی محترم چگونه و بر اساس کدام شواهد و قرائن رابطهٔ سببیت بین قصد بنده از چاپ نامه با اتهامات وارده از سوی خود را احراز کرده است؟

با مراجعه به ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی که مورد استناد نیروی انتظامی جهت شکایت از هفته‌نامه نسیم‌جنوب قرار گرفته است درمی‌یابیم که هر کس به قصد «اضرار به غیر» یا «تشویش اذهان عمومی» یا مقامات رسمی مطالب کذبی را منعکس نماید مشمول این ماده می‌شود چنانچه ملاحظه می‌شود قانونگذار در این ماده برای ثابت کردن جرم تشویش اذهان عمومی، قصد اضرار را شرط دانسته است اما به یقین می‌توان گفت که هدف نسیم‌جنوب از چاپ این نامه هیچگونه



قصد اضراری نسبت به ناحیه انتظامی بوشهر نبوده است. برای اثبات این مدعا می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱ـ چاپ این نامه در راستای امر به معروف و نهی از منکر صورت گرفته است. با توجه به تأکید دین مبین اسلام به امر به معروف و نهی از منکر که به تناوب در قرآن مجید و احادیث ائمه اطهار وارد شده است، هفته‌نامه نسیم‌جنوب امر به معروف و نهی از منکر را خصوصاً در مواجهه با مسئولین از وظائف اصلی خود دانسته است. حضرت علی(ع) درخصوص امر به معروف و نهی از منکر می‌فرمایند: «مبادا امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید چرا که در آن صورت بدان بر شما چیره شوند و تصدی امورتان بدست آنها خواهد افتاد، در آن هنگام هرچه دعا کنید (و طلب خلاصی و نجات از ستم آنها بخواهید) دعایتان مستجاب نخواهد شد.» در هر حال با توجه به تأکیدات قرآن و روایات، به اهمیت این فریضه عملی و اساسی در دینداری و امنیت و آزادی و آبادانی پی می‌بریم و درمی‌یابیم که امر به معروف و نهی از منکر از آن اصول عملی است که همه مردم را برای حضور در اجتماع و مسئولیت‌پذیری و در صحنه بودن فرا می‌خواند. این فریضه از آن واجباتی است که بدست هیچکس وضع و جعل نشده

است که بتوان آن را از مردم گرفت و به وسیله آن، نقش نظارتی مردم هویدا می‌گردد و مطبوعات به سبب نقش خاص و انعکاس‌دهنده خود، مکلف به امر به معروف و نهی از منکرند. در جائی که حضرت امیر مؤمنان می‌فرماید: «از گفتن سخن حق یا دادن مشورت عدل با من خودداری نکنید زیرا من فوق خطا نیستم.» و یا می‌فرماید: «وگمان نبرید که گفتن حرف حق بر من سنگین تمام می‌شود.» دیگران و خصوصاً نیروهائی که بواسطه قدرتی که قانون به آنان داده است، همواره در معرض خطا قرار دارند، البته که به نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر به طریق اولی سزاوارترند و نباید مانع ناصحان و مشفقان در اصلاح امور شوند و از نصیحت مصلحان و مؤمنان برآشوبند وچه جایگاهی از مطبوعات برای انجام این فریضه سزاوارتر و دلسوزانه‌تر و مسئولانه به نصیحت جامعه و قدرتمندان بپردازند و آنان را از کجروی برحذر دارند و تعجب از اینکه مسئولان نیروی انتظامی بجای پذیرفتن این اندرز مشفقانه و دلسوزانه که از طرف یک دانش‌آموز نوجوان نمونه دبیرستان و با لحن محترمانه و مؤدبانه است و به جای اینکه پند گیرند، به خشم آمده و به شکایت روی آورده‌اند.

۲ـ از جمله دلایل دیگری که ثابت می‌کند که نسیم‌جنوب در چاپ این نامه، قصد اضرار نداشته است، نحوه پیگیری است که از طرف این هفته‌نامه صورت گرفته است. در این راستا و برای روشن شدن قضایا و رفع این اتهام از سوی نیروی انتظامی، من خود شخصاً چندین بار از روابط عمومی ناحیه انتظامی بوشهر درخواست مصاحبه با فرماندهی این ناحیه را درخصوص این وقایع نموده‌ام که متأسفانه پیگیریهای بعمل آمده تاکنون بی‌نتیجه مانده و جناب تیمسار حاضر به مصاحبه نشده‌اند.

۳ـ پس از چاپ این نامه، به همراه صاحب امتیاز هفته‌نامه نسیم‌جنوب، دکتر خلف‌پور، در جلسه‌ای با حضور رئیس عقیدتی سیاسی ناحیه انتظامی بوشهر شرکت نموده و ضمن اعلام کتبی اینکه این هفته‌نامه به هیچ وجه قصد تضعیف نیروهای زحمتکش انتظامی را ندارد، دلایل خود را از چاپ این نامه بیان نمودیم که ایشان در این جلسه به یقین رسیدند که هدف از چاپ این نامه تضعیف نیروی مذبور نبوده و از اینرو شاهد تلاشهای جدی و پیگیر مستمر ریاست عقیدتی سیاسی ناحیه انتظامی بوشهر در جهت بازپس‌گیری و ابطال دعوی نیروی انتظامی بودیم که متأسفانه از سوی ریاست کل ناحیه انتظامی بوشهر با این درخواست موافقت نگردید.

۴ـ در مدت انتشار هفته‌نامه نسیم‌جنوب، نامه‌ها و گزارشات گوناگونی در مورد برخورد خشن برخی از افراد ناحیه انتظامی و خصوصاً از سوی یگان ویژه به دفتر این هفته‌نامه رسیده است. افرادی به این هفته‌نامه مراجعه نموده‌اند که مستقیماً مورد ضرب و شتم توسط این افراد قرار گرفته و گزارشاتی نیز که این امر را تأیید می‌کند توسط این هفته‌نامه تهیه شده است، اما به خاطر عدم تضعیف ناحیه انتظامی بوشهر، این هفته‌نامه از درج بسیاری از آنان خودداری نموده و تنها در چند موردی که از صحت آن اطمینان حاصل نموده و پس از برخوردهای مشابه و مکرر، این هفته‌نامه اقدام به درج خیرخواهانه خبر این برخوردهای خشونت‌آمیز کرده و خواستار جلوگیری از تکرار آنها شده است.

۵ـ از جمله دلایلی که نشان می‌دهد که قصد اضرار از چاپ نامه فوق مد نظر نبوده است، تحت پوشش خبری قرار دادن مطالب ارسالی از سوی روابط عمومی ناحیه انتظامی است که تاکنون نسیم‌جنوب در شماره‌های مختلفی از انتشار خود نسبت به درج خبرهای ارسالی از سوی روابط عمومی آن ناحیه، مربوط به کشفیات و دستگیریها و فعالیتهای انجام شده توسط زحمتکشان نیروی انتظامی اقدام نموده است.

همچنین در ماده ۶۹۸ می‌خوانیم که در صورتی چاپ و انعکاس اینگونه مطالب تشویش اذهان عمومی محسوب می‌گردد که موارد مطرح شده «اکاذیب» بوده باشد. درحالیکه با توجه به شواهد و مدارک موجود، این اطمینان من‌حیث‌المجموع برای مدیرمسئول، احراز شده بود که نامه چاپ شده، کذب نبوده و به عبارتی من‌حیث‌المجموع اطمینان از عدم کذب بودن مطالب مطروحه در آن نامه برای مدیر مسئول محرز شده بود.

در مجموع استناد نیروی انتظامی به ماده ۶۹۸ قابل قبول نیست چرا که سوءنیّت مدیر مسئول بعنوان عنصر معنوی جرم اثبات نشده و احراز آن در این پرونده غیرقابل حصول است.

در اینجا لازم می‌دانم در جهت تبیین و تشریح انگیزه خود در چاپ این نامه اشاره کنم که فرماندهٔ محترم ناحیهٔ انتظامی توجه نکرده است که انتقاد از روش سیاسی و اداری سازمانها و مقامات دولتی نه تنها جرم نبوده که از اهم وظایف مطبوعات بشمار می‌رود (مادهٔ ۳ از فصل سوم قانون مطبوعات ـ حقوق مطبوعات) و انتقاد و پیشنهاد مطرح شده در نامه مذکور از این جهت بوده است و قصد سوءنیّت خاص و اضرار به غیر و تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی در بین نبوده و چنین قصدی نیز نداشته‌ام و از سوئی نیز چاپ مطالب از جهت فراهم نمودن محیطی برای برخورد اندیشه‌ها و در راستای



سید سلیمان رضوی ـ قاضی اولین دادگاه مطبوعاتی بوشهر

اجرای فرمایش مولای متقیان حضرت علی(ع) بوده است که می‌فرمایند: «مَنِ اَستَقبَل وجوه الآراء عرف مواقع الاخطا» ـ «برخورد آراء و اندیشه‌ها موارد اشتباه را شناسائی و زائل می‌سازد.» بدیهی است که نشریات (و در اینجا هفته‌نامهٔ محلی نسیم‌جنوب) بهترین جا و محل برای برخورد اندیشه‌ها، عقاید و افکار می‌باشد. حالا چرا و به چه دلیل صداقت بنده در بیان این انگیزه‌ها و نحوه و روش کاریم در ادارهٔ هفته‌نامهٔ «نسیم‌جنوب» موجب شده است فرماندهٔ ناحیهٔ انتظامی برخلاف تمایل درونیم آن را جرم تعبیر نماید، متحیرم؟ آیا آن فرمانده اعتقاد ندارد طبع زندگی اجتماعی مستلزم برخورد عقاید است؟ ثالثاً: در فراز دیگری از دادنامهٔ ناحیهٔ انتظامی، هفته‌نامه متهم به نشر مطالب خلاف و غیرواقع شده است که جای تأمل دارد. فرماندهٔ نیروی انتظامی چگونه می‌تواند مدعی شود رفتار «گشت یگان ویژه» با نوجوان مذکور خشن نبوده؟ آیا این منطقی است ملاک قضاوت راجع به نحوهٔ برخورد گشت مذکور با آن نوجوان نویسندهٔ نامه، اظهارات مسئولین یگان و یا فرماندهٔ ناحیه انتظامی قرار بگیرد؟ و به اصطلاح آیا این یک طرفه به محکمه قاضی رفتن نیست؟ آن نوجوان نویسندهٔ نامه مثل همهٔ آدمهای دیگر احساس فرق میان رفتار نرم از رفتار خشن را درک می‌کند، برای همین است که برخلاف «گشت یگان ویژه» از رفتار محبت‌آمیز «گشت قوامین» تعریف و تمجید می‌کند.

آقای رئیس، اعضای محترم هیئت منصفه! متأسفانه به دلیل درک نادرست فرماندهی ناحیهٔ انتظامی بوشهر از سرشت پدیده‌های تعارض‌آمیز اجتماعی و دیدگاه کاملاً منفی و بی‌توجهی ایشان در باب اثرات مثبت و سازندهٔ مناقشات فکری و انتقادهای اجتماعی (حتی انتقادهائی که ممکن است به ناروا صورت پذیرفته باشد) در تصحیح و اصلاح احتمالی عملکرد نهادهای حکومتی، باعث شده تا یک انتقاد ساده و معمولی بیش از اندازه‌های واقعی خود ظهور و بروز پیدا کند و به ناحق نسبت مجرمانه به بنده بدهند.

در پایان تذکر دوبارهٔ این نکته را خالی از فایده نمی‌بینم که بگویم از سر عشق و علاقه به اسلام، انقلاب و مردم تلاشم بر این معطوف بوده که هفته‌نامه نسیم‌جنوب را علیرغم برخی کاستیها که از هر مولود نوپائی انتظار آن می‌رود، به امید جوانان جامعه و عرصهٔ تجلی افکار و اندیشه‌های نو و پرنشاط تبدیل کنم و در جهت تعمیق فرهنگ توسعهٔ سیاسی و تقویت نهادهای جامعهٔ مدنی (بدون اینکه تا حالا این هفته‌نامه باری بر دوش دولت بوده باشد) کوشش نمایم.

رئیس محترم دادگاه، اعضای محترم هیئت منصفه! صادقانه تأکید می‌کنم که هفته‌نامهٔ «نسیم‌جنوب» به مسائلی متّهم شده که به کلّی از آنها مبراست و از شما آقایان بعنوان مظهر «وجدان عمومی» تقاضای نقض و ابطال دادنامهٔ صادره و برائت خود را دارم.

والسلام علیکم

یونس قیصی‌زاده

مدیر مسئول هفته‌نامه نسیم‌جنوب

> **یکی از اعضاء هیئت منصفه اولین دادگاه مطبوعات استان بوشهر:**
> **رأی قاطع هیئت منصفه مبنی بر تبرئه مدیر مسئول هفته‌نامه نسیم‌جنوب نشان داد تا زمانی که مطبوعات از حقوق عمومی دفاع می‌نمایند از آنها در مقابل هر قدرتی دفاع خواهد شد.**

بعد از برگزاری دادگاه رسیدگی به شکایت فرماندهی ناحیه انتظامی بوشهر از هفته‌نامه نسیم‌جنوب، با عباس عاشوری‌نژاد، استاد دانشگاه و عضو هیئت منصفه مطبوعات در مورد ارزیابی این جلسه گفتگوئی صورت گرفت که توجه خوانندگان عزیز را به آن جلب می‌کنیم:

برگزاری دادگاه علنی رسیدگی به شکایت ناحیه انتظامی بوشهراز هفته‌نامه نسیم‌جنوب از چند جهت قابل توجه است:

۱ـ دادگاه مذکور اولین تجربه محکمه رسیدگی به یک جرم مطبوعاتی بصورت علنی و باحضور هیئت منصفه بود که این تجربه با مساعدت و همراهی قاضی پرونده در فضایی کاملاً معقولانه و بی‌طرفانه برگزار شد.

۲ـ «ژوری» یا هیئت منصفه درحقیقت حضور و دخالت وجدان عمومی در محاکمات است و به این لحاظ تشکیل دادگاه علنی باحضور هیئت منصفه فی‌نفسه نشانی از حاکمیت ملی و تحقق دمکراسی دارد.

۳ـ در جریان برگزاری این محکمه، گردانندگان مطبوعات استان به شکل ملموستری دریافتندکه با درج هرگونه مطلبی در قبال وجدان عمومی پاسخگو هستند.

۴ـ رأی قاطع هیئت منصفه مبنی بر تبرئه مدیر مسئول هفته‌نامه نسیم‌جنوب از اتهام ناحیه انتظامی نشان داد تا زمانی که مطبوعات از حدود عدالت خارج نشده‌اند و از حقوق عمومی دفاع می‌نمایند از آنها در مقابل هر قدرتی دفاع خواهد شد.



۵ـ نتیجه رأی هیئت منصفه این پیام را به شاکیان حقیقی یا حقوقی ابلاغ نمود که در نظام مقدس جمهوری اسلامی تمام گفتار و کردار مسؤلان و ارگانها، نهادها، سازمانها و ... به دقت از سوی مردم نظارت میشود و مردم حق دارند از طریق مطبوعات از حقوق مشروع قانونی خود در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند.

در حاشیه نیز تذکر چندمطلب ضروری است:

۱ـ مطابق احضاریه دادگاه محترم جلسه محاکمه باید ساعت ۹ برگزار میشد این درحالی بود که محکمه با بیش از ۳۰ دقیقه تأخیر آغاز شد و با توجه به اینکه دادگاه مظهر حاکمیت قانون است شایسته بود که جلسه در ساعت مقرر برگزار می‌شد.

۲ـ یک دادگاه علنی با حضور هیئت منصفه قاعدتاً باید در فضایی مناسب برگزار شود. درحالیکه یک اتاق محدود به این امر اختصاص یافته بود بطوریکه عده‌ای از شرکت‌کنندگان نتوانستند در محل محکمه حضور یابند.

۳ـ شایسته بود که برای ورود اعضای هیئت منصفه با نگهبانی هماهنگی صورت می‌گرفت تا این اعضاء با وجود ارائه «برگ احضار» با عنوان «عضو هیئت منصفه» در پشت در و در میان شاکیان و دیگر اربابان رجوع بیش از نیم ساعت معطل نشوند.

۴ـ توقع می‌رفت که دادگاه عمومی طی نامه‌ای محترمانه از اعضای هیئت منصفه برای حضور در محکمه دعوت می‌نمود حال آنکه از طریق همان نوع احضاریه‌هایی که برای متهمان شاکیان ارسال می‌شود بودن اینکه احضاریه حتی در پاکت نامه‌ای گذاشته شود، روز و ساعت برگزاری و جلسه محاکمه به اطلاع اعضا رسید. خداوند ما را در طریق عبادت خویش و خدمتگزاری به مردم شریف ایران هدایت کند.

متن دفاعیه زیبا هوشیار، وکیل مدیر مسئول هفته‌نامه نسیم جنوب در دادگاه مطبوعات

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اصل ۲۴ قانون اساسی - نشریات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند. با شرح موارد زیر و در تکمیل دفاعیه موکل، آقای یونس قیصی‌زاده (مدیرمسئول و سردبیر هفته‌نامه نسیم‌جنوب) و در پاسخ به اتهام وارده به وی موارد زیر را اختصاراً شرح می‌دهم:

الف: ایراد شکلی وارده

۱- حسب ماده ۲۳ قانون مطبوعات مصوب ۶۴/۱۲/۲۸، «هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افتراء، یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی و حقوقی) مشاهده شود، ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یکماه کتباً برای آن نشریه بفرستد و نشریه مزبور مکلف است اینگونه توضیحات و پاسخها را در یکی دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر شود در همان صفحه و



ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده مجانی به چاپ برساند...» و در تبصره ۳ ماده مذکور آمده است: تبصره ۳ «در صورتیکه نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد شاکی می‌تواند به دادستان عمومی شکایت کند و ...»

بنابراین شاکی محترم ابتدا می‌بایست اعتراضیه خود را به دفتر روزنامه تحویل و چنانچه از چاپ آن در همان ستون در شماره‌های بعد امتناع می‌گردید به دادگاه شکایت نماید.

ب - ایرادات ماهوی

۱- هفته‌نامه نسیم‌جنوب از جمله نشریاتی است که در این استان با نام هفته‌نامه فرهنگی، ورزشی، اقتصادی با طی مراحل مقدماتی و گذراندن دوران گزینش از ادارات تابعه و خصوصاً اداره کل ارشاد اسلامی اخذ امتیاز نموده است و بلحاظ قدمت فرهنگ غنی این استان، انتشار آن افتخاری است برای مردم این استان.

۲- نشریه مزبور بنا به رسالت و حقوق محوله در ماده ۳ از قانون، فوق الذکر، انتشار مقالات و اخبار ورزشی، فرهنگی و اقتصادی را به عهده داشته و وظیفه نشر انتقادات سازنده مردم را به عهده دارد کمااینکه کلیه سوابق در دفتر روزنامه موجود است.

۳- اتهام وارده به موکل درخصوص انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «آقایان یگان ویژه با جوانان خوش‌برخوردتر باشید» که بوسیله یکی از دانش‌آموزان مدرسه نمونه شهید مطهری عنوان گردیده و در پیش شماره هفته‌نامه نسیم‌جنوب به شماره ۱۴ در تاریخ ۷۷/۳/۱۸ منتشر گردیده است می‌باشد که در اینخصوص موارد زیر بیان می‌گردد:

الف - همانگونه که از عنوان مقاله استنباط می‌گردد «آقایان یگان ویژه با جوانان خوش‌برخوردتر باشید» و علیرغم اینکه شاکی محترم به صورت مجرد و گزینشی عبارت خاصی را از این مقاله مستند قرار داده است باید گفت که استفاده از صفتت تفضیلی «تر» در آخر کلمهٔ «خوش‌برخوردتر» انتقاد محترمانه‌ای که به مأمورین یگان ویژه گردیده است و نشانی خدای‌ناکرده از توهین نبوده، چراکه در هنگام توهین کلمات بدین صورت استفاده نمی‌گردد.

ب - وجود اعضای مؤمن و صدیق به انقلاب اسلامی در هفته‌نامه مزبور و خصوصاً مؤسسین آن، اعتقاد راسخ آنان به ولایت فقیه و انقلاب اسلامی می‌باشد چه آنکه صاحب امتیاز آن آقای دکتر خلف‌پور از جمله جانبازانی می‌باشد که مدتهای زیادی از جوانی خود را در جبهه‌های جنگ تحمیلی گذرانده است و دیگر آقای یونس قیصی‌زاده (موکل) که نامبرده نیز فرزند شهید بوده که علاوه بر اینکه پدر وی به درجه رفیع شهادت نائل گردیده خود نیز حضور فعال در جبهه‌های جنگ داشته و در هنگام تحصیل از دانشجویان ممتاز دانشگاه شیراز و اکنون بعنوان کارشناس نمونه سازمان برنامه و بودجه می‌باشد. از دیگر اعضاء و مؤسسین نیز می‌توان از آقای مهندس بنجاری نام برد که مشارالیه نیز برای حفظ مرزهای کشور اسلامی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در جبهه‌های جنگ تحمیلی حضور داشتند و علاوه بر اینکه اکثر اعضاء تحریریه روزنامه نیز از افراد بسیجی و معتقد به ولایت فقیه و انقلاب اسلامی

می‌باشند که متأسفانه این امر در شکایت شاکی لحاظ نگردیده است.

ج - شاکی در شکایت خود برداشت ناصحیح از مقاله را بدین صورت اعلام داشته‌است که: «همچنین یک ارگان اسلامی و تحت امر ولایت فقیه را نهادی خشن، غیراسلامی، مخالف جامعه اسلامی و پیرو فرهنگ غرب قلمداد نموده است.» در جایی که خدمات ارزنده مؤسسین و سایر مسئولین هفته‌نامه نشانگر ایمان آنها به ولایت فقیه و انقلاب اسلامی می‌باشد نه تنها توهینی به شخص حقیقی و یا حقوقی روا نمی‌دارد بلکه به لحاظ رسالتی که به عهده دارد از باب نهی از منکر، انتقاد نموده است و همانگونه که در سطر ۲۲ این مقاله نیز آمده است: «در اینجا از مسئولین محترم این یگان خواهشمند است از خشونت خود کاسته و برای جوانان ارزش بیش‌تری قائل شوند.» که در اینجا علاوه بر اینکه تقاضای خود را بصورت خواهش بیان نموده مجدداً از کلمه صفت تفضیلی «تر» استفاده نموده است.

د - هفته‌نامه موکل به استناد ماده ۳ قانون فوق‌الذکر، بیان اظهارات واقعی و انتقادات سازنده مردم را از جمله وظایف خود دانسته و می‌داند و خصوصاً در مورد جوانان نیز این امر بیشتر به چشم می‌خورد زیرا که این جوانان آینده‌سازان این مملکت هستند و هرگونه برخورد ناصحیح می‌تواند آنان را به سوی فرهنگی ناخواسته کشانده که عواقب آن نه تنها به نفع آنان نیست که مضر به حال جامعه نیز می‌باشد و چه بهتر که شرایطی فراهم گردد تا از بروز این مشکل جلوگیری شود زیرا همانگونه که یکی از مسئولین طراز اول کشورمان نیز در دیدار جوانان فرمودند که حرمت جوانان را نگهدارید، مبادا عملی انجام دهید که فکر کنند نظام برای آنها حرمت قائل نیست چه آنکه نظام برای آنها بی‌حرمت می‌شود لذا با توجه به اینکه همین جوانان مدیران آینده این مملکت هستند و همین جوانان بودند که انقلاب اسلامی را به رهبری امام راحلمان (ره) به پیروزی رساندند، همین جوانان بودند که لانه جاسوسی امریکا را تسخیر نمودند و ۱۶ آذر را آفریدند، بنابراین اگر فقط شیوه ما درس دادن به جوانان باشد نمی توانیم از آنان مدیر بسازیم، باید با آنها همراه بوده و مشارکت روانی و بدنی داشته باشیم و آنها راکمک نمائیم، از آنها نظرخواهی کنیم چرا که باید نظر جوان مطرح شود، بنابراین بصرف انتشار نظر سازنده احدی از جوانان این شهر نبایست مطبوعات را به دادگاه کشانید و جلوی انتشار نظرات آنها سد نمود زیرا چرخهای سازندگی مملکت در دستهای پرتوان آنها خواهد بود و اگر به آنها نظراتشان اهمیتی داده نشود چه بسا که سرخورده و دلسرد شوند که در اینصورت مصیبت نازل می‌گردد.

هـ - شاکی محترم بدون تفکیک معانی انتقاد و توهین و یا اظهار خلاف واقع، موکل را متهم به درج مطالب اهانت‌آمیز نموده است، درحالیکه مطبوعات بنا به رسالتی که بر دوش دارند و حدودی که قانون برای آنها تعیین نموده است، حق انتقاد برای آنها محفوظ است و استفاده کلمه توهین بجای انتقاد توسط شاکی، نشانگر عدم استنباط صحیح از انتقاد است و مضمون مقاله مذکور جنبه انتقادی دارد و لاغیر و اعلام مطالبی نیست که بتوان جرم محسوب داشت و برای آن مجازاتی تعیین نمود، ذکر کلماتی همچون مطالب غیرواقع و یا اهانت‌آمیز کافی نیست باید مصداق داشته باشد و اگر قرار بر این باشد که انتقاد را جرم بحساب آوریم، این خود حربه‌ای است برای ازدست رفتن رسالت روزنامه‌ها، در حالیکه به تعبیر اسلامی، مطبوعات جانشین نهاد امر به معروف و نهی از منکر هستند، باید هر چه که به نظرشان قابل انتقاد است و می‌بینند، بگویند چرا که جای پاسخگونی مردم و خصوصاً مسئولان محفوظ است، زیرا اگر انتقادی نباشد مملکت رو به اصلاح نمی‌رود، زیرا انتقادات مزبور سازنده است و اگر قرار بر این باشد که مطبوعات انتقاد نمایند و یا اینکه انتقادات آنها را به صورتی دیگر تعبیر کنند پس باید آنها را تعطیل نمود زیرا که کار مطبوعات همین نظارت کردنها است و همانگونه که قانون اساسی مردم را در بیان عقیده آزاد گذاشته است و مطبوعات در انتشار بیان آن می تواند کمکی باشد پس چرا انتقاد آن جوان دانش‌آموز که جنبه اصلاحی دارد را بصورت جرم دیده و به محاکمه کشانده‌اند.

> **استفاده کلمه توهین بجای انتقاد توسط شاکی، نشانگر عدم استنباط صحیح از انتقاد است. ذکر کلماتی همچون «مطالب غیرواقع» و یا «اهانت آمیز»، کافی نیست و باید مصداق داشته باشد و اگر قرار بر این باشد که انتقاد را جرم بحساب آوریم، این خود حربه‌ای است برای ازدست رفتن رسالت مطبوعات**

درخصوص اتهام وارده به موکل تحت عنوان نشر اکاذیب توجه دادگاه محترم و اعضاء هیئت منصفه به موارد زیر جلب می‌نمایم:

الف - در تشکیل هر جرمی عناصری باید موجود باشد که آن عبارت است از عنصر معنوی، مادی و قانونی، اتهام انتسابی به موکل تحت عنوان نشر اکاذیب فاقد مهمترین عنصر خود یعنی عنصر معنوی می‌باشد زیرا که در هر جرمی که واقع می‌شود می‌بایست سوء نیت مجرم محرز گردد و معلوم و معین باشد درحالیکه موکل در این مورد بخصوص سوءنیتی نداشته و صرفاً حق و حد وظیفه مطبوعاتی وی بوده است که اقدام به چاپ مقاله انتقادی یکی از دانش‌آموزان نموده است بنابراین علیرغم استناد شاکی محترم به مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی، مواد فوق با اتهام انتسابی به موکل مطابقتی ندارد.

ب - نشر اکاذیب همانگونه که در قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی ... اکاذیبی را اظهار نماید یا اعمالی را خلاف واقع بیان نماید...» با توجه به صراحت موجود در ماده فوق، باید گفت که اولاً به لحاظ سوابق موجود و حضور جوانان در دفتر هفته‌نامه و یا وجود دستخطهای جوانان شناخته شده با امضاء ذیل آن این نکته را نمایان می‌سازد که هفته‌نامه نسیم‌جنوب هیچگاه موارد کذبی را منتشر نساخته و چاپ نمی‌کند و علیرغم اینکه حسب عرف مطبوعاتی موجود به صرف اطمینان نسبی از درست بودن موضوع و یا به اصطلاح مقداری آرامش خاطر و اعتمادی برای خود مسئولین که پیدا شد خبر را درج می‌نماید و صرفاً می‌بایست این اطمینان حاصل گردد که خبر کذب نیست چه بسا که این مورد با امضاء و حضور خود شخص در دفتر روزنامه بوده است و امکان تحقیق بیشتر به لحاظ نداشتن دستگاههای اطلاعاتی فراگیر و قوی ممکن نیست بنابراین حصول اطمینان نسبی برای نشر مطالب کافی است.

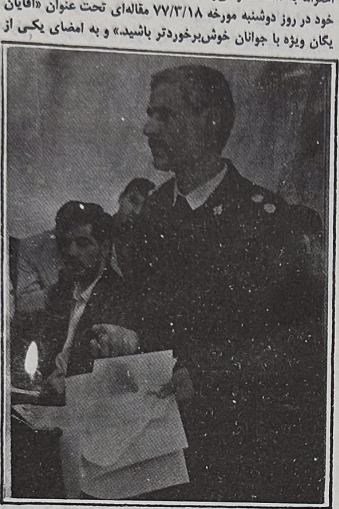
لهذا با عنایت به اینکه هفته‌نامه موکل در جهت انجام رسالت خود اقدام به نشر مقاله نموده است تقاضای رسیدگی و صدور حکم بر برائت موکل را دارد.

متن شکایت نماینده نیروی انتظامی از مدیر مسئول نسیم جنوب در دادگاه مطبوعات

با درود به ارواح طیبهٔ شهدا جنگ تحمیلی و تبریک به حضار محترم به مناسبت عید سعید فطر و با عرض سلام و ادب خدمت اعضای محترم هیئت منصفهٔ دادگاه و ریاست محترم دادگاه.

احتراماً نسیم جنوب در چهاردهمین پیش شماره خود در مورخ ۷۷/۳/۱۸ در ستونی با عنوان «آقایان یگان ویژه با جوانان خوش‌برخوردتر باشید» مطلبی را به نقل یکی از دانش‌آموزان مدرسه شهید مطهری نمونه فرهنگیان چاپ نموده است که ناحیه انتظامی بوشهر در مورخه ۷۷/۵/۱۵ شکوایه‌ای به شرح زیر به ریاست محترم دادگستری استان بوشهر تسلیم نموده است. متن شکایت ناحیه انتظامی بوشهر:

احتراماً به استحضار می‌رساند هفته‌نامه مذکور در پیش شماره ۱۴ خود در روز دوشنبه مورخه ۷۷/۳/۱۸ مقاله‌ای تحت عنوان «آقایان یگان ویژه با جوانان خوش‌برخوردتر باشید.» و به امضای یکی از



دانش‌آموزان مدرسه شهید مطهری به چاپ رسانیده که در قسمت عمدهٔ مقاله با جملات «از اسلام چهره‌ای خشن ساخته‌اند که در آن نباید جوانان مرتب باشند و با موی آراسته و لباس تمیز و مرتب در اماکن ظاهر گردند» یا «جوانی که مرتب است و پوشش آن با مد غربی و فرهنگ غربی تناسب ندارد، باید مورد بازخواست قرار گیرد» و همچنین با بکار بردن و تکرار الفاظ خشونت یگان ویژه در فرازهایی از مقاله مذکور قصد مشوش کردن اذهان عمومی را داشته و همچنین یک ارگان اسلامی و تحت امر ولایت فقیه را نهادی خشن و غیراسلامی، مخالف جامعه اسلامی و پیرو فرهنگ غرب قلمداد نموده است. برای این از آن مقام محترم خواهشمند است دستور فرمائید با عنایت به درج مطالب غیرواقع و اهانت‌آمیز نسبت به یگان مذکور به خصوص ترسیم چهره‌ای غیرواقع و خاص از این یگان ویژه در جامعه و مشوش نمودن اذهان عمومی با عنایت به مادتین ۶۹۷و۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوبین را تحت پیگرد قانونی قرار داده و از نتیجه تصمیمات قضائی ناحیهٔ انتظامی را مطلع فرمایند. این جانب سرهنگ دوم قضائی احمد محققی نماینده قضایی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با تسلیم نمایندگی شماره ۴۰۱۱۵۷۹۷ مورخ ۷۷/۱۰/۲۷ مطالبی را در دفاع از شکایت مطروحه و مواضع نیروی انتظامی به شرح ذیل به عرض می‌رسانم:

۱- اعضای محترم هیئت منصفه مطبوعات و ریاست محترم دادگاه، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در استان وظایف و تکالیفی که در مقام ضابط قوه قضائیه به عهده‌اش محول گردیده به صراحت جزءِ جیم از بند ۶ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی یکی از آن وظایف مبارزه با منکرات و فساد می‌باشد و انجام این مهم در حال حاضر با توجه به نفوذ و تأثیرات فرهنگهای بیگانه در جامعه اسلامی از اهمیت خاص برخوردار بوده و همواره از سوی مقام معظم رهبری و سایر مسئولین نظام مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و لذا عدم برخورد اصولی و قاطع نیروهای انتظامی با مسائل و موارد منکراتی، هر آئینه این نیرو را از رسالت و وظایف خویش دور خواهید نمود ۲- با دقت و توجه به طریقه انشای مقاله ملاحظه خواهید فرمود

که نویسنده مقاله پس از تأیید کار گشت قوامین در پرداختن به نحوهٔ عملکرد گشت یگان ویژه بدون ذکر حتی یک مورد از چگونگی نحوهٔ عمل گشت یگان ویژه با ذکر کلمهٔ تأسف، (عنوان می‌کند) ابتدای کار و شروع فعالیت یگان ویژه را با خشونت آغاز و بلافاصله اظهار داشته هر روزه نیز به دامنه خشونت خود می‌افزاید و در یک نتیجه‌گیری عجولانه اعلام می‌دارد این کار آنها باعث می‌شود که عده‌ای از جوانان از اسلام و جامعه اسلامی و مدنی دور شوند. نیروی انتظامی با تأکید و توجه به حقوق مسلم مطبوعات و رسالت آن مبنی بر درج نظرات، انتقادات سازنده و پیشنهادها انتظار دارد که به هنگام درج اخبار مربوط به این نیرو شرایط مقرر در تبصره ماده ۳ قانون مطبوعات در باب انتقاد سازنده که همانا استدلال، دارا بودن منطق و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد رعایت گردد لیک توجه و ملاحظه می‌فرمائید که در مطالب منتشره هیچ یک از موارد مزبور مورد نظر بنده نبود و با ترسیم ساختن چهره‌ای خشن از یگان ویژه و نیروی انتظامی سعی در تخریب وجهه ناجا نیروی انتظامی شده است. اعضای محترم هیئت منصه، ریاست محترم دادگاه! نکته قابل توجه و اساسی دیگری که صراحتاً در مقاله بدان پرداخته شده است برخورد نیروی انتظامی با جوانانی است که دارای ظاهری آراسته و لباسی تمیز و موی مرتب بوده و در اماکن عمومی ظاهر می‌شوند به عبارتی (وانمود شده) جوانانی که با تذکرات و ارشادات گشت یگان ویژه و نیروی انتظامی مواجه می‌باشند صرفاً از جوانانی هستند که دارای ظاهری آراسته و البسه تمیز باشند و به همین سبب مورد عقاب و بازخواست نیروی انتظامی قرار می‌گیرند. صرف نظر از اینکه سوابق موجود در رابطه با جوانانی که این نیرو با آنان برخورد شده بر خلاف اظهارات و مطالب منتشره می‌باشد نویسنده مقاله در مورد القای این تفکرات است که اشخاص دارای ظاهری آراسته مورد بازخواست قرار می‌گیرند و در مفهوم مخالف افرادی از جامعه که اهمیتی به نظافت و آراستگی ظاهر قائل نیستند از مصونیت برخوردار بوده و هیچ برخوردی با خلاف آنان نمی‌شود. بهتر است به شعار بهداشتی النظافة من الایمان در دین مبین اسلام اشاره بنمایم و در خصوص صحت و سقم مطالب منتشره در هفته‌نامه نسیم‌جنوب آن را به نظر اعضای محترم هیئت منصفه مطبوعات و ریاست محترم دادگاه موکول بنمایم.

۴- در ادامه مقاله سؤالی بدین شکل مطرح شده «آیا جوانی که لباس و موی او مرتب است و البته نحوه پوشش او با مد غربی و فرهنگ غربی تناسب ندارد باید مورد بازخواست قرار گیرد؟» دقت و امعان نظر در سؤال مطروحه در هفته‌نامه نسیم‌جنوب سؤال دیگری را در ذهن تداعی می‌کند و آن اینکه آیا تنها دلیل برخورد نیروی انتظامی با جوانان نظافت و آراستگی وضع ظاهر آنان است یا اینکه دلایل دیگری می تواند مؤثر در اقدام باشد؟ برای روشن شدن پاسخ سؤال دوم مراجعه به سوابق موجود در ناحیه انتظامی بوشهر یک راه حل آسان خواهد بود و به سهولت مشخص خواهد شد جوانان مورد نظر نویسنده نه تنها دارای ظاهر آراسته نمی‌باشند بلکه پوشش و نحوه لباس آنان متأثر از الگوهای فرهنگ غربی است و مسئله قابل توجه دیگر اینکه مسئولین یگان ویژه ناحیه انتظامی بوشهر هیچگاه صرفاً ظاهر اشخاص را دلیل موجهی برای برخورد با آنان ندانسته و آنچه باعث برخورد می‌باشد افعال خارج از شئونات اسلامی، قانونی و عرفی آنان می‌باشد.

۵- نویسندهٔ مطلب در خاتمه با شگردی زیرکانه و خاص و به منظور نتیجه‌گیری سیاسی و جناحی اعلام داشته در ذهن بعضی از جوانان شهر اینطور تداعی شده که این یگان می‌خواهد با این کارها بگوید که این دستور رئیس‌جمهوری منتخب جوانان است و می‌خواهند آقای خاتمی را در ذهن جوانان خراب کنند. توجه به چگونگی انشاء مطالب و برداشت غیرمنطقی مبتی بر اینکه نیروی انتظامی برخلاف نظرات و خط مشی ریاست محترم جمهوری می‌باشد، نتیجتاً سعی در القای ذهنیتی سوء مبنی بر عدم همکاری و هماهنگی و همسویی بین نیروی انتظامی و ریاست محترم جمهوری داشته و لذا یک مسئله قضائی را به نوعی مسئله سیاسی و جناحی معرفی نموده و نیرویی را که مستقیماً در تابعیت معظم رهبری انجام وظیفه می‌نماید به وابستگی سیاسی و جناحی متهم می‌نماید.

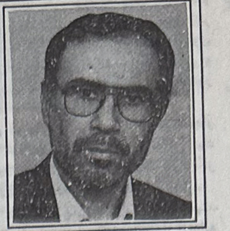
۶- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران چاپ مطالب غیرواقع و کذب در هفته‌نامه نسیم‌جنوب را به دلایلی که در بالا بدان اشاره شد با سوءنیت تلقی کرده و با توجه به اینکه چاپ اینگونه مطالب زحمات شبانه‌روزی و بی‌دریغ پرسنل خدوم و جان بر کف این نیرو را که در راستای انجام وظایف و مأموریتهای خاص شهدای فراوانی تقدیم نموده و می‌نماید را نادیده گرفته و حیثیت عمومی و اجتماعی نیروی انتظامی را خدشه‌دار می‌نماید.

لذا به استناد تبصرهٔ ذیل ماده ۵ قانون مطبوعات و مادتین ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی تقاضای تعقیب کیفری مدیرمسئول هفته‌نامه موصوف را دارد.

من عرضی ندارم و فقط یک صحبتی را در حاشیه خدمتتان عرض می‌نمایم.

کسی که بیمار است موقعی که به دکتر مراجعه می‌کند بلافاصله یک ازمایش می‌نویسند، سریع دکتر می‌گوید آقا، این شخص را باید عمل کنید، یعنی می‌برد زیر تیغ جراحی. آیا اینجا صلاح بیماران را درنظر می‌گیرد یا اینکه صلاح خودش را؟ اگر فکر کنید که دکتر بخاطر واقعاً نفع مادی اینکار را می‌کند اصلاً درست نیست. یک نکته را هم در این رابطه من اشاره می‌کنم و آن این است که یگان ویژه نیروی انتظامی شکل ظاهر و یونیفرمش با سایر پرسنل نیروی انتظامی فرق می‌کند به سبب ضرورتهایی که نیروی انتظامی تشخیص داد. الان صرفاً یگان ویژه کارش در شهرها نیست مستحضر هستید، نیروی انتظامی به واسطهٔ ضابطه قوه قضائیه بودن وظایف متعددی را انجام می‌دهد، اینها در عملیات شرکت می‌کنند و مسائل خاص مخصوص به خودشان را دارند که این یونیفرم که آن هم درواقع یک تأثیر روحی در شخص همان پرسنل یگان ویژه خواهد داشت یعنی کسی که آن یونیفرم را با آن شکل می‌پوشد از نظر روحی تقویت می‌شود. خوب حالا امکان دارد جوانی این را ببیند و وحشت بکند، آیا واقعاً کار یگان ویژه باعث شده که به فرض این آقا بترسد یا مثلاً حتی وقتی با آنها صحبت می‌کنند فکر می‌کنند که برخوردی خشن است. طبیعت کار اینها ایجاب می‌کند.

> ## سرکار خانم، زیبا هوشیار
> ### وکیل پایه یک دادگستری بوشهر
> **بدینوسیله از دفاع مستدل و منطقی شما از مدیر مسئول هفته نامه نسیم جنوب در اولین دادگاه مطبوعاتی استان بوشهر، در رسیدگی به شکایت ناحیه انتظامی بوشهر، که باعث تبرئه مدیر مسئول هفته نامه نسیم جنوب گردید، تشکر و قدردانی می‌شود.**
>
> «هیئت تحریریه هفته نامه نسیم جنوب»



همگام با انقلاب در بوشهر

«خاطرات علیرضا مظفری‌زاده از مبارزات و فعالیتهای سیاسی - مذهبی قبل از انقلاب در بوشهر»

جلسات دعا و قرآن، انجمن مبارزه با بهائیت - زندان ساواک و شهربانی

«قسمت دوم»

از حدود سال ۱۳۴۷ مطالعاتم گرایش مذهبی بیشتر پیدا کرده بود. ابتدا در جلسات تفسیر قرآن که شبهای شنبه توسط حجت‌الاسلام نبوی در مسجد فیل (امام حسن مجتبی فعلی) برگزار می‌شد شرکت می‌کردم. رژیم شاه با ظاهر قرآن و دعا مخالفتی نداشت اما از فهم و درک صحیح دین و مطابقت آن با شرایط عصر هراس داشت. فکر می‌کنم زمستان سال ۱۳۴۹ بود. با تعدادی از دوستان شبانه از دواس و مخ‌بلند با دوچرخه خودمان را به مسجد فیل رساندیم. درحالیکه عده‌ای عمدتاً جوان در مسجد حضور یافته و باعلاقه به تفسیر قرآن گوش می‌دادند، آن روز خواننده‌ای زن از بلندگوی قوی مراسمی به نام «گاردن پارتی» که در محل سینمای واقع در ضلع شمالی جایگاه پمپ بنزین شهر برگزار می‌شد آن را تحت‌الشعاع قرار می‌داد.

جلسات دیگری از جمله دعای ندبه بعد از ظهر جمعه‌ها در مسجد محله دواس تشکیل می‌شد. در این جلسات با افرادی مانند محمدحسین جمشیدی و عبدالله فاتحی آشنا شدم. در دعای ندبه روی عشق و علاقه به امام زمان(عج) تبلیغ بیشتری می‌شد. گاهی در جلسات از نوارهای مرحوم کافی و مرحوم شیخ محمود حلبی برای گرم کردن مجلس استفاده می‌شد. گرایش اصلی جلسات امام زمان (عج) باعث شده بود که اینگونه به ما القاء کنند که دشمن اصلی مسلمانان، بهائیان هستند. اینگونه تفکرات و تبلیغات ما را به سوی جلسات جداگانه‌ای برای مبارزه با بهائیت کشانید. جلسات در خانه‌های اعضاء تشکیل می‌شد و حالتی نیمه مخفی داشت. افرادی از انجمن مبارزه با بهائیت فارس برای تبلیغ و تدریس تاریخ بهائیت و آشنا کردن اعضاء با عقاید بهائیان به بوشهر می‌آمدند. هدف این بود که پس از آشنا شدن ما با تاریخ و معتقدات بهائیان بتوانیم با آنها مباحثه و مجادله کرده و آنها را به دامن اسلام راستین برگردانیم. از جمله کسانی که از شیراز می‌آمدند آقایان راسخ و حق نگهدار بود. ما مطالب را در دفتری یادداشت می‌کردیم تا با از بر کردن مباحث بتوانیم به موقع از آنها استفاده کنیم. لازم به ذکر است که جلسات ما دوره دوم یا به عبارت امروزی نسل دوم از انجمن مبارزه با بهائیت* در بوشهر بود. قبل از ما کسان دیگری این جلسات را تشکیل داده و اداره می‌کردند که احتمالاً بر اثر فشار شهربانی برای تعهد گرفتن از آنان که در امور سیاسی مداخله نکنند به تعطیلی کشیده شده بود. از جمله این افراد آقایان سمیرونی و سرمدی بودند.

جالب اینکه بعد از دستگیری گروه ما و تعطیل شدن جلسات، افراد دیگری دوره سوم انجمن را تشکیل دادند که تا پیروزی انقلاب ادامه یافت. در این دوره نیز آقایان افضلی‌نژاد و عباسی و عده‌ای دیگر فعالیت می‌کردند. جلسات ما تا سالهای ۵۱ـ۵۰ ادامه یافت. هنگامی که باخبر شدیم یک فعال بهائی وارد بوشهر شده تیم تعقیب و مراقبت تشکیل دادیم و منزلی که او واردش شده بود و افرادی را که در آنجا رفت و آمد می‌کردند کنترل می‌کردیم و گاهی از سر شب تا صبح کشیک می‌دادیم.

این جلسات در اواخر از هدف مورد نظر خارج شده و به صورت پوششی برای فعالیتهای سیاسی درآمده بود. همین که مبلغ یا مدرس اعزامی از شیراز بحث خود را تمام می‌کرد و می‌رفت، عده محدودتری از اعضاء می‌ماندند و آخرین اطلاعیه‌ها، نوارها و یا کتابهای مذهبی - سیاسی روز در جلسه مطرح می‌شد و اخبار سیاسی مبادله می‌گردید. گاهی هم اعلامیه یا نوار سخنرانی حضرت امام مخصوصاً پیام مفصل ایشان علیه جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی که از رادیو بغداد هم پخش شده بود، یا کتابهای دکتر شریعتی و نوارهای سخنرانی او در حسینیه ارشاد تهران در این جمع توزیع می‌گردید. بعد از برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله در مهر ۱۳۵۰ جو جلسات داغتر و تصمیم اعضاء برای فعالیت علیه رژیم شاه جدی‌تر شد البته این فعالیتها جنبه مسلحانه به خود نگرفت. در این جلسات آقایان ابراهیم روشن‌بین، عبدالله فاتحی، غلامرضا دوراهکی، محمد و علی قنبرپور، سیدحسین موسوی‌نژاد، عبدالرحمان تنگستانی و عده‌ای دیگر شرکت می‌کردند.(جا دارد یادی نیز از شیخ ابوتراب عاشوری داشته باشم که درپاره‌ای از جلسات خصوصی شرکت می‌کرد و مشوق و راهنمای خوبی برای برادران بود.) در زمینه تکثیر اعلامیه‌ها، آنچه که در بوشهر تایپ شده و با وسایل ابتدائی مثل استفاده از کاغذ کاربن تکثیر می‌گردید به شهرهای دیگر از جمله کازرون فرستاده می‌شد و برای ردگم کردن اعلامیه‌های تهیه شده در کازرون نیز در بوشهر پخش می‌گردید. ضمناً چون مسئولان رژیم شاه حساسیتی خاص روی اسم امام خمینی داشتند بنابراین دوستان در هنگام توزیع رساله عملیه امام صفحه اول آن را برداشته و برگه‌ای با نام یکی دیگر از مراجع بجای آن می‌گذاشتند.

در آن دوران سخن گفتن علیه دستگاه حکومتی به صورت باز و صریح غیرممکن بود، مگر برای آنهایی که در خارج از کشور بسر می‌بردند. پس از کشف سازمان چریکهای فدایی خلق در سال ۱۳۴۸ و علنی شدن فعالیت سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۵۰ فشار و سرکوب و اختناق رژیم دو چندان شد. شاه در مهرماه ۱۳۵۰ تحت تدابیر شدید امنیتی جشنهای ۲۵۰۰ ساله را در محل تخت جمشید برگزار کرد. او خود را در اوج قدرت می‌دید. رژیم دو سازمان مسلح زیرزمینی راکشف و سرکوب کرده بود و چون احتمال می‌داد که



بوشهر زمستان ۱۳۴۹ ساحل دستک
از راست به چپ: محمدتقی حسانی، ابراهیم فقیه ،ایرانی، عبدالله فاتحی، احمد سنائی، علیرضا مظفری‌زاده، عبدالمجید واعظی، شهید سیدمیربهزاد شهریاری

هنوز هم مخالفانی فعالیت کنند با تشکیل کمیته مشترک ضد خرابکاری مرکب از شهربانی و ساواک قلع و قمع وسیع مخالفان و معارضان را در سراسر کشور آغاز نموده و زندانها را پر کرد. زندانهای جدید یکی پس از دیگری افتتاح می‌شد. زیرا رژیم قصد داشت با استفاده از شیوه‌های ارعاب و سرکوب هر صدای مخالفی را خفه کند.

در سال ۵۰ـ۱۳۴۹ دکتر عبدالکریم سروش دوره سربازیش را در بوشهر می‌گذرانید. جلساتی با حضور او (که نامش در آن موقع حسین حاج فرج دباغ بود) و عده‌ای از افراد علاقمند بصورت مرتب در منازل مختلف تشکیل می‌گردید. او که دکتر داروسازی هم بود و در داروخانه دولتی بوشهر کار می‌کرد، موضوعی را که انتخاب کرده بود بحث خداشناسی بر مبنای برهان نظم بود. در این جلسات نیز آقایان سیدمحمدحسن نبوی، حسین زارعی، ابراهیم روشن‌بین، شهید محمدعلی کامکاری، احمد معصومی، برادران قنبرپور، عبدالرحمن تنگستانی، ذوالقدر، خداکرم حیدرزاده و دیگران شرکت می‌کردند.

در تابستان سال ۵۱ به اتفاق برادران عبدالله فاتحی و حسین جمشیدی دست به یک سفر تحقیقی از بوشهر به مشهد زدیم و در شهرهای مسیر از جمله اصفهان، تهران و قم اقامت کوتاهی داشتیم. در قم مصاحبه‌ای را با آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در دفتر مجله «مکتب اسلام» ترتیب دادیم. در تهران از محضر مرحوم استاد محمدتقی شریعتی در حسینیه ارشاد استفاده بردیم و در مشهد نیز نزد شیخ علی تهرانی که نماینده امام در آن استان بود رفتیم و وجوهات دینی را که بدهکار بودیم به او سپردیم. در آن زمان دسترسی به نظرات فقهی و فتاوای امام بسیار مشکل بود. استفتائات خود را توسط اشخاص امین برای دوستان حاج احمد حیدرزاده که در کویت کار می‌کرد می‌فرستادیم و او از آنجا آنها را به عراق می‌فرستاد و پاسخ از دفتر امام می‌گرفت و برای ما برمی‌گرداند.

قبل از دهه ۴۰ مارکسیستها در بین جوانان بخصوص در دانشگاه‌ها توانسته بودند جای پاهایی را بیابند. کتب مذهبی که جوانان آن روز را درک کند و جوانان هم آنها را درک کنند یا نبود یا بسیار کم بود. گرچه دین به شکل سنتی در بین مردم رواج داشت اما ابعاد مبارزاتی و ضداستعماری راکه طرفداران مکتب‌مارکسیسم‌مطرح‌می‌کردندبسیاری از جوانان کم‌اطلاع اما عدالت‌طلب آن روز را به خود جلب می‌کرد. روحانیت و بطور کلی تشکیلات مذهبی آن روز هم نتوانسته بود خود را به هنگام و به روز کند و به پرسشهای جوانان پاسخ دهد و آنان را از سقوط به دامان مکاتب الحادی شرقی یا لذت‌گرایی غرب برهاند. در دهه ۱۳۴۰ و مخصوصاً بعد از ۱۵ خرداد ۴۲ روحانیت ما کمی تکان خورد و در اواخر دهه افرادی همچون شهید مطهری، مرحوم طالقانی، شهید باهنر، شهید بهشتی، شهید مفتح، علی گلزاده غفوری، مرحوم محمدتقی جعفری، علی حجتی کرمانی، مرحوم محمدتقی شریعتی و دیگران کار فرهنگی وسیعی را آغاز کردند. گرچه بعضی از آنها مانند طالقانی و شریعتی فعالیتهای سیاسی - فرهنگی را سالها پیش از این شروع کرده بودند. در کنار آنها افرادی مانند دکتر شریعتی، مهندس بازرگان، دکتر سحابی و ده‌ها دانشمند غیرروحانی دیگر به روشنگری نسل جوان و آشنا کردن آنها با چهره واقعی و زیبای اسلام می‌پرداختند. این تلاشهای فرهنگی همراه با فعالیتهای سیاسی علیه رژیم شاه کار خود را کرد و چند سال بعد زمینه را برای حرکت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی فراهم نمود.

در نیمه دوم سال ۵۱ بر اثر مطالعه کتب دانشمندان اسلامی و قرار گرفتن در جریان فعالیتهای سیاسی مبارزان ضدحکومت شاه، فعالیت گروه غیرمنسجم ما هم بیشتر شد. مخصوصاً بعد از سفر ۲۰ روزه مشهد. متأسفانه بر اثر بی‌احتیاطی یکی از افراد گروه، یک نفر از مأموران ساواک در جمع ما نفوذ کرد و چندین ماه جلسات و رفت و آمدهای برادران را زیرنظر گرفت و در نتیجه در روزهای هفتم و هشتم اسفندماه ۱۳۵۱ منازل ما مورد هجوم مأموران ساواک واقع شد. بعد از نماز صبح روز هشتم ساواکی‌ها به خانه ما ریختند. مادر و بستگانم به خیال اینکه آنها دزدند کلانتری محل را خبر کردند و سریعاً ۲ نفر پاسبان حاضر شد. مأموران ساواک اکثر کتابهای کتابخانه‌ام را جمع‌آوری کرده و پس از تهیه لیستی از آنها ورقه را به امضای خودشان، خودم و یکی دو نفر شاهد رساندند. هر یک از ما را در یک اتاق جداگانه در ساختمان ساواک واقع در انتهای شمالی خیابان انقلاب فعلی (که تا چند سال پیش محل اداره ثبت احوال شهرستان بوشهر بود) زندانی کرده، بازجوئیها و شدت عملها را تا اواخر اسفند ادامه دادند. آنها برای ردگم کردن آن فرد نفوذی را هم (که در یکی از دبیرستانهای بوشهر کار می‌کرد و بعد از انقلاب اخراج شد) چندروزی بازداشت نمودند. در این یورش ساواک، برادران عبدالله فاتحی، احمد معصومی، سیدمهدی موسوی، عبدالنبی سیمرونی، حسین جمشیدی و بنده بازداشت شدیم و چون اولین دستگیری یک گروه مذهبی بود بازتاب وسیعی پیدا کرد.

فاتحی دانش‌آموز سال آخر دبیرستان بود. معصومی تکنسین مخابرات اهل اراک، موسوی مهندس برق اهل کازرون و شیراز، سیمرونی رئیس بانک ملی بندر ریگ و جمشیدی شاگرد خیاط. یکی دو نفر از افسران و همافران نیروی هوائی پایگاه ششم شکاری بوشهر بنام میران و خاشعی نیز همزمان بازداشت شدند، اما به زندان ساواک و شهربانی آورده نشدند ولی چند ماه بعد که در شیراز در دادگاه نظامی محاکمه می‌شدیم خاشعی را آورده بودند، در مورد میران زیاد اطمینان ندارم. جمشیدی گرچه شاگرد خیاط می‌نمود ولی در هدایت و ارتباط گروه با افراد بالاتر نقش فعالی داشت. جالب اینکه اسم واقعی و شناسنامه‌ای او حسین راستی بود که تا روز بازداشت ما از آن اطلاعی نداشتیم. در آن سال رئیس ساواک سرهنگ خسروزاده و معاون او چهره‌نگار بود. چهره‌نگار بعد از انقلاب مدتی در بازداشت بود و چون خط زیبایی داشت در زندان سپاه دعانویسی می‌کرد. مهمترین و خشنترین بازجوی ساواک شخصی بنام محرم محمودزاده بود. او نیز بعد از انقلاب در تبریز مدتی به زندان افتاد. وقتی در بازداشتگاه ساواک بوشهر بودم یکی از کارکنان آنجا که از بستگان ما بود وقتی برایم غذا می‌آورد می‌گفت: «عمو جان بخور و بگو یا امام زمان!»

گاهی نیز پزشکی را که یکی از افراد محلی بود برای معاینه به سلول می‌آوردند. در اواخر اسفند ماه شبانه ما را به زندان عمومی بوشهر که در محله شیخ سعدون واقع بود منتقل کردند و هر یک از ما را در یک اتاق در کنار زندانیان عادی جای دادند. در مسیر ما از بازداشتگاه ساواک تا زندان شهربانی را هم مأمور مسلح چیده بودند.

---

* انجمن مبارزه با بهائیت مقارن کودتای ۲۸ مرداد توسط شیخ محمود حلبی تأسیس شد. انجمن از طرف رژیم وقت تأیید می‌شد و حتی جمعی از افراد نظامیان بلندپایه در آن عضویت پیدا کرده بودند و این در زمانی است که هویدا نخست‌وزیر و برخی از وزراء متهم به بهائی بودن هستند. این تشکیلات نیروهای مذهبی با استعداد را جذب و فعالیت آنها را در جهت دلخواه خود تعدیل و هدایت می‌کرد. جوانانی را هم که اهل دین و علاقمند به فعالیت و مطالعات مذهبی بودند به ظاهر اقناع می‌کرد زیرا کلمه مبارزه را هم یدک می‌کشید ولی بقول یکی از بزرگان بجای اینکه با غذای سالم نیروهای جامعه را تغذیه کند و راه صحیح را به آنان نشان دهد به آنها آدامس می‌داد. هم دهانشان کمی شیرین و در جنبش بود در نهایت چیزی عایدشان نمی‌شد. نام واقعی انجمن «انجمن خیریه حجتیه مهدویه» بود.

بازرگان و نواندیشی دینی

نظری بر مجموعه آثار مهندس مهدی بازرگان

● سید قاسم یاحسینی

اگر بخواهیم تاریخ روشنفکری مذهبی در ایران را بنویسیم فکر نمی‌کنم کسی مخالف این موضوع باشد که شادروان مهندس مهدی بازرگان یکی از پایه‌گذاران و از رهبران برجستهٔ نسل اول روشنفکری دینی در ایران در سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ به بعد باشد. بازرگان، آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، دکتر یدالله سحابی، سیدغلامرضا سعیدی، محمدتقی شریعتی و دو سه نفر دیگر را باید «نسل اول» تاریخ روشنفکری دینی در ایران به شمار آورد. از میان بازرگان پرکارترین متفکر بود که با تفکر مدام در آیات قرآن و تطبیق آن با اصول علمی روز، سهم انکارناپذیری در نواندیشی دینی معاصر در ایران زمین برعهده داشت.

مهندس مهدی بازرگان تا قبل از کودتای مرداد ۱۳۳۲ اصولاً مردی غیرسیاسی بود و غالباً در زمینه‌های مسائل تئوریک و مبانی اخلاقی و اجتماعی اسلام مطلب می‌نوشت و سخنرانی می‌کرد. اما پس از مرداد ۳۲، ناگهان به میدان سیاست پرتاب شد و دیری نپائید که با عضویت در نهضت مقاومت ملی و سپس تأسیس نهضت آزادی ایران (در اوایل سال ۱۳۴۰) به عنوان یکی از برجسته‌ترین رهبران ملی - مذهبی نسل جوان درآمد، رهبری که تا آن زمان همواره در جناح چپ جبهه ملی دوم قرار داشت.

از آن زمان تا هنگام مرگ، او مرتب در حال نوشتن، تفکر، سخنرانی و مطالعه مشغول بود وی که می‌دانست نسل عاصی و کم‌شکیبای امروز حوصلهٔ مطالعه متون مفصل را ندارد، غالباً کتابهایش را بصورت جزوه‌های کوچک تالیف و منتشر می‌نمود. جزوه‌هائی که اغلب هم بازنویسی سخنرانی‌هایش بود. از مهندس بازرگان در طول زندگی طولانی و پرتلاشش ده‌ها عنوان رساله، مقاله، کتاب، یادداشت روزانه، سخنرانی، تحقیق و مصاحبه بر جای مانده که در زمینه‌های مختلف از مطالب محض علمی گرفته تا مطالعات قرآنی و تأملات دینی و اطلاعیه‌های سیاسی و حزبی می‌باشد. غالب این نوشته‌ها یا در مجلات و نشریاتی است که امروز در دسترس بسیاری نیست یا در کتابها و جزوات منتشر شده که امروز کمیاب و یا نایاب می‌باشد. برای جبران این کمبود و احیای آثار قلمی و گفتاری مهندس بازرگان اخیراً «بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان» در راستای ارائه آثار کاملی از آن مرحوم دست به ابتکار و اقدامی ارزنده زد و آن چاپ و انتشار مجموعهٔ کامل آثار مهندس بازرگان می‌باشد. از این مجموعه تاکنون دو جلد در سال جاری منتشر و قرار است انشاءاله مابقی مجلات که حدوداً بین ۱۰ تا ۱۵ جلد خواهد بود، طی سالهای آینده تدریجاً چاپ و راهی بازار کتاب شود. مهندس بازرگان و مجموعه آثار او از چند نظر مورد اهمیت و توجه است:

۱ـ بازرگان به یک معنا باید پدر علم ترمودینامیک در ایران نامید. او اولین کسی بود که در ایران موفق به اخذ مهندسی ترمودینامیک از دانشگاههای فرانسه (در دوران رضاشاه) شد و در این زمینه دارای تالیف و مقالات باارزشی است.

۲ـ بازرگان یکی از رهبران نواندیش دینی در ایران معاصر است. کسانی که می‌خواهند دربارهٔ تاریخ روشنفکری دینی و سیر تحول و تکامل نواندیشی دینی در ایران تحقیق کنند، از رجوع به آثار وی گریزی ندارند.

۳ـ مهندس بازرگان پایه‌گذار و مغز متفکر سازمان مذهبی - ملی نهضت آزادی ایران و یکی از فعالان بنام نهضت مقاومت ملی بوده است. مورخان و پژوهندگانی که قصد دارند دربارهٔ تاریخ مقاومت مردم ایران در برابر کودتای مرداد ۳۲ و سازمانها و احزاب اسلامی - ملی سالهای اول دهه چهل شمسی مطالعاتی انجام دهند، باید به اعلامیه‌ها، نامه‌ها، اسناد و مدارکی که توسط بازرگان در این زمینه نوشته شده مراجعه کنند.

۴ـ مهندس بازرگان در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۳ دارای پستهای حساس سیاسی از قبیل عضویت در انجمن ایرانی حقوق بشر، عضو اصلی شورای انقلاب، نماینده امام در ماجرای اعتصاب شرکت نفت آبادان، اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران و نماینده اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی بوده است. در این مدت او در موارد متعددی آثار قلمی و سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های زیادی منتشر یا ایراد کرده که به عنوان سند سیاسی برای مورخی که دربارهٔ روند شکل‌گیری سالهای آغازین انقلاب اسلامی سرگرم پژوهش است، بسیار حیاتی و لازم است.

۵ـ از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۳ بازرگان به عنوان رهبر اپوزیسیونی که در چهارچوب قبول انقلاب اسلامی و قانون اساسی در ایران ماند و علیه سیاست حاکم روز مبارزه کرد مشهور عام و خاص است. او در ده سال چندین کتاب و دهها مقاله، مصاحبه، نامه سرگشاده و اعلامیه‌های سیاسی نوشت یا منتشر کرد که هر کدام از ارزش سیاسی ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند برای محققینی که دربارهٔ احزاب سیاسی ایران در این سالها سرگرم مطالعه هستند، مأخذ دست اولی تلقی شود.

بنابر این حرکتی که بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان در جمع‌آوری و تدوین و انتشار مجموعهٔ آثار مهندس بازرگان آغاز کرده از جهت سیاسی، علمی، حزبی، تاریخی و مکتبی و عقیدتی قابل اعتنا و بررسی است و کاری است بسیار ارزنده و ماندگار. از آنجائی که این مجموعه آثار مثل مجموعه آثار مرحوم دکتر علی شریعتی، از این پس یگانه مأخذ مراجعه‌کنندگان به آثار مهندس بازرگان خواهد بود جا دارد تا دست‌اندرکاران دفتر و کسانی که سرگرم گردآوری و تدوین آن هستند، برخی نکات اساسی و مهم را مد نظر قرار داده تا کار برای مراجعه‌کنندگان و خصوصاً محققان آسان‌تر شود:

تاکنون دو جلد از مجموعه آثار مرحوم بازرگان از چاپ خارج شده است. از بررسی این دو جلد ضعفها و نواقص زیر قابل تذکر است که امیدوارم در چاپهای بعد یا مجلات آتی رفع و اصلاح شود:

برای کسانی که تاریخ اندیشه و سیر تحول فکری متفکری را می‌نویسند، تاریخ چاپ اول هر اثر از اهمیت و ارزش ویژه‌ای برخوردار است. بر همین اساس است که می‌توان منحنی فکری آن متفکر را به دست آورد و ترسیم کرد. اما گردآورندگان محترم مجموعه آثار مهندس بازرگان در این زمینه غفلت کرده‌اند و حتی در یک مورد اطلاعات غلط و نادرستی ارائه نموده‌اند: جلد اول این مجموعه، تحت عنوان «مباحث بنیادین شامل سه رساله، راه طی شده، عشق و پرستش و ذره بی‌انتها» است. مسئولان محترم بنیاد مهندس بازرگان متأسفانه هیچ ذکری از چاپ اول این سه اثر نکرده‌اند و تنها به این اشاره اکتفا نموده‌اند که این کتابها درچه تاریخی توسط مهندس به صورت سخنرانی ایراد شده است.

در باب کتاب «عشق و پرستش» نیز یک اشتباه تاریخی مهم و یک حذف مطلب اتفاق افتاده است: در مقدمهٔ ناشر بر کتاب آمده: «عشق و پرستش که در سال ۱۳۳۶ در زندان قصر نگاشته شده است.»(۱) کتاب عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان، بنا به تصریح صریح خود مهندس بازرگان در آغاز مقدمهٔ چاپهای قبلی در اردیبهشت و خرداد ماه ۱۳۳۴ و زمانی که ایشان در زندان قصر به «جرم» فعالیت در نهضت مقاومت ملی و انتشار نشریه «راه مصدق» زندانی بودند، تالیف شده است. (۲) این کتاب یک سال بعد در سال ۱۳۳۵ توسط آقای حسن محجوب چاپ و منتشر شد.(۳) بنابراین کتابی که در سال ۱۳۳۵ در تهران منتشر شده چگونه می‌تواند در سال ۱۳۳۶ تالیف شود. از آن مهمتر بازرگان پس از چند ماه از زندان آزاد شد و اساساً در سال ۳۶ زندان نبوده است.

از این عجیبتر حذف دو پاراگراف اول مقدمهٔ کتاب «عشق و پرستش» است که هیچ توجیهی برای آن نمی توان یافت. پاراگرافی که در چاپ جدید مجموعه آثار از این کتاب حذف شده چنین است:

«این کتاب ارمغان ماههای اول زندان فرمانداری نظامی است (اردیبهشت و خرداد ۱۳۳۴). خوشبختانه خواندن و نوشتن ممنوع نبود، بنابراین مشغولیت عمده (که در این مورد از ناچاری نامش را باید فعالیت گذاشت) ورق زدن کتاب بود. یک مقدار کتابهای افسانه و رمان یعنی کتابهای عشقی، یک مقدار هم کتابهای دینی از قبیل ادعیه یا سرگذشت پیشوایان و مباحث اعتقادی یعنی کتبی که مقصد آنها پرستش ذات لایزال است. به این ترتیب گذران وقت و تقویت روحیه فراهم شده با کسب معلومات تازه جبرانی از محرومیت فعالیت خارج به عمل می‌آمد. ضمناً کتاب ترمودینامیک صنعتی را از منزل خواسته بودم تا در فرصت موجود راجع به موضوعی که از چند سال پیش وجه شباهتی مابین آن و فعل و انفعالهای شیمیائی حس می‌کردم فکر کنم.

از ترکیب این سه عامل معجون ثقیل الهضمی درآمد که اینک با شرمندگی تمام خدمت خوانندگان تقدیم می‌نماید. تا چه اندازه مقبول و مفید واقع گردد نمی‌دانم. برای نویسنده مشغولیتی بوده است، اگر برای خواننده نیز مشغولیتی خالی از ملالت باشد بسیار راضی و شاکر خواهد بود. در هر حال بد و خوب آن پای کسانی باید نوشته شود که سبب این بیکاری و گرفتاری شدند...» (۴)

نکته تاریخی مهم دیگری که باید به آن اشاره نمود این است که مهندس بازرگان عادت داشت رسالات خود را به اشکال و نامهای متعدد در چاپهای مختلف منتشر می‌کرد. مثلاً همین دو رساله «راه طی شده» و «ذره بی‌انتها» در دههٔ پنجاه توسط محمدمهدی جعفری با عنوان «راه بی‌انتها» ادغام و منتشر شد.(۵) خوب بود گردآوردگان مجموعه آثار در مقدمهٔ هر جلد، نامهای متعدد هر کتاب و تاریخ انتشار آنها را نیز ذکر می‌کردند تا برای اهل تحقیق موجبات سرگردانی پیش نیاید. همین ایرادها و اشکالات در جلد دوم مجموعه آثار نیز قابل مشاهده است که امیدوارم در چاپهای بعد رفع شود.

در پایان بار دیگر این اقدام بسیار مهم فرهنگی و تاریخی را به مسئولان بنیاد مهندس بازرگان تبریک عرض کرده و امیدوارم چنین تلاشها در زمینه گردآوری و تدوین دیگر رجال در گذشته نواندیش دینی صورت پذیرد.

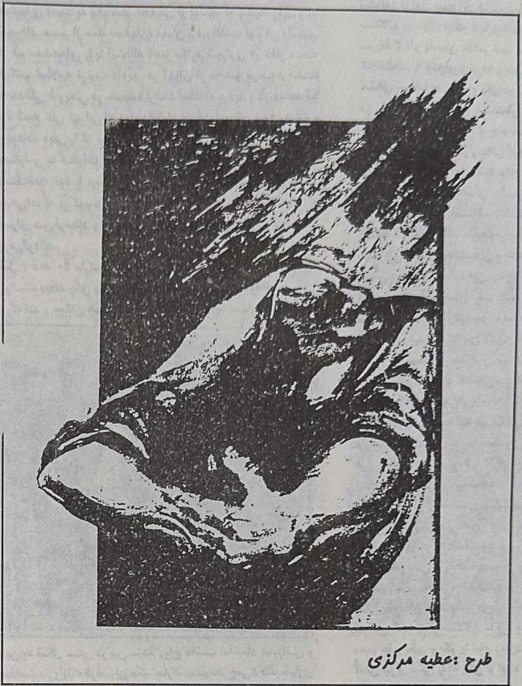
منابع و مآخذ:
۱ـ مجموعه آثار مهندس بازرگان: جلد اول: مباحث بنیادین، انتشارات قلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ص۱۴. // ۲ـ مهندس مهدی بازرگان: عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان، شرکت سهامی انتشار، ص۱. // ۳ـ مهندس مهدی بازرگان: چهار مقاله، شرکت سهامی انتشار، ص ۱۷۰. // ۴ـ عشق و پرستش... ص۱. // ۵ـ مهندس مهدی بازرگان: راه بی‌انتها، مباحثی در توحید، نبوت، معاد، به کوشش مهدی جعفری، انتشارات جهان آراء.

فرو افتاده

احمد آرام

حافظه‌اش را بکار می‌اندازد تا بیاد آورد که چگونه به درون تاریکی افتاده است. مردی که حافظه‌اش را بکار می‌اندازد تا بیاد آورد چگونه به درون تاریکی افتاده است متوجه می‌شود که توی کله گرد و نیمه طاسش محفظه‌ای خالی قرار دارد که صداها از سوراخ گوشهایش به درون محفظه فرو می‌روند و با پژواک وهم‌انگیزی کلماتی نامفهوم را تکرار می‌کنند.

مرد پا به پا می‌شود و تصمیم می‌گیرد تا داد بزند، اما یک لحظه درنگ می‌کند و با خود می‌اندیشد که ممکن است از اینی که هست بدتر بشود. گاه فکر می‌کند که آن کس، به قصد عمد او را به درون تاریکی هل داده است. کم‌کم بیاد می‌آورد که درست سرپیچ خیابانی که مملو از نئونهای رنگارنگ تبلیغاتی بود، ایستاده بود و به صدای عجیب و غریب پرنده‌ای گوش می‌داد. پرنده از ترس، میان سیم پیچهای یک تابلوی نئون گیر افتاده بود. همان هنگام یک تابلوی سیماپرداز غول‌پیکر را در ضلع شمالی خیابان می‌بیند که شعار یکنواخت و تکراری «فرزند کمتر، زندگی بهتر» را نشان می‌داد. فوج جمعیت از کنار تابلوی سیما پرداز می‌گذشت و مانند رودخانه‌ای در پیاده‌روها ادامه می‌یافت. او نخواست تا هوش و حواس خود را به سمت کالاهای تبلیغاتی معطوف دارد، بلکه می‌خواست به دل جمعیت بزند و با آن همه زن و مرد مشکی‌پوش قاطی شود. مرد اطمینان داشت که در این حالت از هر حادثه‌ای مصون خواهد ماند. خود را باریک می‌کند و مانند شقه‌ای گوشت آویزان با موج جمعیت پیش می‌رود. خوشحال است که باین شکل توانسته است برای اندک مدتی گم و گور شود، در اینصورت شناسائیش در میان آن همه آدم مشکل خواهد بود. در این لحظه بیاد می‌آورد که دستی از لای جمعیت، بال کتش را می‌چسبد. دیگر چیزی بیش از این بیاد نمی‌آورد.



طرح: عطیه مرکزی

تاریکی ابتدا او را می‌ترساند. نفس خود را در سینه نگه می‌دارد تا از سکوت در تاریکی چیزی دستگیرش شود و موقعیت گم شده‌اش را پیدا کند. در این احوال بویی زیر دماغش می‌زند و تکانش می‌دهد. دماغش را توی تاریکی به اطراف می‌چرخاند. نمی‌تواند جایگاه اصلی بو را تشخیص دهد. روی پاشنه می‌چرخد و دور تا دور خودش را بو می‌کشد. با خود می‌گوید: «بوی آن شبیه بوی نئونهای رنگی است.» بعد، انفجار فلوئورسنسها را در خیابان فرعی مقابل خانه‌اش بیاد می‌آورد و بوی اندودهٔ لولهٔ لامپهای مهتابی یک بار دیگر بوی بخار جیوه و پوست سوخته زیر دماغش می‌نشاند.

حس می‌کند کسی همان نزدیکی‌ها قرار گرفته است. دستهایش را توی تاریکی دراز می‌کند. دستها، آزادانه توی فضائی تاریک می‌چرخند و ناگهان کیف دستیش رها می‌شود. خم می‌شود و نمی‌تواند کیف را پیدا کند. به ناچار از پاهایش برای پیدا کردن کیف کمک می‌گیرد و پاها را با اطمینان روی زمین می‌کشد. صدای خش و خش کفشها او را بیشتر می‌ترساند. چند قدم به جلو، و چند قدم به راست و چپ می‌رود. مطمئن می‌شود که فضای اطرافش خالی و یکدست است.

مردی که فکر می‌کنند لیز خورده و به درون تاریکی افتاده، از فرط ناچاری می‌خواهد بنشیند، اما هر چه می‌نشیند در تاریکی بیشتری فرو می‌رود و انگار در فضایی که پر از مواد غلیظ و چسبناک است، دارد به آهستگی به پائین کشیده می‌شود.

هم‌اکنون نمی‌داند که ایستاده است یا نشسته، اما دقیقاً میداند که دارد نفس می‌کشد.

محفظه خالی‌ای که در کله نیمه طاسش قرار دارد پر از نور ماوراء بنفش می‌شود و از پس آن تصاویر تازه‌ای پدیدار می‌گردد. مرد با دقت در پی شکار تصاویر است. بوی بخار جیوه آزارش می‌دهد. چیزی نمانده تا کنترل خود را ازدست بدهد. نور مرئی که از انتهای محفظه می‌تابد، همچون ذراتی طلائی به دور خود می‌چرخند. مرد در زیر تابش نور، تلویزیونهای چهل اینچ غول پیکری را می‌بیند که با صفحات پهن خود تمام پیاده‌روها را مسخر کرده‌اند و دارند کالاهای مختلفی را تبلیغ می‌کنند. یک لحظه می‌ایستد و موج جمعیت از آن پیشی می‌گیرد. بوی نا، همراه با گاز مشمئز کنندهٔ فاضلاب زیر دماغش می‌زند و متوجه می‌شود که روی در فلزی و گرد فاضلاب ایستادهِ است. غافل می‌شود و کسی بال کتش را می‌چسبد. کسی که بال کتش را چسبیده، دیده نمی‌شود، اما مرد در یک آن، دست چرب و چیلی او را لمس می‌کند، دست زمخت و پر از انرژی. دست، او را از پشت به درون جمعیت می‌کشد و از سمت دیگر خارج می‌کند. مرد با دقت تمام در آن لحظه شکل پاهای خود را بیاد می‌سپارد، زیرا پاها یهو از زمین کنده شدند و به گونه‌ای مضحک از زانو خم شدند و دیگر روی زمین قرار نگرفتند. بارش نور و صدای ازدحام مردم ناگهان قطع می‌شود و مرد با سرگیجه خود را در مکانی تاریک و ناشناخته می‌بیند. سختی زیر پایش را از یاد می‌برد و احساس می‌کند که هوای چسبناکی به بدنش نزدیک شده است. سرفه می‌کند و از دردی که در حنجره‌اش می‌پیچد به سمت راست و چپ یله می‌شود و حس می‌کند چیزی ته حنجره‌اش چسبیده. بویی که زیر دماغش می‌خورد اندک اندک جابجا می‌شود. فکر می‌کند که بوی کف کارخانه‌ای چروب و چیل و آغشته به گازوئیل، دارد ته دلش را به آشوب می‌کشد. چیزی نمانده که استفراغ کند.

زنش با خودش حرف می‌زند که او بلد نیست راه برود. طوری قدم برمی‌دارد که همه نسبت به او مظنون می‌شوند. هوشیاری خودش را از دست داده و بی‌خودی می‌ترسد. خواب و بیداریش یکی شده، هذیان می‌گوید و از تاریکی و سکوت بیزار است. تمام نشانه‌هایی که از زنش بیاد داشت فراموش کرده است. به سختی می‌تواند از صورت رنگ چشمهایش چیزی را به خاطر بیاورد. تصمیم می‌گیرد بدود، اما جهتها را از یاد برده است، ولی می‌دود. صدای پاهای خود را نمی‌شنود. فراموشی از دست دادن جهت‌ها او را سردرگم می‌کند.

به گونه‌ای تمسخرآمیز از تلاش بیهوده خود می‌خندد و خسته می‌شود. مردی که به گونه‌ای تمسخرآمیز از تلاش بیهوده خود می‌خندد و خسته می‌شود، ساعت مچی‌اش را باز می‌کند و آنرا با تمام قدرت به عمق تاریکی پرتاب می‌کند. در انتظار شنیدن صدای سقوط ساعت، از یک تا هزار می‌شمارد. منتظر می‌ماند و هیچ صدایی که حاکی از برخورد شیئی با یک جسم سخت باشد به گوش نمی‌رسد. دهن دره می‌کند و فکرش قد نمی‌دهد که دست به کار جدیدی بزند.

مردی که فکرش قد نمی‌دهد که کار جدیدی انجام دهد، فکر می‌کند که مرده است و برای اینکه عکس آن را ثابت کند می‌خواهد با صدای بلند حرف بزند تا صدای خودش را بشنود و وقتی که صدای تولید شده را می‌شنود مضطرب می‌شود و در خود فرو می‌رود، زیرا صدایی که شنیده است صدای خودش نبود. لحن صدا، غریب، سنگین و یکنواخت بود. حس کرد صدای بازیافته پر از پرخاش است.

این صدا با شخصیت آرام و متین او جور درنمی‌آمد. باورش شد که صدای خود را گم کرده است. پس سکوت می‌کند و می‌خواهد به گونه‌ای موقعیت خود را توجیه کند: «تاریکی خوب است، باید تاریکی [illegible] دوست دارم.» سعی می‌کند با تاریکی یکی شود، [illegible] نمی‌تواند. مردی که حافظه‌اش را بکار می‌اندازد تا بیاد آورد که چگونه به درون تاریکی افتاده، دستپاچه می‌شود و خودش را کنترل می‌کند تا ناامید نشود. صدای پرنده‌ای که لای سیم‌پیچ تابلوی نئون گیر افتاده بود می‌شنود. می‌خواهد مانند پرنده سوت بزند. لبهایش را [illegible] می‌کند و از لب غنچه‌ایش، باد را بیرون می‌فرستد، [illegible] سوت دلخواهش نمی‌رسد. خودش را تکان می‌دهد تا مانند پرنده بال بزند. بازوهایش را تکان می‌دهد اما بوی بخار جیوه او را به سرفه کردن وامی‌دارد.

حیران است و نمی‌داند با کدام حیله‌ای می‌تواند خودش را بخواب بزند.

یک غزل منتشر نشده از منوچهر آتشی

تا پر زخمی میان لانه‌ها گل می‌کند
خار غم در سینهٔ فرزانه‌ها گل می‌کند

تا گلِ آهی درون خانه‌ای وا می‌شود
اشک رقت از دل میخانه‌ها گل می‌کند

در خلوص بزم پنهان‌گاه هوئی می‌کشم
ناگهان زنجیر بر دیوانه‌ها گل می‌کند

پار زلفت طره‌ای بر دوش لرزانم نهاد
باغ یاس امسال روی شانه‌ها گل می‌کند

شمع چشم خواب سوز ما مگو بر یاوه سوخت
چشمها بین، کز پر پروانه‌ها گل می‌کند

در شراب ما گر انگشتی بگردانی به مهر
بس مَلَک از کوثر پیمانه‌ها گل می‌کند

در مویز ما نظر با چشم نااهلان مکن
کاتش زرتشت از این دانه‌ها گل می‌کند

شعر من از شوکت باغ و تماشا فارغ است
این شقایق بر سر ویرانه‌ها گل می‌کند

با سایه

● شعری از سعید مهیمنی

با سایه آویختم
و چشم تو بافه می‌کرد
خورشیدِ آرامِ تماشا را
و چشم تو
از آستان خشم و خلسه
در سایه می‌کاوید تا خرمن کبود رؤیا
و می‌رمید
سرپنجهٔ نوازش یاد
از کاکل زَر تارِ نخل و باد
با سایه سردادم
سرود ستایش سرما را
و مارِ چنبره بسته
ماند در رقصِ حسرت و
پیراهنِ گلدار باکره
با سایه سَر می‌رود حوصله
سر ریز می‌شود مهره
و چشم تو
پسِ بوته‌های سوخته می‌سوزد.

شش رباعی همراه با عشق

● عبدالمجید زنگوئی

ای عشق ببالی، که چه سودا داری
هر جا که قدم نهی چه غوغا داری
بر مرده اگر رسی شود سرخوش و شاد
با نام خود اعجاز مسیحا داری

□□□

ای عشق چه خوب خط پیوند زدی
بر روی حبیب نقش گلخند زدی
جام دو دل از شراب مهر آکندی
تلخی ندهی که قند در قند زدی

□□□

ای عشق شراع کشتی دهر شدی
فانوس بزرگ مدخل شهر شدی
از باغ مهیب شعله‌ها بگذشتی
نقشی بزدی که همتک بحر شدی

□□□

ای عشق به کوی ما پیامی بفرست
از آب حیات خویش جامی بفرست
گر محفل ما نه در خور یاران است
از دوست به سوی ما کلامی بفرست

□□□

ای عشق صفای مقدم پاکت باد
سر تا به قدم فدائی خاکت باد
باران حیات و زینت عشّاقی
سرمستی ما غنائی از تاکت باد

□□□

ای عشق! بگو، بگو، زفرهاد بگو!
از تیشه و کوه و همت راد بگو!
فصلی زعروج عشق حلّاج بیار
از رمز بگو، راز بگو، داد بگو!

دو شعر از محمدرضا تاجدینی

تصویر تازیانه

با گریه‌های سوسن
و فریادهای عاصی خاک
تصویر تازیانه
به گردهٔ باغ
می‌نشاند
- باد -
نفرین و نفرت برباد
و هر چه بادا
باد.

□□□

«مشق‌های سیاه»

رشته رشته می‌بافی
خیال را
و می‌کاری باد را.
سر به سودائی خوش
و دل به فالی سبز
صحیفهٔ روزگار
و مشقهای سیاه
شانه‌های آفتاب
و ریسمان ذوالاکتاف.

سفرنامه باقر خودرو قباکلکیانی به بوشهر



۷ به تصحیح مهدی بازیار

اندر حکایت سلطان المعلمین

(باب دگر)

مروی است که سلطان المعلمین، مولانا عبدالصاحب امامی، معزز می‌داشت مر دانشجو را و دانشجو نیز به سبب این اکرام و اعزاز بود که دانشجو را وظیفه بود سیصد هزار درم در چاه ویل دانشگاه اندازد به سال. و این سلطان السلاطین، زنبور البساطین، مولانا جاسبی مقرر فرموده بود.

محاسبی حسابی در کار کرد و حاصل آمد که دانشگاه را از قِبل این چاه ویل هر سال هزار بار هزار هزار و هشتصد بار هزار هزار دخل باشد و مخارج نیز دو صدهزار بار هزار و کس را فهم نیامد که مابقی کجا اندر شد الا خدای سبحان. پس لازم آمد که دانشگاه به بازار پیوند خورد و بز صادر می‌فرمود و میگو حاصل می‌آورد.

دکان اندر دکان اندر دکان شد
زپول مفت عجایب در میان شد

مغرضی گفت: اگر دانشگاه را این همه ثروت حاصل آید، چرا دانشکده علوم چنین نُقلی باشد که دانشجو را فقط ۱۰ سانتیمتر مربع وسعت نصیب گردد. شوخی گفت: تا دانشجو را همیشه فشار قبر در نظر آید و از مغیات و معنویات غافل نگردد.

گویند روزی دانشجویان سلطان را معروض داشتند یا سلطان ما تشکل خواهیم، گفت: تشکل چه باشد؟ گفتند با هم جمع آئیم و مشکلات و آنچه کم باشد عرضه داریم و جواب خواهیم. سلطان بفرمود مرا با این کار موافقت نباشد و دل را به این امر میل نباشد. گفتند: ز چه رو؟ فرمود: به جدم قسم چون با هم جمع آئید معاندان بر شما چشم زخم زنند زین رو ما از تشکل بیمناک باشیم و خوشتر باشد که متفرق باشید تا مراد حاصل آید.

نقل است که دانشکده علوم را هیچ آبشتنگاه نبود الا یکی که هر دانشجو را هر ماه یکبار نوبت می‌شد که در آن شود. گفتند: یا سلطان چرا دستور نفرمائی که بیشتر احداث سازند؟ گفت: دست می‌دارم دارم که مبادا دانشجو تحریص شود که به آنجا شود و از وزن او کم آید و باشد که دفع وزن نفرماید.

مروی است که روزی درویشی به بارگاه سلطان شد مثنوی می‌خواند و اشک می‌فشاند:

یک جو ار غیرت به دنیا باشدم
چهره را پنهان نسازم دم به دم
چند روزی گر کنی پنهان رُخت
بر ملا گردد به زشتی عاقبت

درویشان را عادت باشد که هو کشند و یاهو گویند لیک درویش ما دم به دم می‌فرمود: «یه جو» (یِه جو) و هو می‌کشید سلطان ما از آن درویش بسیار مشعوف گشت و بفرمود او را صِلَت دهند و با عزت و احترام او را از بارگاه بیرون اندازند و درویش همچنان می‌فرمود «یه جو» و کس ندانست یه جو چرا به جای یاهو نشیند و این سرّ بماند حکایت همچنان باقیست.

فیلمی از محسن مخملباف در کانون فیلم

عصر یکشنبه هفته آینده فیلم بایسیکل ران به کارگردانی محسن مخملباف در کانون فیلم واقع در اداره تعاون پخش خواهد شد. این فیلم رأس ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه به نمایش درخواهد آمد. در پایان جلسه، نقد و بررسی فیلم اجرا خواهد شد.

نقدی بر یک میزگرد هنری

● م. محمودی

در شماره ۲۷ دی ماه سالجاری در نشستی که توسط چند تن از اهل تئاتر صورت پذیرفت و با تیتر «بررسی رکود تئاتر در بوشهر» در آن هفته‌نامه محترم به چاپ رسید، اینجانب را شگفت‌زده کرد. زیرا آن میزگرد در جهت رفع مشکلات و معضلات تئاتر بوشهر بود اما با کمال تعجب، تبدیل به تریبونی در جهت خود بزرگی و خودستایی یکی از افراد حاضر در میز گرد گردید.

از دیدگاهی دیگر، این میزگرد نتوانست به گونه‌ای مطلوب راهکارهای رسیدن به نتیجه‌ای مثبت را عرضه نماید و گذشته از اینکه نتوانست به حل مشکلات بپردازد بلکه خود تبدیل به مشکل بزرگی شد. اینجانب بعنوان فردی هنردوست جهت روشن شدن اذهان عمومی خصوصاً جوانان کم سن و سالی که در جریان هنر نمایش در قبل از انقلاب نبوده‌اند لازم دانستم چند نکته در اینباره توضیح بدهم:

۱ـ افرادی که در این نشست شرکت داشتند در حدی نبودند که بتوانند از عهده بازگوئی مشکلات تئاتر بوشهر برآیند. چون مسئله اصلی مشکلات تئاتر در بعد از انقلاب می‌باشد. متأسفانه به جز یکی از آنان بقیه آقایان دارای تاریخچه فعال و موفقیت‌آمیزی در تئاتر بعد از انقلاب نبودند.

۲ـ یکی از اصحاب فن که هرگاه به تریبون یا میکروفون دست می‌یابد زیر علم و کتل تئاتر قبل از انقلاب سینه می‌زند و بزرگترین رویداد جهانی تئاتر را به قبل از انقلاب منتسب می‌نماید، بار دیگر همچون دفعات پیشین، هنرمندان تئاتر بوشهر را بی‌سواد و در نهایت بی‌لیاقت معرفی کردند و افاضاتی فرمودند سراپا متناقض که منتهی به خودبزرگ بینی کاذب می‌گردید. این استاد! هنوز که هنوز است متکی به افتخارات کسب نموده در قبل از انقلاب است و گویا اعتقاد دارد که تنها فضای رشد و تعالی جهانی شدن در همان فضای هنرهای فرمایشی رقم زده می‌شده است. ایشان درباره سه نمایش خود به نامهای ابوذر، قلندرخونه و مهپلنگ سخنانی گفته‌اند که بجا است جهت روشن شدن واقعیت، آنها را ریشه‌یابی کرد:

الف: ایشان در روز روشن نمایش ابوذر را جزو آثار نمایشی خود قلمداد کردند و حق و حقوق دیگران را پایمال نمودند. نمایش ابوذر نوشته شخصی به نام «دانشور» و به کارگردانی هنرمند توانای تئاتر و سینما «داریوش ارجمند» بود و آقای صغیری به عنوان بازیگر نقش ابوذر در این نمایش بازی می‌کردند و آن طور که گفته‌اند الحق که در این نقش خوش درخشیدند. این نمایش به موفقیت می‌رسد و بگذریم که در آن اجرا هم ایشان خود را کارگردان معرفی کردند که باعث جنجال در دانشگاه فردوسی مشهد گردید. پس اگر ایشان داعیه اولین مخترع یا مکتشف تئاتر مذهبی در زمان طاغوت را دارند و جرأت داشته‌اند که در آن فضا «مرگ بر شاه» بگویند و جزو اپوزیسیون ضدرژیم قرار بگیرند، جزو آرزوهای ایشان بوده که آرزو هم بر پیران عیب نیست.

ب: و اما نمایش قلندرخونه، متأسفانه این روزها هواداران این استاد هر جا فرصتی بدست آورند این نمایش را همچون پتکی بر سر جماعت اهل تئاتر می‌زنند و همین که عده‌ای بخواهند افتخاراتی کسب کنند نمایش قلندرخونه را به عنوان یک اثر جهانی به میان می‌کشند تا شاهکارهای بعد از انقلاب را لوث نمایند و این موضوع هم حربه‌ای شده است برای آقایان پیشکسوت. جهت ریشه‌یابی در ظهور و سقوط قلندرخونه شمه‌ای جهت اطلاع عموم عرض می‌کنم.

با شناخت زمینه اجتماعی ـ سیاسی رژیم طاغوت و کشتار مخالفین مذهبی و غیرمذهبی، جامعه به سوی نوعی آگاهی معنوی از شناخت مذهب پیش رفت و موج اسلام‌خواهی در شهرهای مذهبی ایران نشان از آن داشت که مردم زمینه رشد سیاسی ـ مذهبی خود را اندک اندک بدست می‌آورند. در زمینه فرهنگی نیز سعی می‌شده تا افرادی به عنوان روشنفکر و سرسپرده تربیت شوند و بعنوان الگوئی در مقابل مذهبیون و سیاسیون قرار گیرند. در چنین جوی آیت‌الله طالقانی‌ها به بند کشیده شدند و شریعتی‌ها به تبعید رفتند و رژیم خودکامه پهلوی کلیه کانونهای مذهبی خصوصاً حسینیه ارشاد را تعطیل می‌کند و بسیاری از آیات عظام را یا تبعید یا به بند می‌کشد. اما چه شد که در آن فضای ضدمذهبی و ارعاب و وحشت، نمایش «قلندرخونه» بعنوان نمایش مذهبی از سوی رژیم وقت پذیرفته می‌شود؟ که این خود نکته‌ای مهم و قابل بررسی است. آن هیئتی که از تهران از سوی رادیو و تلویزیون ملی ایران به سرپرستی رضا قطبی (دایی زن شاه) و وزارت فرهنگ و هنر پهلبد (داماد شاه) به بوشهر می‌آیند به خوبی می‌دانستند که نمایش قلندرخونه می‌تواند به اهداف نظام در جهت گسترش تئاتر مذهبی دولتی کمک نماید. وزارت فرهنگ و هنر و تلویزیون ملی ایران در جهت تصاحب این نمایش به جدال پرداختند، گرچه در حقیقت مالک اصلی وزارت فرهنگ و هنر بود ولیکن به دلیل وعده و وعیدی که به کارگردان نمایش داده شد، ایشان نمکدان را شکستند و به سوی تلوزیون ملی ایران رفتند. نمایش قلندرخونه به جهت استفاده از آئینها و مناسک مذهبی از ساختاری خوب برخوردار بود گرچه داستانی سطحی و پیامی تکراری داشت اما با شرکت دادن آن در جشن و هنر به هیاهو تبدیل شد. این هیاهو بیشتر بخاطر ضدیت «رضاقطبی» با «مهرداد پهلبد» بود. اما چگونه می‌توان نمایش قلندرخونه را که پر از فحشهای رکیک و الفاظی چندش‌آور است بعنوان نمایش مذهبی پذیرفت؟ رژیم به دلیل اثبات این موضوع که مذهب چیزی غیر از این نیست، در حقیقت یک اثر ضدمذهبی را بعنوان اثری مذهبی به میان مردم فرستاد. این نمایش الگونی مناسب برای تبلیغ و چاپلوسی رژیم در جو مذهبی آن زمان بود، و مکانی مانند جشن هنر شیراز که جایگاه هنری وابسته، مبتذل و گاه اروتیک (سکسی) بود، توانست به اهداف خود یعنی ظاهراً احترام به مذهب و هنرهای سنتی نظیر تعزیه را به اثبات برساند. بدبختانه همین نمایش باعث گردید که بهترین هنرمندان تئاتر بوشهر مجبور شوند بر دست کسی بوسه بزنند که خود جرثومه فساد بود.

در پایان به این استاد! و مریدان ایشان نصیحت می‌کنم که در این موقعیت حساس که جوانان هنرمند بوشهری در تمام جشنواره‌ها با موفقیت بی‌نظیر روبرو می‌شوند بهتر است حداقل سکوت کنند یا اگر می‌خواهند در زمینه هنری فعال باشند (رادیویی) به ترویج شخصیت «مندوگوش رووَک» بپردازند که برنامه‌ای عامه‌پسند است و می‌تواند اقشار مختلف مردم را به خنده کردن وادارد.

توصیه‌های پزشکی

نکاتی چند در مورد تغذیه تکمیلی شیرخواران

مصاحبه با دکتر فاطمه بهرامیان کارشناس بهداشت خانواده مرکز بهداشت شهرستان بوشهر

درباره تغذیه تکمیلی شیرخواران مصاحبه‌ای با خانم دکتر فاطمه بهرامیان، کارشناس بهداشت خانواده مرکز بهداشت شهرستان بوشهر انجام داده‌ایم که در زیر می‌خوانید:

● **مادران از چه زمانی می‌توانند برای تغذیه شیرخواران غذای کمکی را شروع کنند؟**

□ شیر مادر تا پایان ۶ ماهگی به تنهائی و بدون اضافه کردن هیچ نوع غذای کمکی برای رشد طبیعی شیرخوار کافی است. بعد از ۶ ماهگی لازم است که علاوه بر شیر، دادن غذاهای نیمه جامد به شیرخوار شروع کنند. اصولاً دادن غذاهای کمکی به کودک قبل از پایان ۶ ماهگی، به دلیل آماده نبودن دستگاه گوارش شیرخوار برای پذیرش غذاهایی غیراز شیر، اقدام نادرستی است. همچنین باعث کمتر مکیدن شیر مادر می‌شود که خود از عوامل مهم کاهش تولید شیر مادر است.

● **شروع غذای کمکی غیر از تأمین انرژی لازم برای رشد شیرخوار، آیا فواید دیگری نیز دارد؟**

□ بله. سن شروع غذاهای کمکی در دوران بسیار حساس آموزش تدریجی شیرخوار برای ایجاد عادتهای صحیح غذایی و استفاده از غذای خانواده است. اکثر شیرخواران در پایان ۶ ماهگی آمادگی بلع و پذیرش غذاهایی را دارند که کمی غلیظتر از شیر مادر باشد، مثل فرنی، حریره بادام و شیر برنج. دادن این غذاها باعث آشنا شدن شیرخوار بامزه و طعم انواع غذاها نیز می‌شود.

● **اصولاً برای شروع تغذیه تکمیلی شیرخوار، چه شرایطی باید در تهیه غذاها رعایت شود؟**

□ غذاها باید دارای انرژی و حجم کم باشند. (چربیها، شکر و غلات)، نرم باشند و هضم آنها آسان باشد، تازه و بدون آلودگی باشند و به روش بهداشتی تهیه شوند، در دسترس، ارزان و مناسب عادات غذائی خانواده باشد و امکان استفاده از آنها در حجم کم و در دفعات زیاد وجود داشته باشد.

● **مادران برای دادن غذای کمکی به شیر خوارشان، چه نکاتی را باید رعایت کنند؟**

□ مادران باید مواد غذایی را چه از نظر مقدار و چه از نظر نوع باید به تدریج به غذای شیرخوارشان اضافه کنند. همچنین از یک نوع غذای ساده شروع کنند و به تدریج به مخلوطی از چند نوع افزایش دهند از مقدار کم شروع (یک قاشق مرباخوری) و به تدریج بر مقدار آن اضافه کنند و * بین اضافه کردن مواد غذائی مختلف حدود ۷ تا ۵ روز فاصله بگذارند. که این باعث می‌شود تا ناسازگاری به یک ماده غذائی شناخته شود و تحمل شیرخوار به تدریج نسبت به غذای خاصی افزایش یابد.

والدین گرامی! اگر کودک شما به سرماخوردگی و سرفه مبتلا می‌باشد، در طول دوره بیماری و حداقل ۲ هفته پس از آن، با زیاد کردن تعداد دفعات تغذیه، از عقب ماندن رشد کودک جلوگیری کنید.

«مرکز بهداشت شهرستان بوشهر»

در حاشیه اولین دادگاه مطبوعاتی استان بوشهر

جلسه دادگاه مطبوعات که در آن به شکایت فرمانده نیروی انتظامی از یونس‌قیصی‌زاده - مدیرمسئول هفته‌نامه نسیم‌جنوب - رسیدگی شد حاوی نکات جالب (خصوصاً برای ما که تابه حال محاکمه علنی و هیئت منصفه را ندیده بودیم) بود.

گرچه من با اندکی دلهره و علیرغم هشدارهای یکی از اقوام درباره عواقب حضور اینگونه محاکمه‌ها،ساعت ۸:۳۰ صبح به دادگستری رفتم، ولی دیدم که هنوز به مردمی که برای شرکت در جلسه دادگاه مطبوعات آمده بودند، اجازه داخل شدن داده نشده است، از اینکه می‌دیدم عدهٔ زیادی برای شرکت در این محاکمه آمده‌اند، در دل خوشحال شدم که اگر دردسری باشد برای من، تنها نیست. بالاخره اجازه دادند که وارد اتاق بازرسی شده و پس از نوشتن برگ ورودی برای هر نفر اجازه ورود به دادگستری صادر شد.

به همراه دیگران به طبقه دوم دادگستری رفتم که شعبه ۷ در آنجا بود. ساعت از ۹ گذشته بود و هنوز خبری نبود. پس از چند دقیقه اکیپ نیروی انتظامی که از یک سرهنگ و چند نفر دیگر (که برخی لباس شخصی بر تن داشتند) هویدا شدند. دقایقی نگذشت که خبر دادند که در طبقه پائین دادگاه تشکیل می‌شود، با عجله به طبقه پائین رفتیم، برای رفتن به جلسه، نیاز به نوشتن اسم بود، با دلهره اسممان را نوشتم و سریع وارد شدم، شانس آوردم، چراکه درب سالن را بستند و عدهٔ زیادی به دلیل پر شدن سالن موفق به حضور در جلسه نشدند.

جلسه شروع شد و پس از آنکه جناب سرهنگ محققی به نمایندگی از ناحیه انتظامی شکایت خود را علیه مدیر مسئول عنوان کرد، مدیرمسئول برخاست تا از خود دفاع کند. تعجب نمودم، چراکه وی فردی جوان و جمع و جور بود. من که از طریق خواندن «سلامی و کلامی» با نوشته‌های وی آشنا بودم، انتظار فردی مسن و جاافتاده را داشتم. به نظرم جوانترین مدیرمسئول مطبوعات کشور را ما در بوشهر داشته باشیم. همانند نوشته‌هایش، محکم و مستدل دفاع کرد و جا برای هیچ بحثی نگذاشت.

پس از دفاع وی و پاسخ به چند سؤال، وکیل وی برخاست و دفاعیه خود را خواند. تعجبی همراه با خوشحالی از اینکه هفته‌نامه، یک خانم را بعنوان وکیل انتخاب نموده است. دفاعیه وی نیز منطقی بود. پس از گذشت حدود ۲ ساعت از شروع دادگاه، قاضی تنفس اعلام نمود و هیئت منصفه وارد شور شد. شور هیئت منصفه حدود نیم ساعت بطول انجامید، سپس جلسه دادگاه از دوباره تشکیل و قاضی رأی تبرئه مدیرمسئول هفته‌نامه نسیم‌جنوب را اعلام نمود.

در حاشیه این دادگاه چند نکته به نظرم جالب بود که می‌نویسم:

* استقبال غیرمنتظره مردم، از این دادگاه قابل توجه بود استقبال به حدی بود که سالن دادگاه گنجایش نفرات استقبال‌کننده را نداشت و پس از پر شدن سالن دادگاه، درب سالن بسته شد و عدهٔ زیادی از طریق اتاق کنار سالن و راهرو دادگستری، جریان دادگاه را دنبال نمودند.
* حضور جوانان در دادگاه، چشمگیر بود. عدهٔ زیادی از جوانان از ساعات اولیه شروع بکار دادگستری، در دادگستری حاضر شده بودند و در دادگاه شرکت نمودند، عده‌ای از آنان نیز که موفق به حضور در دادگاه نشده بودند، ضمن اعتراض به کوچک بودن سالن دادگاه در راهروها به انتظار نتیجه دادگاه ماندند.
* یک آقائیکه بعد دانستم قائم مقام دادگستری است در برپائی جلسه و حاکم نمودن نظم به قاضی کمک می‌نمود و جای هیئت منصفه، متهم، شاکی و وکیل و ... را به آنها نشان داد.
* قاضی دادگاه، در شروع جلسه اعلام نمود که هر کس نظم جلسه را بهم زند و در روند دادگاه اخلال بوجود آورد به ۵ روز زندان محکوم می‌شود.
* دفاعیه مدیرمسئول هفته‌نامه نسیم‌جنوب، به تعداد اعضای هیئت منصفه و قاضی، تکثیر شده و در هنگام دفاع ایشان، در اختیار هیئت منصفه و قاضی قرار گرفت.
* دفاعیه مدیر مسئول، بسیار منطقی، مستدل و قانونی بود، ماکه با شنیدن این دفاعیه عهد بستیم که به سادگی به هیچ روزنامه‌نگاری پیله نکنیم.
* پس از پایان دفاعیه مدیرمسئول هفته‌نامه نسیم‌جنوب، حضار در دادگاه، با صدای بلند احسنت گفتند.
* حضور چندین خبرنگار، عکاس و فیلمبردار در این دادگاه که مشروح دادگاه را ضبط و ثبت نمودند، قابل توجه بود.
* پس از اعلام تنفس و قبل از وارد شور شدن هیئت منصفه، وکیل ناحیه انتظامی به همراه چند نفر همراه به سمت هیئت منصفه رفته و با آنان صحبت نمودند که اینکار خلاف قانون بوده و باعث اعتراض یکی از اعضای هیئت منصفه گردید.
* در هنگام شور هیئت منصفه، حضار محل دادگستری را ترک ننمودند و منتظر نتیجه رأی هیئت منصفه ماندند.
* هنگامی که قاضی اعلام نمود که مدیر مسئول نسیم‌جنوب بر اساس رأی هیئت منصفه از اتهام وارده تبرئه شده است، حضار با فرستادن صلوات، خوشحالی خود را از این رأی اعلام نمودند.
* پس از قرائت نتیجه رأی هیئت منصفه توسط قاضی و اعلام برائت مدیر مسئول نسیم‌جنوب، حضار در دادگاه، با زدن دست، از این رأی حمایت نمودند.
* پس از پایان دادگاه، شرکت‌کنندگان به سوی مدیرمسئول هفته‌نامه نسیم‌جنوب رفته و نتیجه دادگاه را به وی تبریک گفتند.
* شنیدم که پس از تبرئه مدیرمسئول هفته‌نامه نسیم‌جنوب از شکایت نیروی انتظامی، عده‌ای از جوانان شهر بوشهر با پخش شیرینی در میدان امام، خوشحالی خود را از بابت این رأی جشن گرفته‌اند.

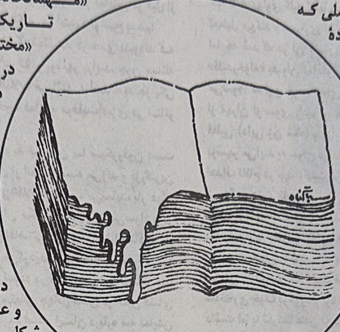
«احمد ـ م»

تریلوژی فاجعه

به مناسبت چهلمین روز درگذشت «محمد مختاری» و «محمد جعفر پوینده»

● امید غضنفر

در آستانه ورود به قرن ۲۱ و شتاب فزاینده تکنولوژی و ماشینیزم به سمت تحقق باورهای بلند پروازانهٔ بشریت، هنوز «امنیت»، «آزادی» و «عدالت» به مثابهٔ اصول بایسته در همزیستی مسالمت‌آمیز، از دغدغه‌ها مهم و محوری بشر در چهارسوی این سیاره سرگردان تلقی می‌شود. «پوپر» می‌گوید: (بدون آزادی، نه عدالت وجود دارد و نه امنیت.) در نگرش کلی با فقدان هر یک ـ اما ـ آن دو دیگر نیز در مخاطره قرار خواهند گرفت و در فرجام به «تریلوژی فاجعه» منجر خواهد شد. «پوپر» در جای دیگر «انحطاط اقتصادی» را نیز نتیجه «سرکوب» می‌داند و می‌گوید: «اگر در جامعه‌ای خلاقیت و قوه ابتکار «سرکوب» شود، اقتصاد چنین جامعه‌ای نیز رو به انحطاط می‌گذارد.» معضلی که امروز در جامعه بحران‌زدهٔ خویش، گواه آن هستیم.



وقایع چند هفته اخیر، بار دیگر ثابت کرد که در فقدان «امنیت» و تکوین اتمسفری آکنده از تلواسه و ترور، آزادی و عدالت، طنزی تلخ را می‌نماید، چراکه بالاخص «آزادی» در همجواری با «امنیت» معنا و مفهوم می‌یابد و بی‌شک چنین فضای رعب‌آوری، عوارضی جبران‌ناپذیر را در پی خواهد داشت. نویسنده در فضایی فاقد امنیت فردی و اجتماعی به «خودسانسوری» متوسل خواهد شد و یا به دلیل افسردگی و سرخورده‌گی ناشی از فشارهای روحی به «انزوا» پناه خواهد برد و این واکنش در دراز مدت به تخریب ساختار فرهنگی جامعه منجر خواهد شد.

با نگاهی به عملکرد گروههای فشار به ویژه پس از دوم خرداد ۷۶ به این سو و نیز عوامل محرکه‌ای نظیر مطبوعات جناح «بازار» و برنامه‌های تلویزیونی یکسویه و بی‌هویتی چون «هویت» و همچنین عدم قاطعیت مسئولین نسبت به این قانون‌ستیزی آشکار، در می‌یابیم که مجموعهٔ این عوامل در تکوین فضای فاجعه، بی‌تأثیر نبوده و آموزه باید ناباورانه و با اندوهان شکار بهترین‌های اهل قلم را توسط شکارچیان نهان آشکار، شاهد باشیم. بیاد داشته باشیم که در جامعه‌ای که خشونت و ترور به شکلی گسترده، حضور بی‌پروا و قاطع خویش را اعلام می‌کند، نوع خشونت را هم طالبان خشونت تعیین می‌کنند. در ریشه‌یابی علل شکل‌گیری جو فاجعه‌آمیز امروز، با کمی کنکاش در مونولوگ افراد مسئول می‌توان به نتایج اسفباری دست یافت.

وقتی برنامه «هویت» به شکلی نابرابر، خیل اندیشمندان و متفکران را به عنوان جاسوس و مرتد و سلطنت‌طلب و سرسپردهٔ استکبار معرفی می‌کند، بی‌آنکه حق قانونی ایشان را در دفاع از «هویت» خویش پاس دارد، باید امروز در این «مهمانخانهٔ میهمانکُش روزش تاریک» در غیاب حضور «مختاری»هاو «پوینده»ها، در چهلمین روز درگذشتشان برای روزنامه‌ها تسلیتی بفرستیم. آلبرکامو می‌گوید: «هنرمند به حکم وظیفه‌اش گواه آزادی است و این مسئله گاهی برای او گران تمام می‌شود». در طول تاریخ هنرمندان و عموم روشنفکران به شکلی مداوم به تاوان چنین وظیفه‌ای در معرض ترور و تبعید و شکنجه قرار داشته‌اند و «پوپر» این عقوبت را نتیجهٔ شایستگی می‌داند و می‌گوید: «حکم تبعید بدین معنا است تو در میان ما بیش از انداز شایستگی داری و به همین دلیل هم بیش از حد خطرناکی!» این احساس خطری است که در پی‌اش فرمان «حذف» صادر و توسط ماشین ترور به اجرا گذارده می‌شود.حسن ختام مقال آن که: در این فضای وحشت و ناامنی و در نمایش سکانس دیگر از «تریلوژی فاجعه» به پاسداشت تمامی شهدای کِلک آئین از نخستین تَن تا «محمد مختاری»، با «آلبرکامو» هم‌آوا می‌شویم که: در جهان محکومیت به مرگ، هنرمندان به آن چه که در انسان از «مردن» سرباز می‌زند، گواهی می‌دهند.

فلسفه وجودی و وظایف شوراها اسلامی

● بیت الله خورشیدی
کارشناس امور شهرداری‌ها

ابتدا مطلبی را در خصوص فلسفه وجودی شوراها و سپس به وظایف شورا و نقش شهرداریها در شهرهای استان بوشهر یا کشور می‌پردازیم.

شورا یعنی با شور و مشورت دیگران کاری راانجام دادن یا به عبارتی نظر دیگران را در انجام کاری دخیل داشتن. درخصوص شور و مشورت، آیات و روایات زیادی وجود دارد که مهمترین آن در قرآن آمده است «و امرهم شورا بینهم» مشورت کردن با دیگران یکی از امرهای مهم می‌باشد. همانا که پیامبر در جنگ احد با مشورت دیگران به جنگ کفار رفت.

شورا در تمام کشورها وجود دارد کمااینکه در اخبار روزنامه‌ها می‌خوانیم یا می‌شنویم یا می‌بینیم که مثلاً در فرانسه یا ترکیه شورای محلی انتخاب می‌شوند و یا انتخابات برگزار شد. سپس مسئله شوراها خیلی هم جدید نیست اکثر قریب به اتفاق مردم با آن آشنا هستند در قبل از انقلاب هم با نام انجمن شهر در شهرها انتخابات برگزار می‌شد ولی بعد از انقلاب به دلایل متفاوتی از جمله جنگ تحمیلی این اقدام مهم انجام نگرفت ولی در قانون اساسی بعنوان یکی از مهمترین اصول قانونی گنجانده شده بود.

بارها بحث انتخابات شوراها مطرح شد که هر بار به دلیلی به تعویق افتاد و در نهایت در سالهای ۷۱ تا ۷۵ به همت وزارت کشور قانون تشکیلات وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران در تاریخ دوم خرداد ۷۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

بعد از انقلاب این قانون باز هم این مسئله مسکوت ماند تا اینکه در انتخابات ریاست جمهوری بعنوان یکی از شعارهای دولت آقای خاتمی مطرح شد و با توجه به جامعه مدنی و توسعه سیاسی و مشارکت مردم در سرنوشت خود زمینه را برای این امر مهم یعنی انتخابات شوراها آماده شده و هم‌اکنون در آستانه این وظیفه مهم قرار گرفته‌ایم.

وظایف شورا:

در ماده یک قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی آمده که به منظور پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی آموزش و پرورش و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم و نظارت بر امور روستاها، بخش، شهر و شهرک، شوراهایی به نام شورای اسلامی روستا، بخش، شهر و شهرک بر اساس مقررات این قانون تشکیل می‌شود پس بطور کلی وظایف شورا مشخص شد که برای انجام شدن برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و ... با همکاری مردم در قالب نمایندگان مردم، که همان شوراها می‌باشند توسط دولت اجازه می‌شود. شورا در دو قالب برگزار می‌شود که یکی شورای اسلامی روستا و دیگری شورای شهر و شهرکهایی که جدید التأسیس در اطراف شهرهای بزرگ که همان نقش شورای اسلامی شهر را دارد توسط مردم برگزیده و انتخاب می‌شوند از مجموع شورای اسلامی چند روستا در محدوده یک بخش و یک شورا بنام شورای بخش بوجود می‌آید و در نهایت شورای بخشها و شهرها شورای بنام شورای شهرستان انتخاب می‌شوند. و نهایتاً از مجموع چند شورای اسلامی شهرستان شورای استان انتخاب می‌شوند که اینها بصورت کلی مسائل و مشکلات را به دولت و مجلس شورای اسلامی اعلام و یا پیگیری می‌نماید.

اما شورای اسلامی روستا و بخش و شهرستان هر کدام در حوزه انتخابی خود هم فعالیت‌هایی دارند مثلاً شورای اسلامی روستا علاوه بر فعالیتهایی که در ماده قانون تشکیلات شورا مطرح شد برای روستا یک نفر به عنوان دهیار انتخاب می‌کنند و با مشورت و انتخاب بهترین راه ممکن توسط دهیار اقدام یا پیگیری می‌شود.

اما شورای شهر علاوه بر فعالیتهایی که در ماده یک قانون مطرح شد مهمترین وظیفه آنها انتخاب شهردار و همچنین نظارت بر عملکرد شهرداری می‌باشد.

شهرداری یک مؤسسه غیرانتفاعی عمومی بوده که توسط شهرداری با انتخاب شورای شهر یا در بعضی از کشورها بطور مستقیم توسط خود مردم انتخاب می‌شود، اداره می‌شود و در این چند ساله که شورای شهر نبوده وزارت کشور (شخص وزیر کشور) بعنوان جانشین شورای شهر و با تفویض اختیار به استانداران که به عنوان قائم‌مقام جانشین شورای شهر در استانها،اقدام به انتخاب شهرداران می‌کردند.

هر شهرداری داری سه وظیفه عمده می‌باشد که اول خدمات شهری دوم خدمات جاری، سوم خدمات عمرانی شهری بوده که هر شهرداری با توجه به میزان درآمد یکساله خود در قالب سه وظیفه فوق اعتبارات مربوطه را به مصرف می‌رساند.

برنامه خدمات شهری همان تمیز کردن شهر و زیبایی شهر و مسائل رنگ‌آمیزی، نماسازی شهر بوده اما برنامه خدمات جاری می‌توان حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان و خرید وسایل و لوازم اداری شهرداری بوده و برنامه عمران شهری شامل شهرسازی و فضای سبز و احداث آسفالت خیابانها و کوچه‌ها و شهر بوده است.

اما درامد شهرداری:

با توجه به اینکه قبلاً هم گفتیم که شهرداری یک مؤسسه غیرانتفاعی عمومی بوده که بصورت خودکفا و بدون هیچگونه کمک عمده‌ای از طرف دولت اداره می‌شود. درامد شهرداری میزان عوارض و عواید و کمکهای اهدائی که توسط خود مردم پرداخت می‌شود بدست می‌آید سپس وظایف شورا، نظارت بر طریقه وصول درآمد و مصرف اعتبارات در قالب سه وظیفه عنوان شده هر شهرداری می‌باشد و هر شهرداری دارای بودجه و متمم بودجه و تفریغ بودجه بوده که بودجه میزان درامد و هزینه یک ساله هر شهرداری بوده که به تصویب شورای شهر می‌رسد. بنابراین انتخابات شورای شهر یکی از مهمترین وظیفه هر شهروند است که از بین نامزدهای انتخاباتی به کسانی که دارای تعهد بالا و مدیریت قوی و شایستگی لازم بوده و رای بدهند.

یک رأی زیبا از هیئت منصفه

● غلامرضا رفیعی

بیان، حقوق مطبوعات در مقابل حدود آن، دوری جستن از ایجاد جو تهمت و افترا نسبت به هرکس که قلم به دست می‌گیرد و مطلبی می‌نویسد، اولین کلماتی بود که یونس قیصی‌زاده، سردبیر هفته‌نامه نسیم‌جنوب در دفاعیه محکم و مستدل و شجاعانه خود در دادگاه مطبوعات در برابر شکایت فرمانده نیروی انتظامی عنوان کردند. کلماتی که انسان از شنیدن آنها در آن فضای بسیار تنگ، احساس سبکی و شادی می‌کرد و اندیشه‌اش در آسمان جامعه آرمانی به پرواز در می‌آمد.

به دنبال شکایت تعجب‌انگیز نیروی انتظامی استان بوشهر بر علیه هفته‌نامه نسیم‌جنوب درخصوص مقاله پیش شماره چهاردهم این هفته‌نامه با عنوان «آقایان یگان ویژه با جوانان خوش‌برخوردتر باشید،» روز سه‌شنبه بیست و نهم دی بعنوان روز تشکیل جلسه و دادرسی در این خصوص تعیین گردید. روزی که بی‌شک در تاریخ مطبوعاتی استان بوشهر بیادگار خواهد ماند. جلسه دادگاه در ساعت ۹:۴۰ دقیقه صبح روز سه شنبه با تلاوت قرآن مجید و در فضایی متفاوت با فضای دیگر محاکمات استان، آغاز شد. ابتدا قاضی جلسه با عنوان این مطلب که ایجاد بی‌نظمی و دادن شعار می‌تواند تا پنج روز بازداشت بدنبال داشته باشد خطاب به نماینده نیروی انتظامی که خود را سرهنگ احمد محققی‌زاده معرفی کردند اجازه طرح مسئله را دادند و ایشان پس از سلام و بیان مقدمات، شکایت را طی مکتوبی که مشتمل بر شش بند بود قرائت کردند که بجز بند اول که تأکید بر صراحت قانون مبنی بر مبارزه با منکرات توسط نیروی انتظامی داشت که البته یک مطلب کلی بود، بقیه موارد از استدلال منطقی برخوردار نبود.

برای جوانان حاضر در جلسه باعث تأسف بود که چگونه می‌توان به کوچکترین بهانه‌ای یک مطبوعه را به چنین مشقاتی انداخت و از وظایف اصلی بازداشت، اما شیرینی این ماجرا در آنجاست که اولاً یک واقعه جدید قضائی در استان بوشهر رخ داد، یعنی حضور هیئت منصفه و حضور جمع کثیری از مردم و خصوصاً جوانان بعنوان شرکت‌کننده که باعث امیدواری بسیار است و ثانیاً فضای منطقی و قانونی و عادلانه حاکم بر جو جلسه که بسیار جالب بود.

در پایان با تشکر از رأی زیبای هیئت منصفه و قاضی محترم جلسه مبنی بر برائت مدیر مسئول هفته نامه نسیم جنوب که البته هر چند مورد رضایت نماینده طرف مقابل نبود ولی اعتراض نامبرده در میان شادی و صلوات حاضرین گم شد.

نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
صاحب امتیاز: دکتر عبدالامیر خلف‌پور
مدیرمسئول و سردبیر: یونس قیصی‌زاده
مدیراجرایی: مهندس محمد مهدی بنجاری
مدیر فنی: حسین ابوالحسنی
چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه علوی بوشهر، خیابان امام، خیابان شهید حیدری ـ تلفن ۲۷۷۹۷
آدرس: بوشهر، روبروی استانداری
دفتر هفته‌نامه نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۴۴۶ صندوق پستی: ۱۱۹۹
● نسیم جنوب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
● مطالب فرستاده شده باز گردانده نمی‌شود
● مقالات درج شده با امضاء اشخاص، حاوی نظرات نویسندگان است و منعکس کننده دیدگاههای نشریه نیست.